



جایگاه زن از دیدگاه
امام خمینی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه زن ازدیدگاه امام خمینی (ره)

نویسنده:

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

ناشر چاپی:

موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قدس سره

فهرست

۵	فهرست
۸	جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی (ره)
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۱۰	فصل اول : زنان بزرگ عالم
۱۰	حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا(علیها السلام)
۱۰	اشاره
۱۰	تولد حضرت زهرا (علیها السلام) افتخاری برای زنها
۱۱	شخصیت ملکوتی حضرت زهرا(علیها السلام)
۱۳	خانه ی حضرت زهرا(سلام الله علیها) و برکات آن
۱۴	سیره حضرت فاطمه(علیها السلام)
۱۵	حضرت خدیجه(علیها السلام)
۱۶	حضرت زینب علیها السلام
۱۷	حضرت مریم (علیها السلام)
۱۷	فصل دوم : جایگاه و حقوق زن در نظام اسلامی
۱۷	مقام و کرامت زن در اسلام
۱۸	حقوق زن در اسلام
۲۱	نقش زنان در بنای جامعه اسلامی
۲۱	فعالیت‌های زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی
۲۴	تعلیم و تعلم زنان
۲۶	آزادی زنان در نظام اسلام
۳۰	حجاب اسلامی
۳۲	توصیه به حفظ و تداوم نهضت اسلامی

۳۲	فصل سوم : نقش خانواده و زنان در تربیت انسانها
۳۲	توجه جدی اسلام به همه ابعاد زندگی خانوادگی
۳۷	اهمیت نقش مادران در تربیت صحیح فرزندان
۳۸	اهمیت و شرافت مادری
۴۱	اثرات منفی جداکردن فرزندان از دامن مادر
۴۳	اهمیت خانواده و وظایف آن در جلوگیری
۴۴	توصیه به حسن رفتار با اعضای خانواده
۴۵	فصل چهارم : نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی
۴۵	تحول زنان در انقلاب اسلامی
۴۸	پیشقدم بودن زنان در نهضت
۵۱	حضور شجاعانه زنان در تظاهرات
۵۳	کمکهای مالی زنان به مستضعفین
۵۴	فصل پنجم : زنان و دفاع مقدس
۵۴	وجوب دفاع از اسلام و مملکت اسلامی بر زنان
۵۵	آموزش نظامی زنان
۵۶	شرکت زنان در میدان جنگ
۵۶	فداکاری زنان در دفاع مقدس
۵۷	شهادت و روحیه ی شهادت طلبی زنان
۵۸	نقش زنان در پشت جبهه و پشتیبانی رزمندگان
۶۱	فصل ششم : جنایات و نقشه های استعماری درباره ی زنان
۶۱	خودباختگی و غرب گرایی
۶۲	کشف حجاب
۶۶	ورود زنان به مجامع و مجالس فرمایشی
۶۹	ادعای تساوی حقوق زنان

۷۱ سربازی بردن دختران

۷۱ اختلاط زن و مرد

۷۲ تظاهر به آزادی زنان در رژیم طاغوت

سرشناسه: خمینی روح‌الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. عنوان و نام پدیدآور: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی س / استخراج و تنظیم موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی با همکاری اداره کل مراکز و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشخصات نشر: تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی س: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره کل مراکز و روابط فرهنگی ۱۳۷۴ مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص فروست: کوثر. تبیان آثار موضوعی دفتر هشتم شابک: ۴۰۰۰ ریال؛ ۶۰۰۰ ریال چاپ پنجم ۹۶۴-۳۳۵-۰۳۴-۷: یادداشت: چاپ اول: ۱۳۷۴. یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۷۸. یادداشت: کتابنامه ص [۲۸۱] - ۳۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: خمینی روح‌الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره زن موضوع: زنان ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها موضوع: زنان در اسلام -- مقاله‌ها و خطابه‌ها شناسه افزوده: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل مراکز و روابط فرهنگی رده بندی کنگره: DSR۱۵۷۴/۵ / ج ۲ ۱۳۷۴ رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲ شماره کتابشناسی ملی: ۷۷-۷۱۹۳

مقدمه

تاریخ بشریت مشحون از ستمهای بی شماری است که از سوی قدرتمندان و جباران علیه محرومان و مظلومان اعمال گشته است و هر از چند گاهی این مظلومان بوده اند که در پی ندای صالحی از تبار انبیا و اولیا بر ستم پیشگان برآشفته اند و با نثار خون خود و تحمل مصایب انبوه، رایحه ای از نسیم عدالت و انصاف را به مشام جهانیان رسانده اند. اما دیر یا زود دوباره گنداب تفرعن و استکبار به مدد زر و زور و نیرنگ بر عطر عدالت غالب شده و شامه حق طلبان را آزرده است. اما در این میان «زن» به عنوان نیمی از بشریت علاوه بر سهمی که از این ستم تاریخی نصیب برده، گرفتار ظلمی مضاعف بوده است که شرح آن دفتری قطورتر از دفتر حدیث ظلم عام بشریت می طلبد؛ چرا که زن به عنوان «همسر مرد» نوعاً شریک غم و سپر بلای شوی خویش بوده و حتی در بسیاری اوقات که ستم جباران یا محنت دوران، مرگ شوی وی را موجب شده است این زن بوده که باید بار مسئولیت را یک تنه بر دوش نهد. اما علاوه بر اینها زن چه به عنوان دختر در خانه پدر یا به عنوان همسر در کنار شوهر، یا خواهر در رابطه با برادران و به طور کلی زن در برابر مرد، از شأنی در خور، برخوردار نبوده است و غالباً به صورت عنصری ضعیف، پست، نامیمون و یا حداقل قابل ترحم، کرامت وی نادیده انگاشته می شده است. هرچند در فرهنگها و جوامع مختلف و نیز در طول ازمه ی تاریخ، این تمایز و اختلاف، شدت و ضعف متفاوتی داشته است؛ ولی متأسفانه استمرار و فراگیری آن غیرقابل انکار است و در هر مقطع و زمانی رنگ و لعاب خاصی می یافته است که شرح آن خارج از حوصله و مجال کنونی است. آنچنان که می دانیم در جاهلیت عرب «زنده به گور کردن دختران» راهی بود که خانواده را از شر وجود اولاد مؤنث نجات می داد. صرف نظر از دوره کوتاهی در صدر اسلام که به مدد تعالیم و سنت نبوی و اهل بیت ظاهرینش زن تا حدودی ارج و منزلت حقیقی خود را بازیافت؛ مجدداً همزمان با تجدید حیات و احیای نظامات پیشین که با رنگ و لعاب خلافت اسلامی آغاز گردید، جایگاه و منزلت زن نیز رجعتی دوباره یافت و به تدریج با گذشت زمان برداشتهای متحجرانه از اسلام، قیود و محدودیتهای فلج کننده ای را بر زنان تحمیل نمود تا آنجا که حتی تا همین چند دهه اخیر نیز نزد مقدسین سنتی و متحجر هم عصر ما، رگه هایی از این استحقاف و دون منزلتی زن به وضوح قابل مشاهده بود. در چنین شرایطی بود که استعمار و ایادی آن نیز که براساس سلطه طلبی خود در جستجوی راهها و شیوه های مناسب برای نفوذ فرهنگی و سیاسی در جامعه ما بودند، موقعیت زنان را بهانه قرار داده و با شعار آزادی و مساوات، فرهنگ

برهنگی و بی بندوباری را اشاعه دادند و در این راه حتی خشن ترین رویه های استبدادی را نیز در قالب کشف حجاب رضاخانی به کار گرفتند. این منش که در دوره فرزند خلف رضاخان، شکل تلطیف شده و زیرکانه تری به خود گرفت- در ادبیات شاهانه، تحت عنوان «فریبا» بودن زن از آن یاد شد. در منطق شاه، زن مدرن و زن آزاد از قیود مذهب، رسالتش فریبایی است و همه موانع موجود بر سر راه تحقق این رسالت، باید از سر راه برداشته شود. و بدین سان بود که نه تنها زنان بلکه نیم دیگر جامعه، یعنی مردان را نیز به بند افسون «فریبایی» کشاندند و خود شاهد بودیم که چگونه علاوه بر کاباره ها و رقص خانه ها، و مجالس و محافل رسمی و غیررسمی، معابر و میادین شهرها، پارکها، مراکز تفریحی، استخرها و سواحل دریا به صورت جلوه گاهی از این سیاست شاهانه، عملاً به عشرتکده هایی در خدمت ابتذال و فساد و تخدیر نسل جوان تبدیل گردید. زن فریبا، نسخه بدل و استعاری از تصویر زن در جامعه غربی است که متأسفانه در نسخه اصلی آن نیز کرامت و شخصیت واقعی زن در مسلخ فلسفه مادی غرب قربانی شده تا «اقتصاد و لذت» این دو معبود و مقصود انسان غربی را فراهم آورد * بدین سان در تمدن غرب نیز زن تا حد زیادی یا در خدمت تبلیغ و فروش کالا است یا در خدمت تبلیغ و فروش خود و در هر حال او متاعی است در خدمت نظام سلطه که به سفارش «حاکم» ایفای نقش می کند. با عنایت به ملاحظات فوق است که فروغ اندیشه و سترگی و عظمت عمل حضرت امام خمینی در احیای هویت اصیل زن مسلمان بهتر شناخته می شود. امام که خود از نزدیک برداشتهای متحجرانه از جایگاه زن به عنوان «ضعیفه» و عیال محبوس در اندرونی را شاهد بود و از سوی دگر با تیزی بی خاص خود، نقش زن فریبا و ملعبه شاه و استعمار را در ابتذال و فساد و از خودبیگانگی و خودباختگی جوامع مسلمان به خوبی احساس میکرد، با سود جستن از کوثر زلال معارف اسلام ناب محمدی و تعمق و تأمل مجتهدانه در میراث گرانبگر سنت نبوی و تعالیم ائمه معصومین- علیهم السلام- از موضع مرجع تقلید روشن ضمیر و مبارز به آنچنان درک درستی از نقش و مسئولیت زن دست یافت که تجلی و بروز آن را در احیای هویت زن مسلمان در انقلاب اسلامی شاهدیم. این تلقی از زن بود که علی رغم سالها کوشش و تلاش دستگاههای تبلیغاتی استعمار از یک سو و علی رغم حضور وجود سنتهای متحجری که در هیأت وفاداری به اسلام ظاهر شده بود، زنان را آنچنان به صحنه کشید که از سوی خیرگزاریه و ناظرین و تحلیلگران، «انقلاب ایران» بعضاً به «انقلاب چادرها»، لقب گرفت و زنان نه فقط در تظاهرات براندازی رژیم شاه که در همه مراحل تصویب و تأیید و تثبیت نظام جمهوری اسلامی آرایشان معتبر و کارساز شد و علی رغم عقب ماندگیهای ناشی از سیاستها و برداشتهای گذشته که مانع از رشد و شکوفایی درخور استعداد و قابلیت های زنان شده بود، با سرعتی پرشتاب به جبران گذشته پرداخته؛ در صراط منتهی به اخذ و اکتساب شأن و جایگاه مناسب، گامهای بسیار مؤثری را برداشتند. نماد ارزشمند و بسیار گویای نقش زن در جامعه اسلامی مورد نظر امام را در ترکیب هیأت اعزامی از جانب ایشان برای تسلیم پیام تاریخی به «گورباچف»، رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی سابق می توان ملاحظه کرد. حضرت امام به نحوی سمبلیک، در هیأتی مرکب از «روحانی، دانشگاهی و زن» «مرگ کمونیسم» را به جهانیان ابلاغ و اعلام نمودند و شاید بتوان ادعا کرد این ترکیب خود حامل پیامی به صحت و درستی پیش بینی معجزه آسای آن پیر فرزانه در فروپاشی بلوک شرق باشد و آن اینکه احیای اسلام و قدرت آینده جهان به دست با کفایت این سه قشر نهاده شده و در پرتو درک درست و انجام رسالت در خور آنان است که رضوان انقلاب جهانی اسلام، بر خرابه های کمونیسم و سرمایه داری، به شکوفه خواهد نشست. سیره عملی، فرمایشات و مواضع روشنگر و فتاوی راهگشای ایشان در این زمینه که ضمن وفاداری تام به اصول و محکمت دین در چارچوب حقوق مسلم شرعی بیان شده می تواند راهنمای عملی نسلی باشد که به جایگاه حقیقی زن می اندیشند. آنان که از محدودیتها و بی منزلتیهای سنتی که متأسفانه در بسیاری از کشورهای مدعی اسلام به نام شرع بر زن اعمال می شود بیزارند و در عین حال مواضع افراطی مدعیان حقوق زن که با ادعای موهوم تساوی حقوق، حتی تمایزات طبیعی و فطری را نیز انکار نموده، و عملاً در مسیر اضمحلال خانواده و کانونهای معنویت و اخلاق گام بر می دارند، روح حقیقت طلبشان را ناکام می گذارد. با رجوع به این مجموعه که فرا رویشان قرار گرفته، با

اندیشه مردی از سلاله زهرای مرضیه مواجه خواهند بود که در منظر وی، زن مربی انسان و مظهر تحقق آمال بشر است و از دامن وی مرد به معراج می رود. تا آنجا که می فرماید اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملتها گرفته شوند، ملتها به شکست و انحطاط کشیده می شوند. هموست که با روشن اندیشی خاص خود، بدون آنکه از سنت سلف و فقه مرسوم فاصله گرفته باشد، مشکل یا معضل حق زن در امر طلاق را که بویژه مورد تبلیغات سوء مغرضین نیز قرار داشت، از طریق حق «توکیل در طلاق» قابل رفع دانست. اینک مجموعه فرمایشات و پیامهای گرانقدر آن حضرت در این خصوص که با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (واحد امور فرهنگی خواهران) تنظیم شده است فرا روی طالبان قرار می گیرد. در مورد نحوه تنظیم این مجموعه لازم است اشاره شود که قطعات منتخب ذیل هر عنوان، بر اساس توالی زمان صدور آن تنظیم شده، به استثنای قطعاتی که از کتب تألیفی آن حضرت گرفته شده است که مأخذ کامل آنها ذیل هر یک از قطعات ذکر شده است، در مورد پیامها و سخنرانیها، فقط به ذکر تاریخ آن اکتفا شده ولی برای تسهیل مراجعه احتمالی محققین به صدر و ذیل مطالب، آدرس کامل مطالب مأخوذه نیز در پایان کتاب آورده شده است. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

فصل اول: زنان بزرگ عالم

حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیها السلام)

اشاره

افتخار عالم ولادت حضرت فاطمه (علیها السلام) و روز زن فر دا روز زن است. روز زنی است که عالم به او افتخار دارد؛ روز زنی است که دخترش در مقابل حکومتهای جبار ایستاد و آن خطبه را خواند و آن حرفها را زد که همه می دانید. (۱) ۲۶/۲/۵۸ افتخار خاندان وحی اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه (علیها السلام) زهرا- سلام الله علیهاست. زنی که افتخار خاندان وحی (است) و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می درخشد. (۲) ۱۵/۲/۵۹ نمونه انسان کامل روز بزرگی است، یک زن در دنیا آمد که مقابل همه ی مردان است. یک زن به دنیا آمد که نمونه انسان است. یک زن به دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه گر است. پس روز، روز بزرگی است؛ روز شما زنان است. (۳) ۲۷/۲/۵۸ والاترین روز روز ولادت سرتاسر سعادت صدیقه طاهره که والاترین روز برای انتخاب روز زن است، به ملت شریف ایران، خصوصاً زنان محترم تبریک و تهنیت عرض می کنم. این ولادت با سعادت در زمان و محیطی واقع شد که زن به عنوان یک انسان مطرح نبود و وجود او موجب سرافکندگی خاندانش در نزد اقوام مختلف جاهلیت به شمار می رفت. در چنین محیط فاسد و وحشتزایی، پیامبر بزرگ اسلام دست زن را گرفت و از منجلا ب عادات جاهلیت نجات بخشید. و تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به این مولود شریف است، تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست. پس این روز، روز حیات زن و روز پایه گذاری افتخار و نقش بزرگ او در جامعه است. (۴) ۴/۲/۶۰ عنصر تابناک و فضیلت انسانی مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایان بویژه زنان بزرگوار «روز مبارک زن»؛ روز شرافت عنصر تابناک که زیربنای فضیلتهای انسانی و ارزشهای والای خلیفه الله در جهان است. و مبارکتر و پر بهاتر انتخاب بسیار والای روز بیستم جمادی الثانی است، روز پر افتخار ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است. (۵) ۲۵/۱/۶۱

تولد حضرت زهرا (علیها السلام) افتخاری برای زنها

من عید سعید مولود معظم حضرت زهرا- سلام الله علیها- را به همه شما خانمها و زنهای تمام کشورهای اسلامی تبریک عرض می

کنم و از خداوند تعالی مسألت دارم که همه زنهای محترمه را در راهی که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است، همان راه را بروند و به مقاصد عالیة اسلامی برسند. برای زنها کمال افتخار است که روز تولد حضرت صدیقه را روز زن قرار داده اند، افتخار است و مسئولیت. (۶) ۱۱/۱۲/۶۴ مقامات معنوی حضرت زهرا (علیها السلام) اصولاً رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) - طبق روایاتی که داریم - قبل از این عالم، انواری بوده اند ۱ در ظل عرش؛ و در انعقاد نطفه و «طینت» از بقیه مردم امتیاز داشته اند، و مقاماتی دارند الی ماشاءالله. چنانکه در «روایات معراج» جبرئیل عرض می کند؛ لَوْ دَنَوْتُ اِنْمَلْتُهُ، لَاخْتَرْتُ. ۲ (هرگاه کمی نزدیکتر می شدم، سوخته بودم). یا این فرمایش که إِنَّ لَنَا مَعَ اللَّهِ حَالَاتٍ لَا يَسَعُهُ مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. ۳ (ما با خدا حالاتی داریم که نه فرشته مقرب آن را می تواند داشته باشد و نه پیامبر مرسل). این جزء اصول مذهب ماست که ائمه (ع) چنین مقاماتی دارند، قبل از آنکه موضوع حکومت در میان باشد. چنانکه به حسب روایات این مقامات معنوی برای حضرت زهرا - سلام الله علیها - هم هست. با اینکه آن حضرت نه حاکم است و نه قاضی و نه خلیفه. این مقامات سوای وظیفه حکومت است. لذا وقتی می گویم حضرت زهرا - سلام الله علیها - قاضی و خلیفه نیست، لازمه اش این نیست که مثل من و ----- ۱. بحار الانوار؛ ج ۲۵، ص ۱۰۱ - ۱۰۳. ۲. همان؛ ج ۱۸، ص ۳۸۲، تاریخ النبى، «باب اثبات المعراج»، ح ۸۵. ۳. علامه مجلسی، محمدباقر؛ الاربعین؛ ص ۱۷۷، شرح حدیث ۵. ۱. شماس؛ یا بر ما برتری معنوی ندارد. (۷) مصداق قرآنی لالت بر آنچه احتمال دادیم از حقیقت لیلۃ القدر می کند حدیث شریف طولانی که در تفسیر برهان از کافی شریف نقل فرموده و در آن حدیث است که نصرانی گفت به حضرت موسی بن جعفر که تفسیر باطن حم * و الکتاب المبین * إنا أنزلناه فی لیلته مبارکة إنا کنا منذرین * فیها یقرق کل امر حکیم ۱ چیست، فرمود؛ «أما حم» محمد - صلی الله علیه و آله - است. و اما «کتاب مبین» امیرالمؤمنین علی است. و اما «اللیلۃ» فاطمه - علیها السلام - است. ۲ (۸) فضیلت تسیحات صدیقه طاهره و از جمله تعقیبات شریفه، تسیحات صدیقه طاهره - سلام الله علیها - است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به آن معظمه تعلیم فرمود. و آن افضل تعقیبات ۳ است. در حدیث است که اگر چیزی افضل از آن بود، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آن را به فاطمه - علیها السلام - عطا می فرمود. (۹) ----- ۱. «حم»، سوگند به کتاب روشن، ما آن را در شبی مبارک فرستادیم، همانا ما بیم دهنده بوده ایم، در آن شب هر امر استوار (غیرقابل زیادت و نقصان) تفصیل و تبیین می شود؛ (دخان / ۱ - ۴). ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۶، «کتاب الحجّه»، «باب مولد النبى (ص)»، ح ۴. ۳. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۴۳ «کتاب الصلوة»، «باب التعقیب بعد الصلوة و الدعاء»، ح ۱۴.

شخصیت ملکوتی حضرت زهرا (علیها السلام)

یک انسان به تمام معنا تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه (علیها السلام) زهرا - سلام الله علیها - جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. پس، فردا ۱ روز زن است. تمام هویتهای کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد - تمام - در این زن است. و فردا همچو زنی متولد می شود؛ زنی که تمام خاصه های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود. پس، فردا روز زن است؛ تمام حیثیت زن و تمام شخصیت زن فردا موجود شد. معنویات، جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، جلوه های مملکی و ناسوتی - همه - در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان؛ زنی است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفی است؛ چنانچه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعی نازلترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب،

تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره این مسائل، این معانی حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه ای که دست همه از او کوتاه ----- ۱. ۲۷/۲/۵۸ مصادف با بیستم جمادی الثانی ۳۹۹ هـ.ق. است. پس، فردا تمام جلوه زن تحقق پیدا کرده است؛ و زن به تمام معنا متحقق است. فردا روز زن است. (۱۰) ۲۶/۲/۵۸ فضایل او همطراز فضایل نبی فاطمه (علیها السلام) زهرا - سلام الله علیهاست. زنی که افتخار خاندان وحی (است) و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می درخشد. زنی که فضایل او همطراز فضایل بی نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود. زنی که هر کسی با هر بینش درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده - که احادیثی که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده - و دریا را در کوزه ای نتوان گنجاند، و دیگران هر چه گفته اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او. پس اولی آنکه از این وادی شگفت در گذریم. (۱۱) ۱۵/۲/۵۹ نزول جبرئیل بر حضرت زهرا (علیها السلام) من راجع به حضرت صدیقه - سلام الله علیها - خودم را قاصر می دانم که ذکری بکنم، فقط اکتفا می کنم به یک روایت که در کافی ۱ شریفه است و با سند معتبر نقل شده است و آن روایت این است که حضرت صادق - سلام الله علیه - می فرماید؛ فاطمه (علیها السلام) - سلام الله علیها - بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند در این دنیا، بودند و حزن و شدت برایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می کرد و مسائلی از آینده نقل می کرد. ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز مراد او ای بوده است؛ یعنی، رفت و آمد جبرئیل زیاد ----- ۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۵. بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه اول از انبیای عظام درباره کسی این طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین رفت و آمد داشته است و مسائل را در آتیه ای که واقع می شده است، مسائل را ذکر کرده است و آنچه که به ذریه او می رسیده است در آتیه، ذکر کرده است و حضرت امیر هم آنها را نوشته است، کاتب وحی بوده است حضرت امیر، همان طوری که کاتب وحی رسول خدا بوده است - والبته آن وحی به معنای آوردن احکام، تمام شد به رفتن رسول اکرم - کاتب وحی حضرت صدیقه در این ۷۵ روز بوده است. مسأله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسأله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است، چه ما قائل بشویم به اینکه قضیه تنزیل، تنزل جبرئیل، به واسطه روح اعظم خود این ولی است یا پیغمبر است. او تنزیل می دهد او را و وارد می کند تا مرتبه پایین یا بگوئیم که خیر، حق تعالی او را مأمور می کند که برو و این مسائل را بگو. چه آن قسم بگوئیم که بعضی اهل نظر می گویند و چه این قسم بگوئیم که بعضی اهل ظاهر می گویند، تا تناسب ما بین روح این کسی که جبرئیل می آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است نباشد، امکان ندارد این معنا و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیای درجه اول بوده است مثل رسول خدا و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال آنها، بین همه کس نبوده است، بعد از این هم بین کسی دیگر نشده است. حتی درباره ائمه هم من ندیده ام که وارد شده باشد این طور که جبرئیل بر آنها نازل شده باشد، فقط این است که برای حضرت زهرا - سلام الله علیها - است که آنکه من دیده ام که جبرئیل به طور مکرر در این ۷۵ روز وارد می شده و مسائل آتیه ای که بر ذریه ی او می گذشته است، آن مسائل را می گفته است و حضرت امیر هم ثبت می کرده است. و شاید یکی از مسائلی که گفته است، راجع به مسائلی است که در عهد ذریه بلند پایه ی او حضرت صاحب - سلام الله علیه - است، برای او ذکر کرده است که مسائل ایران جزو آن مسائل باشد، ما نمی دانیم، ممکن است. در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده اند - با اینکه آنها هم فضایل بزرگی است - این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای غیر انبیا - علیهم السلام - آن هم نه همه انبیا، برای طبقه بالای انبیا - علیهم السلام - و بعضی از اولیایی که در رتبه آنها هست، برای کس دیگر حاصل نشده. و با این تعبیری که مراد داشته است جبرئیل در این هفتاد و چند روز، برای هیچ کس تاکنون واقع نشده و این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه - سلام

الله علیها- است. (۱۲) ۱۱/۱۲/۶۴ خیرات و برکات معنوی کوثر قلم و بیان من عاجز است که مقاومت عظیم و گسترده میلیونها مسلمان شیفته ی خدمت و ایثار و شهادت را در این کشور صاحب الزمان- ارواحنا فداه- ترسیم نماید، و از حماسه ها و رشادتها و خیرات و برکات فرزندان معنوی کوثر، حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها- سخن بگوید؛ که همه اینها از هنر اسلام و اهل بیت و از برکات پیروی امام عاشورا سرچشمه گرفته است. (۱۳) ۱۶/۱۱/۶۵ ما مفتخریم که ادعیه ی حیاتبخش که او را «قرآن صاعد» می خوانند از «صحیفه فاطمه (علیها السّلام)» کتاب الهام شده از جانب خدا ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه ی» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی - علیهما السلام- و «صحیفه سجاده» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است. (۱۴) ۱۵/۳/۶۸

خانه ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) و برکات آن

سادگی خانه ی فاطمه (علیها السّلام)) حضرت امیر - سلام الله علیه- که خلیفه مسلمین بود، خلیفه یک مملکتی که شاید ده مقابل مملکت ایران بود، از حجاز تا مصر، آفریقا، کذا (و) یک مقدر هم از اروپا، این خلیفه الهی وقتی توی جمعیت بود مثل همه ما که نشسته ایم با هم، این هم ۱ زیر پایش نبود، همین بود که یک پوست داشتند- به حسب نقل- یک پوست داشتند که شب خودش و حضرت فاطمه (علیها السّلام) رویش می خوابیدند، و روز روی همین پوست علفه ی شترش را می ریخت. پیغمبر هم همین شیوه را داشت. اسلام این است. (۱۵) ۱۳/۴/۵۸ عصاره ی وحی الهی مکتبی که می رفت با کجرویهای تفاله ی جاهلیت و برنامه های حساب شده احیای ملیگرایی و عربوت با شعار «لَا خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ» ۲ محو و نابود شود، و از حکومت عدل اسلامی یک رژیم شاهنشاهی بسازد و اسلام و وحی را به انزوا کشاند؛ که ناگهان ----- ۱. اشاره حضرت امام به زیرانداز ساده اقامتگاه خودشان در قم است. ۲. اشاره به بیتی از شعر منسوب به یزید بن معاویه که اساس وحی و نبوت را انکار می کرد. شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رُسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی، تربیت و در دامن صدیقه طاهره، بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید. (۱۶) ۲۶/۳/۵۹ خانه کوچک فاطمه (علیها السّلام) تجلی قدرت حق تعالی این خانه ی کوچک فاطمه (علیها السّلام)- سلام الله علیها- و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار- پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمتهایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است. (۱۷) ۱۸/۱۲/۶۰ حجره محقر فاطمه (علیها السّلام) پرورشگاه زبندگان زنی که در حجره ای کوچک و محقر، انسانهایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می درخشد. صلوات و سلام خداوند تعالی بر این حجره محقر که جلوه گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زبندگان اولاد آدم است. (۱۸) ۲۵/۱/۶۱ ما یک کوخ چهار- پنج نفری در صدر اسلام داشتیم، و آن کوخ فاطمه (علیها السّلام) ی زهرا- سلام الله علیها- است. از این کوخها ۱ هم محقرتر بوده لکن ----- ۱. اشاره حضرت امام به خانه و اتاق محقر محل سکونت خودشان است. برکات کوخ فاطمه (علیها السّلام) برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت و بسیار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد. این کوخ نشینان در کوخ محقر، در ناحیه معنویات آن قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتیها هم به آن نمی رسید؛ و در جنبه های تربیتی آن قدر بوده است که هرچه انسان می بیند برکات در بلاد مسلمین هست و خصوصاً در مثل بلاد ماها، اینها از برکت آنهاست. (۱۹) ۱/۱/۶۲ عظمت خانه فاطمه (علیها السّلام) روایتی که در تفسیر برهان از حضرت باقر نقل کند؛ و این روایت چون روایت شریفی است و به معارف چندی اشاره فرموده و از اسرار مهمه ای کشف فرموده، ما تیمّن عین آن حدیث را ذکر می کنیم: قال رحمه الله، و عن الشّیخ ابی جعفر الطوسی، عن رجاله، عن عبدالله بن

عجلان السیکونی، قال سمعتُ ابا جعفر - علیه السلام - يقول؛ بیئتُ علی و فاطمة حجرة رسول الله - صلی الله علیه و آله - و سقف بیتهم عرش رب العالمین. و فی قعر بیوتهم فرجة مکشوفة الی العرش معراج الوحی؛ و الملائكة تنزل علیهم بالوحی صباحاً و مساءً و کل ساعة و طرفه عین. و الملائكة لا یقطع فوجهم؛ فوج یزل، و فوج یصعد. و ان الله تبارک و تعالی کشف لبراهیم - علیه السلام - عن السموات حتی ابصر العرش؛ و زاد الله فی قوه ناظره. و ان الله زاد فی قوه ناظر محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین - علیهم السلام - و كانوا یبصرون العرش و لا یجدون لیبوتهم سقفاً غیر العرش؛ فیوتهم مسقفة بعرش الرحمن. و معارج الملائكة و الزوح فیها باذن ربهم من کل امرٍ سلام. قال، قلت: من کل امرٍ سلام؟ قال: بکل امرٍ. فقلت: هذا التنزیل؟ قال؛ نعم. ۱ (۲۰) -----

-- ۱. «صاحب تفسیر برهان رحمه الله گفته است از شیخ ابوجعفر طوسی - از رجال او - از عبدالله بن عجلان؟ سکونی روایت شده که گفت شنیدم امام باقر - علیه السلام - می فرماید: خانه علی و فاطمه (علیها السلام) حجره ی رسول الله - صلی الله علیه و آله - است و سقف خانه شان عرش رب العالمین، و در انتهای خانه هاشان شکافی است که از آن تا عرش، پرده از معراج وحی برداشته شده؛ و ملائکه صبح و شام و هر ساعتی و هر لحظه با وحی بر آنان نازل می شوند و رشته ی فوج ملائکه فرود آورده شده؛ و گروهی فرود می آیند و دسته ای بالا می روند. همانا خداوند تبارک و تعالی برای ابراهیم از آسمانها پرده برداشت تا آنکه عرش را دید و خدا به قوت دیده او افزود؛ و همانا خداوند بر قوت دیده محمد، علی، فاطمه (علیها السلام)، حسن و حسین - علیهم السلام - نیز بیفزود (چنانکه) عرش را مشامده می کردند و حزر عرش سرپوشی برای خانه هایشان نمی دیدند؛ خانه هاشان به عرش رحمان مسقف است و معراجهای ملائکه و روح در خانه های ایشان است، به اذن پروردگارشان من کل امرٍ سلام. راوی می گوید پرسیدم: من کل امرٍ سلام "؟ فرمود: بکل امر". عرض کردم: "این چنین نازل شده؟ فرمود: "آری" تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۷.

سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)

سر مشق گرفتن از خوی فاطمه (علیها السلام) ما باید سرمشق از این خاندان بگیریم: بانوان ما از بانوانشان و مردان ما از مردانشان، بلکه همه از همه آنها. آنها زندگی خودشان را وقف کردند از برای طرفداری مظلومین و احیای سنت الهی. ما باید تبعیت کنیم و زندگی خود را برای آنها قرار بدهیم. کسی که تاریخ اسلام را می داند، می داند که این خاندان هر یکی شان مثل یک انسان کامل، بلکه بالاتر، یک انسان الهی - روحانی، برای ملتها و مستضعفین قیام کردند در مقابل کسانی که می خواستند مستضعفین را از بین ببرند. (۲۱) ۲۲/۱/۵۸ الگو بودن حضرت زهرا (علیها السلام) الگو حضرت زهرا - سلام الله علیها - است. الگو پیغمبر اسلام است. ما وقتی مملکتیمان اسلامی است، وقتی می توانیم ادعا کنیم که جمهوری اسلامی داریم، که تمام این معانی که در اسلام است تحقق پیدا بکند. (۲۲) تبعیت از اولیا خطبه فاطمه (علیها السلام) زهرا - سلام الله علیها - در مقابل حکومت و قیام امیرالمؤمنین و صبر امیرالمؤمنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فداکاری در راه اسلام و فداکاری دو فرزند عزیزش، امام مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ و دولت جابر اموی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ برادر ارجمندش حضرت سیدالشهدا، چیزهایی بود که همه می دانید و می دانیم. و با اینکه عده کم و اسباب و ابزار جنگ پیش آنها کم بود، لکن روح الهی و روح ایمان آنها را آن طور کرد که بر همه ستمکاران عصر خودشان غلبه پیدا کردند و اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز الگو شدند که ما از کمی عده و کمی عُده و کمی ابزار جنگ! در مقابل تمام قدرتهایی که امروز با ما به جنگ برخاسته اند، مقاومت کنیم، و همان طوری که اولیای ما - علیهم السلام - نشان دادند که در مقابل ستمکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را باید به جای خودشان نشانند، ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را می پذیریم. (۲۳) ۱۸/۱۲/۶۰ یادگیری دستورات اسلام از او و فرزندان نش کوشش کنید در تهذیب اخلاق و در وادار کردن دوستانتان به تهذیب اخلاق. کوشش کنید که در مقابل آن جنایاتی که بر شما وارد شد عکس العمل نشان بدهید، در حفظ همه

حیثیاتی که حیثیت بزرگ زن است، آن طوری که زن فرید، حضرت زهرا- سلام الله علیها- بود. همه باید به او اقتدا کنید و کنیم و همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او و فرزندان او بگیریم، و همان طوری که او بوده است، باشید. و در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است. و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شمامست. (۲۴) ۲۲/۱۲/۶۳ اقتدا به حضرت زهرا(علیها السّلام) اگر شما زنها هم و زنهای ما هم همه، کشور ما همه، پذیرفتند که امروز روز زن است؛ یعنی روز تولد حضرت زهرا که آن کمال و آن وضعیت را دارد، پذیرفتید که روز زن است، به عهده شما مسائل بزرگی (خواهد آمد)؛ از قبیل مجاهده، که حضرت مجاهده داشته است، حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است، مخاطبه داشته است با حکومتهای وقت، محاکمه می کرده است حکومتهای وقت را، شما باید اقتدا به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است؟ یعنی، روز تولد این حضرت روز زن است. زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفاف که او داشته است و همه چیز، شما باید اگر پذیرا شدید، آنها را تبعیت کنید و اگر تبعیت نکردید، بدانید که شما داخل در روز زن نیستید، هر کس نپذیرفت، این در روز زن وارد نشده است و در این شرافت وارد نشده است. (۲۵) ۱۱/۱۲/۶۴ تأسف و تأثر نسبت به سهل انگاری با کمال تأسف و تأثر روز گذشته ۱ از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر -----

----- ۱. هشتم بهمن ماه سال ۱۳۶۷ هـ ش. و اخراج می گردد، و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از اینگونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه ها قوه قضاییه اقدام می نماید. (۲۶) ۹/۱۱/۶۷ خطبه حضرت زهرا (علیها السّلام) درباره ی امامت برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست نشانده را سرنگون کنیم؛ و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنانکه حضرت زهرا- سلام الله علیها- در خطبه خود می فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است. ۱ (۲۷) ----- ۱. ((طَاعَتُنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَ إِمَامَتُنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ))، شرح ابن ابی الحدید؛ ج ۱۶، ص ۲۱۱.

حضرت خدیجه(علیها السلام)

ایمان آوردن خدیجه به پیغمبر پیغمبر اکرم (ص) وقتی که به رسالت مبعوث شد، و شروع به تبلیغ کرد، یک طفل هشت ساله (حضرت امیر «ع») و یک زن چهل ساله (حضرت خدیجه) به او ایمان آوردند، جز این دو نفر کسی را نداشت. و همه می دانند که چقدر آن حضرت را اذیت کردند و کارشکنیها و مخالفتها نمودند. لیکن مایوس نشد، و نفرمود کسی ندارم. ایستادگی کرد؛ و با قدرت روحی و عزمی قوی از «هیچ» رسالت را به اینجا رسانید که امروز ۱ هفتصد میلیون جمعیت تحت لوای او هستند. (۲۸) خدیجه، اولین بانوی مسلمان رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- اول که مأمور شد، خودش- تنها- مأمور شد؛ قُمْ فَأَنْذِرْ؛ ۲ نهضت کن و مردم را دعوت کن. دعوت، ابتدائاً از خود حضرت شروع شد. آن روز که اعلام نبوت فرمود، یک زن و یک بچه به او ایمان آورد؛ لکن استقامت- که لازمه رهبری انبیای گرام است- به طور کامل در رسول اکرم بود؛ وَاللَّيْتَمُ كَمَا أَمَرَتْ؛ ۳ نهضت کن و استقامت کن. (۲۹) ۲۱/۲/۵۸ رنجهای همسر پیامبر ما همه می دانیم که گرانی امروز سرسام آور است، و یک دسته ای از آن رنج می برند. اما در مقابل آن رنج‌هایی که خود پیغمبر و همسر بزرگ عزیزش حضرت خدیجه در آن چند سال بردند، که مشک

را از قراری که نقل می کنند، مشک را میگذاشتند توی آب و می مکیدند برای اینکه، از آن چربی، مثلاً از آن چیزی که در مشک هست به آنها برسد. ----- ۱. سال ۱۳۴۸ هـ ش. ۲. مدثر/۲. ۴. اشاره به آیه ۱۱۲ سوره ی هود. وقتی که آنها برای اسلام اینطوری عمل کردند و اینطور مقاومت کردند در مقابل دشمنهای اسلام، شما هم که ملت و امت همان بزرگوار هستید نباید از اینکه فلاخن چیز کم است، آنی که کم است ارزاق که نیست ارزاق که کم نیست، آنی که کم است آن وضع آرایشی است که آنها می خواستند، یک دسته می خواستند باشد، آنها دیگر ان شاءالله نیست و باید از بین هم برود. (۳۰)

۱۴/۳/۶۲

حضرت زینب علیها السلام

ایستادگی در مقابل جباران فر دا روز زن است. روز زنی است که عالم به او افتخار دارد؛ روز زنی است که دخترش در مقابل حکومتهای جبار ایستاد و آن خطبه را خواند و آن حرفها را زد که همه می دانید؛ زنی که در مقابل یک اجباری ایستاد- که اگر مردها نفس می کشیدند همه را می کشتند- و نترسید و ایستاد و محکوم کرد حکومت را، یزید را محکوم کرد. به یزید فرمود تو قابل آدم نیستی، تو انسان نیستی. زن یک همچو مقامی باید داشته باشد. زنهای عصر ما بحمدالله شبیه به همانها هستند. ایستادند در مقابل جبار با مشت گره کرده؛ بچه ها در آغوششان، و به نهضت کمک کردند. (۳۱) ۲۶/۲/۵۸ ایستادگی در مقابل یزید سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه- کمک کرده است، خطبه های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور، نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب- سلام الله علیها- ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند، و صحبتهایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد- سلام الله علیه- رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده اند؛ سیدالشهدا را می خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم. (۳۲) ۲۵/۷/۶۱ مقاومت حضرت زینب(علیها السلام) در برابر مصایب کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده ی معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالمقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد. باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب- سلام الله علیها- در دنباله آن مصیبت بزرگی که تُصَغَّرُ عِنْدَهُ الْمَصَائِبُ، ایستاد و در مقابل کفر ----- ۱. مصیبت های دیگر در کنار آن کوچکنند. و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین- سلام الله علیه- با آن حال نقاهت، آنطوری که شایسته است تبلیغ کرد. (۳۳) ۲۵/۷/۶۱ بیان تعبیر: «ما جز زیبای چیزی ندیدیم» شما ملاحظه کنید که بهترین خلق الله در عصر خودش، حضرت سیدالشهدا- سلام الله علیه- و بهترین جوانان بنی هاشم و اصحاب او شهید شدند و از این دنیا رفتند با شهادت، لکن وقتی که در آن مجلس پلید یزید صحبت می شود، حضرت زینب- سلام الله علیها- قسم می خورد که ما رأینا الا جَمِیلاً؛ ۱ رفتن یک انسان کامل، شهادت یک انسان کامل در نظر اولیای خدا جمیل است، نه برای اینکه جنگ کرده و کشته شده، برای اینکه جنگ برای خدا بوده است، قیام برای خدا بوده است. (۳۴) ۲۱/۱۱/۶۵ زینب گونه بودن ما مکرر دیدیم که زنان بزرگوار زینب گو نه- علیها سلام الله- فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه

اسلام راستین پیامبر (ص) است همچون خود شیعیان، همیشه مورد حملات ناجوانمردانه مستبدین و استعمارگران بوده است. تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می دهد. ما پیشرفتهای دنیای غرب را می پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می کنند نه. (۴۱) ۲۴/۸/۵۷ قدرت دادن به زن در اسلام زنهای دستشان گرفته آورده در قبال مردها نگه داشته؛ در صورتی که در زمانی که پیغمبر اسلام آمد، زنهای را هیچ حساب می کردند. اسلام زنهای را قدرت داده است. (۴۲) ۲۰/۹/۵۷ مقام والای زن در اسلام ما می خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد نه ملعبه باشد؛ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست ارادل باشد. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. (۴۳) ۱۳/۱۲/۵۷ زن انسان ساز اگر زنهای انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد. (۴۴) ۱۳/۱۲/۵۷ احترام اسلام به زنهای اسلام به شما آنقدر احترام قائل است که برای مردها نیست. اسلام شما را می خواهد نجات بدهد؛ اسلام شما را می خواهد از این ملعبه ای که اینها می خواهند شما را ملعبه قرار بدهند نجات بدهد؛ اسلام می خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند. (۴۵) ۱۷/۱۲/۵۷ بیرون آوردن زن از مظلومیت اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله ای بود که زن را مثل حیوانسان- بلکه پایینتر از او (می شمردند). زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. (۴۶) ۲۶/۲/۵۸ زن، مبدأ سعادتها زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسانها پیدا می شوند. مرحله ی اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادتها از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه سعادتها باید باشد. (۴۷) ۲۶/۲/۵۸ مادر، مبدأ خیر مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواستہ مادری باشد که بچه را بد تربیت کند، مبدأ شرورند. (۴۸) ۲۶/۴/۵۸ زن، مظهر تحقق آمال بشر زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش ده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. (۴۹) ۲۷/۲/۵۸ انسان سازی، وظیفه زن زنهای مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زنهای نیز انسان ساز. وظیفه زنهای انسان سازی است. اگر زنهای انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهد خورد، منحط خواهند شد. (۵۰) ۱۳/۱۲/۵۷ مقام بلند پایه زن در اسلام مقام زن مقام والاست؛ عالیترتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند. (۵۱) ۱۳/۱۲/۵۷ اجتناب از فساد اسلام زن را مثل مرد در همه شئون- در همه شئون- همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد زن هم دخالت دارد. همان طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند. زنهای نباید ملعبه دست جوانهای هرزه بشوند. زنهای نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بَرک کرده بیرون بیایند و در انتظار مردم فاسد قرار بگیرند. زنهای باید انسان باشند. زنهای باید تقوا داشته باشند. زنهای مقام کرامت دارند. زنهای اختیار دارند؛ همان طوری که مردها اختیار دارند. خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. (۵۲) ۱۳/۱۲/۵۷ عنایت اسلام به زن اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد. اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند؛ اسلام آنها را سربلند و سرافراز کرد، اسلام آنها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. (۵۳) ۱۳/۱۲/۵۷ زن عضو مؤثر جامعه امروز به برکت نهضت اسلامی، زن عضو مؤثر جامعه تا حدودی مقام خود را یافته است. (۵۴) ۱۵/۲/۵۹

حقوق زن در اسلام

رجوع به فقیه جهت رفع گرفتاری طلاق در صورتی که شرط بشود در ضمن عقد با مرد، وقتی که می خواهند عقد کنند، شرط بکنند و در ضمن عقد این شرط بشود که وکیل باشد (زن) در طلاق خودش، یا مطلقاً، یا در شرایطی یک سؤالی پیش آورده است.

و آن اینکه این زنهایی که حالا تحت زوجیت هستند چه؟ این ولایت فقیه را اینها مخالفت می کنند، در صورتی که نمی دانند از شئون فقیه هست که چنانچه یک مردی با زن خودش رفتارش بد و ناسالم باشد، او را اولاً نصیحت کند، و ثانیاً تأدیب کند، و اگر دید نمی شود، اجرای طلاق کند. شما موافقت کنید با این ولایت فقیه. ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. من جمله همین معنایی که شما سؤال کردید و طرح کردید که خوب، زنهایی که الان شوهر دارند چنانچه گرفتاریهایی داشته باشند، چه باید بکنند؟ آنها رجوع می کنند به آنجایی که فقیه هست، به مجلسی که در آن فقیه هست، به دادگاهی که در آن فقیه هست؛ و فقیه رسیدگی می کند؛ چنانچه صحیح باشد، شوهر را تأدیب می کند؛ شوهر را وادار می کند به اینکه درست عمل کند. و چنانچه نکرد، طلاق می دهد، ولایت دارد برای این امر. اگر دیدید به فساد می کشد، یک زندگی به فساد کشیده می شود، طلاق می دهد. و طلاق اگر چه در دست مرد است، می تواند لکن فقیه در جایی که مصلحت اسلام را دید، مصلحت مسلمین را دید، و در جایی که دید نمی شود به غیر از این، طلاق بدهد. این ولایت فقیه هست، ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است. (۵۵) ۹/۸/۵۸ هیچ فرقی بین زن و مرد در اسلام نیست اسلام زنها را در مقابل مردها قرار داده؛ نسبت با آنها تساوی دارند. البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است؛ یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. (۵۶) ۲۰/۹/۵۷ تساوی حقوق زن و مرد در نظام اسلامی سؤال: (زنان توده ی عظیمی از مسلمانان را تشکیل می دهند، چه نقشی، چه حقی شما برای زن در نظامی اسلامی قائل هستید؟) جواب: هم اکنون زنان مسلمان ایران، در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند. به من اطلاع داده اند که در شهرهای ایران زنان جلسات سیاسی دارند. در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. لکن در مرد هم مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می آفریند حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد، حیثیت انسانی شان محفوظ باشد. اسلام خواسته است که زن ملعبه ی دست مرد نباشد. اینکه در خارج منعکس کرده اند که در اسلام با زنها، با خشونت رفتار می شود، امر غیر صحیحی است و تبلیغات باطلی است که از مغرضین حاصل شده و الا مرد و زن هر دویشان در اسلام اختیارات دارند. اگر اختلافاتی هست برای هر دو هست و آن مربوط به طبیعت آنان است. (۵۷) ۱۶/۹/۵۷ ملاحظه حقوق زن در اسلام همان طوری که حقوق مردها در اسلام مطرح است، حقوق زنها (هم مطرح است). اسلام به زنها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها. اسلام زنها را بیشتر حقوقشان را ملاحظه کرده است تا مردها. این هم (آن) معنا که بعد از این چه خواهد شد: زنها حق رأی دارند- از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها ما قائل هستیم- حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند. همه اینها هست. تمام معاملاتشان به اختیار خودشان است، و آزاد هستند. اختیار شغل را آزاد هستند. البته در شرق برای مردها یک محدودیتهایی هست که آن محدودیتهای به صلاح خود مردها هست و آن محدودیتهای، یعنی در آنجایی که مفسده هست برای مرد، از قماربازی جلوگیری می کند اسلام، از شرابخواری جلوگیری می کند اسلام، از هروئین جلوگیری می کند اسلام، برای اینکه مفسده دارند. برای همه یک محدودیتهایی هست، و محدودیتهای شرعی و الهی. محدودیتهایی است که به صلاح خود جامعه است؛ نه این است که برای جامعه یک چیزی مثلاً نافع بوده است که محدودیت برایش ایجاد کرده اند. (۵۸) ۹/۱/۵۸ ملاحظه حقوق همه اقشار در قانون در قانون هم همه اقشار حقوقشان ملاحظه شده است و اقلیتهای مذهبی، نسوان، دیگر اقشار- همه- حقوقشان ملاحظه شده است و هیچ فرقی مابین گروه و گروهی در اسلام نیست؛ فقط به تقوا و به اتقائه عن الله تعالی فرق است. (۵۹) ۱۲/۱/۵۸ حقوق ویژه اسلام برای زنها برای آنکه اسلام برای زنها حقوق ویژه ای قائل است، و سیاهپوستان، که عمری را تحت فشار و ظلم امریکا به سر برده اند، و شاید به طور الزام به ایران آمده باشند، نسبت به آنان، در صورتی که جاسوسی آنها ثابت نشده باشد، تخفیف دهید. دانشجویان عزیز، ۱ سیاهپوستان و زنانی که جاسوسی آنان معلوم

نیست، به وزارت امور خارجه تحویل دهید، که فوراً آنها را از ایران خارج نمایند. ملت شریف ایران اجازه ی آزادی بقیه را نمی دهد. لذا دیگران در بازداشت هستند، تا دولت امریکا به خواست ملت عمل کند. (۶۰) ۲۶/۸/۵۸ قوانین اسلام به صلاح زنان زنهایی که می خواهند ازدواج کنند، از همان اول می توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان. می تواند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بدخلقی کرد با زن، و کیل باشند در طلاق، اسلام برای آنها حق قرار داده است. اسلام اگر محدودیتی برای مردان و زنان قایل شده است همه به صلاح خودتان بوده است. تمام قوانین اسلام، چه آنهایی که توسعه می دهد چه آنهایی که تحدید می کند، همه بر صلاح خود شماست، برای خود شماست. همان طوری که حق طلاق را با مرد قرار داده است، حق این را قرار داده است که شما در وقت ازدواج شرط کنید با او که اگر چه کردی یا چه کردی، من و کیل باشم در طلاق. و اگر این شرط را کرد دیگر نمی تواند او را معزول کند. اگر این... شرط در ضمن عقد واقع شد نمی تواند او را دیگر محدود کند، نمی تواند اخلاق بد انجام بدهد. و -----

۱. دانشجویان پیرو خط امام که سفارت امریکا را در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر کردند اگر مردی با زن خودش بد رفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می کنند؛ اگر قبول نکرد تعزیر می کنند، حد می زنند؛ و (باز) اگر قبول کرد مجتهد طلاق می دهد. (۶۱) ۱۳/۱۲/۵۷ قوانین اسلام برای صلاح جامعه خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زنها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. (۶۲) عدم تفاوت حقوق انسانی بین زن و مرد سؤال: (مشخصاً حقوق زنان در جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ تکلیف مدارس مختلط چه می شود؟ مسأله تنظیم توالد و تناسل و سقط جنین چگونه خواهد شد؟) جواب: از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله در بعضی از موارد تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. مسائلی که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد آزاد است. سقط جنین از نظر اسلام حرام است. (۶۳) ۲۱/۸/۵۷ سؤال: (مسأله اختیار طلاق به دست مرد، موجب ناراحتی و تشویش خاطر گروهی از زنان مبارز ایران شده است؛ و گمان می کنند که دیگر به هیچ وجه حق طلاق ندارند. و از این موضوع افرادی سوءاستفاده کرده و می کنند. نظر حضرتعالی راجع به این مسأله چیست؟) بسم الله الرحمن الرحیم راه سهل طلاق در اسلام جواب: برای زنان، شارع مقدس راه سهلی معین فرموده که خودشان زمام طلاق را به دست بگیرند، به این معنا که در ضمن عقد نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق، یا بطور مطلق یا به طور مشروط، یعنی اگر مرد بد رفتاری کرد یا مثلاً زن گرفت، زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد، در این صورت هیچ اشکالی برای خانمها پیش نمی آید، و می توانند خود را طلاق دهند. از خداوند تعالی توفیق بانوان را خواستارم. امید است تحت تأثیر مخالفین اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوند، که اسلام برای همه است و برای همه نافع است. (۶۴) ۷/۸/۵۸ استقلال زن در تقلید سؤال: (بفرمایید زن شوهردار چگونه باید تقلید کند و می تواند مجتهد دیگری داشته باشد و اگر می تواند منافاتی با لزوم اطاعت زن از شوهر دارد یا نه؟) جواب: زن در تقلید مستقل است ولی در امور زناشویی باید از شوهر اطاعت کند و بدون اجازه شوهر نمی تواند از منزل خارج شود. (۶۵) سؤال: (در زمان طاغوت دادگاههای به اصطلاح حمایت از خانواده جایز نبودن اجاره مهریه هنگام طلاق علاوه بر اصل مهریه به خاطر گذشت زمان، پولی را به عنوان اجاره مهریه جبراً از داماد می گرفتند اگر مهریه ای عین پول باشد و شرعاً نیز وقت وصول مهریه معین نشده باشد آیا جایز است که اجاره مهریه بر اصل مهریه افزوده گردد؟) جواب: پول اجاره ندارد و گرفتن زیادی حرام است. (۶۶) جایز بودن حق وکیل در طلاق سؤال: (در صورتی که ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر، زوج، زوجه خود را وکیل در طلاق کند این وکالت قابل عزل می باشد یا خیر؟) جواب: اگر به نحو شرط نتیجه ۱ شرط شده که زن وکیل باشد، این وکالت قابل عزل نیست. (۶۷) -----

۱. یعنی زن در حین اجرای صیغه عقد بگوید. صت خودم را به شرط این که وکیل بلاعزل در طلاق باشم به زوجیت تو درمی آورم

و مرد هم قبول کند، چنین شرطی لازم است و اگر مرد قبول کرد و کالت زوجه در طلاق قابل فسخ نیست.

نقش زنان در بنای جامعه اسلامی

مشارکت فعال زنان در جامعه سؤال: (بازگشت به قوانین قرآن برای زنان، مردم عامی، و در مورد تفریحات الکل، فیلم و غیره- به چه معنی است؟) جواب: در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند. و در مورد آنچه را که به نام تفریحات شناخته شده است، اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن می کشاند، مبارزه می کند. شرابخواری و میگساری در اسلام ممنوع است. فیلمهای منحرف کننده از اخلاق متعالی انسانی، ممنوع است. (۶۸)

۱۸/۸/۵۷ نقش حساس زن در بنای جامعه اسلامی سؤال: (از نظر اسلامی، زنان تا چه حد مجازند در ساختمان بنای حکومت اسلامی شرکت نمایند؟) جواب: زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی را به عهده بگیرد. (۶۹) ۱۹/۸/۵۷ مشارکت زنان در ساختن جامعه زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فر دا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. (۷۰) ۳/۱۱/۵۷ حق دخالت زن در مقدرات اساسی مملکت زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند... شما همان طوری که تاکنون در نهضتها دخالت داشتید و سهم بودید در این نهضت و سهم بودید در این پیروزی، حالا هم باز باید سهم باشید؛ و هر وقت اقتضا بکند نهضت کنید، قیام کنید. مملکت از خود شماست ان شاءالله... شما باید بسازید مملکت را. (۷۱) ۱۳/۱۲/۵۷ رفع آشفتگی، تکلیف همه این آشفتگیها باید به دست ما و شما، به دست ملت و دولت، تنها هیچ کدام نمی توانند این کارها را درست بکنند. اگر خانمها خیال کردند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند و یا مردها خیال بکنند کنار بروند و خانمها این کار را انجام بدهند، یا هر دو خیال بکنند دولت انجام بدهد، و یا هر سه خیال کنند روحانیت انجام بدهد، این خیال، خیال صحیحی نیست برای اینکه کارها این قدر آشفته است، گرفتاریها این قدر زیاد است که هر شخصی در هر محلی هست، تکلیفی که دارد این است که آنجا را خوب بسازد. (۷۲) ۲۲/۶/۵۸ حق دخالت خانمها در سیاست خانمها حق دارند در سیاست دخالت بکنند؛ تکلیفشان است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادت. (۷۳) ۲۶/۶/۵۸ نصیحت خانمها درود بر شما بانوان معظم که با نصیحتهای خودتان می خواهید ما را به راه راست وادارید. (۷۴) ۲۵/۱۲/۵۹ عبرت کشورهای اسلامی از زنان ایران امید آن است که جامعه زنان، از غفلت و خواب مصنوعی که از جانب چیاولگران بر آنان تحمیل شده است، برخیزند و همگان دوش به دوش هم به داد بازی خوردگان برسند. و زن را به مقام والای خود، هدایت کنند. و امید است که زنان سایر کشورهای اسلامی، از تحول معجزه آسایی که برای زنان ایران در اثر انقلاب بزرگ اسلامی حاصل شد، عبرت گرفته و بکوشند تا جامعه خود را اصلاح نمایند و کشورهای خود را به آزادی و استقلال برسانند. (۷۵) ۴/۲/۶۰ ویژگی خاص نقش زنان در عالم نقش زنان در عالم از ویژگیهای خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن، یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند و می تواند بعکس آن باشد. (۷۶) ۲۵/۱/۶۱

فعالیتهای زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی

رأی زنان به جمهوری اسلامی همه شما باید رأی بدهید؛ رأی «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد. شما هم باید رأی بدهید؛ شما هم فرقی با سایرین ندارید بلکه شما مقدمید بر مردها. (۷۷) ۱۷/۱۲/۵۷ شرکت در رفا ندوم آنچه لازم است تذکر دهم شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در رفراندم است. زنانی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته اند، توجه داشته باشند که با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هر چه بیشتر تضمین کنند. شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است. (۷۸) ۹/۱/۵۸ حق رأی زنان زنها حق رأی دارند- از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها ما قائل هستیم- حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند. (۷۹) ۵۸/۱/۹ حق رأی در انتخابات مجلس من از خدای بزرگ سلامت و سعادت شما را خواهانم و امیدوارم که دوشادوش مردان در قضیه مجلس مؤسسان و مجلس شورای ملی رأی بدهید تا اینکه جمهوری اسلامی و قانون جمهوری اسلامی و مجلس شورای جمهوری اسلامی تأسیس و ما به آنچه که خواهان آن هستیم برسیم. (۸۰) ۲۱/۱/۵۸ شغل صحیح برای زن البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد؛ لکن نه آنطوری که آنها می خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها هم، زنها را و مردها را، از آن مقامی که دارند منحنط کنند، نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود؛ یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد. (۸۱) ۲۶/۲/۵۸ ورود بانوان به مسائل سیاسی این از برکات نهضت است که شما بانوان ساحلی را و سایر بانوان محترم ایران را در مسائل روز، در مسائل سیاسی، وارد کرده است. دستهای جنایتکار، که مظهرش دست محمدرضا و پدر او بود، همه قشرهای ملت را از امور اجتماعی و سیاسی کنار گذاشته بود. مسائل سیاسی در پیش بانوان اصلاً مطرح نبود. و پیش برادرها هم مطرح نبود. یا اگر بعضی مطرح می کردند، روی همان جریان سیاست چپاولگری بود. اگر بعض قشرهای به اصطلاح «سیاسی» هم در آن وقت در مسائل سیاسی وارد می شده اند، آن سیاستهای دیکته کرده از غرب برای چپاول کردن شرق بود. (۸۲) ۱۲/۴/۵۸ ----- ۱. رژیم پهلوی دخالت در سرنوشت خود امروز است که همه قشرها در مسائل خودشان، در مسائل کشورشان، در مسائل سیاسی دولت، دخالت می کنند. امروز است که تمام ملت، چه بانوان محترم و چه برادران، در سرنوشت خودشان دخالت می کنند. (۸۳) ارزش عمل بانوان زنهای محترمه و خانمهای عزیز، که باید در جاهای چه باشند، همینها در این روستاها رفته اند و دارند درو می کنند؛ چه می کنند. البته دروگر نیستند به آن معنایی که رعیت دروگر (است)؛ اما یک عمل کوچک اینها همچو قدرت می دهد به این دروگرها که اگر یک جریب زمین را آن وقت درو می کردند، حالا دو جریب زمین درو می کنند. وقتی دروگر آمد دید که این خانمهایی که باید زیر سایه بنشینند آمدند توی آفتاب و گرفتند دارند جو را درو می کنند و جمع می کنند، و اینها قدرتی در نفس آنها پیدا می شود. یک ارزشی دارد عمل اینها که قدرت به آنها می دهد، و آنها کارشان چند برابر می شود. (۸۴) ۳۰/۴/۵۸ انجام وظیفه خانمها ما همه رأی به جمهوری اسلامی دادیم شما هم دادید رأی؛ رأی تنها کافی نیست، رأی همین قدر است که رسماً الآن مملکت ایران رژیمش جمهوری اسلامی است. لکن وقتی به حسب واقع جمهوری اسلامی می شود که شما خانمها به وظیفه تان عمل کنید. و این آقایان هم به وظیفه شان و همه ی ما خودمان را وظیفه دار و مکلف بدانیم. (۸۵) ۲۲/۶/۵۸ ساختن مملکت مهم این است که ما هر کدام وظیفه برای خودمان بدانیم، یعنی من که یک طلبه هستم اینجا برای خودم وظیفه بدانم که آنقدری که می توانم خدمت بکنم؛ شما خواهرها هم که در محال خودتان هستید وظیفه بدانید که یک مملکتی را که آشفته است و خراب کردند و از بین بردند؛ خودتان با همتتان این مملکت را بسازید و تربیت کنید. (۸۶) ۲۹/۶/۵۸ داخل شدن در مسایل روز خواهرهایی که تا کنون داخل در مسائل روز نبودند داخل بشوند. (۸۷) ۲۹/۶/۵۸ داشتن حق رأی در جمهوری اسلامی زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زنها در جمهوری اسلام رأی باید بدهند. همان طوری که مردان حق رأی دارند زنها حق رأی دارند. (۸۸) ۱۳/۱۲/۵۷ تلاش در سازندگی کشور امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند. (۸۹) ۱۵/۲/۵۹ رعایت

احکام اسلام من باز برمی گردم سراغ شما خواهران و عزیزان، که توجه داشته باشید در این محیطی که هستید رعایت احکام اسلام را بکنید. مملکت اسلامی است. جمهوری اسلامی است. باید در همه شئون تحول حاصل بشود. (۹۰) ۲۳/۲/۵۹ لیبیک برای خدا این بانوان را کی بسیج کرده که در همه شئون کشور دخالت می کنند و دخالت بجایی هم می کنند؟ اینها را کسی (دعوت نکرده) ، اینها را خدا دعوت کرده است. اینها لیبیک برای خدا دارند می گویند. (۹۱) ۱۹/۴/۵۹ عمل به وظایف دینی امروز باید خانمها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند. (۹۲) ۱۹/۶/۵۹ تعلیم و تعلم صحیح من امیدوارم که ان شاءالله این نهضت به پیروزی منتهی باشد و شما ان شاءالله همه تان موفق باشید و مؤید و مجالس خود را باز هر چه شکوهمندتر در همه جا توسعه بدهید که زنها بیدار بشوند و آن مسائل سابق (نباشد)، آن ملعبه هایی که بود و آن آرایشهایی که بود، آن مسائلی که شما می دانید چقدر به اقتصاد ما صدمه وارد میکرد و چقدر به عفت عمومی ضرر می رساند. زنها امروز باید همان طوری که مردها- یعنی مردهای درست، نه مردهایی که... دیدند- در مسائل واردند، آنها در مسائل وارد باشند و تعلیم و تعلم صحیح داشته باشند و دخالت صحیح در امور بکنند و ان شاءالله موفق و مؤید باشند. (۹۳) ۱۹/۶/۵۹ اظهار نظر در مسائل اجتماعی و سیاسی باید همه زنها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. (۹۴) ۱۹/۶/۵۹ ارشاد ملت یک کار بسیار بزرگی که ارشاد یک ملت است، و بیشتر ارشاد نصف یک ملت است که بانوان باشند، این کار مشکلات زیاد دارد. تصمیم به این کار، خودش یک کار مهمی است شما تصمیم بعد گرفتید، بعد از تصمیم، هیچ به خودتان تزلزل و سستی راه ندهید. (۹۵) ۱۸/۱۱/۵۹ انجام عمل اسلامی- انسانی شما بانوان هم که مشغول یک عمل اسلامی- انسانی ۲ شدید، جازم باشید به اینکه چون برای خدا دارید این کار را ادامه می دهید موفق خواهید شد. (۹۶) ۱۸/۱۱/۵۹ -----

----- ۱ و ۲ اشاره به انتشار مجله اطلاعات بانوان پیش بردن پیروزی با اسلحه ایمان و تعهد امروز ما می بینیم که بانوان محترم ایران در سرتاسر کشور یک عضو مفید و یک جمعیت متعهد معتقد هستند که به کشور خودشان خدمت می کنند و پشتوانه هستند از برای این کشور و من امیدوارم که تمام جهات اسلامی را در نظر بگیرند و با اسلحه ایمان و تعهد به اسلام، این پیروزی را به پیش ببرند و پشتوانه این انقلاب باشند. (۹۷) ۲/۳/۶۰ حضور در پای صندوقهای رأی به زن و مرد و آن کسی که به حد رأی دادن قانونی رسیده واجب است این مسأله که در پای صندوقهای تعیین رئیس جمهور حاضر بشوند و رأی بدهند. چنانچه سستی بکنید، کسانی که می خواهند این کشور را به باد فنا بدهند، ممکن است پیروز بشوند. باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان طور که باید نماز بخواند، همان طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند. (۹۸) ۱۱/۴/۶۰ شرکت در انتخابات به زن و مرد سفارش می کنم که هر کس به حد قانونی رسیده است، در این مجلس، در این انتخاب شرکت کند و افرادی که پیشنهاد می شود و انتخاب شده است؛ یعنی، پیشنهاد شده است، هر یک را که خواستند، به او رأی بدهند، لکن شرکت کنند. (۹۹) ۶/۹/۶۱

فعالیت اسلامی بانوان در هر جا ایران که انسان نگاه می کند، بانوان آنجا مشغول فعالیت اسلامی، دینی و حتی فعالیت سیاسی هستند، با حفظ عفافشان، با حفظ شرفشان. آنها ۱ در طول این مدت که رها بودند در بین مردم، جز فساد ایجاد نکردند. و این بانوان در این مدت کم، آن قدر فعالیت کردند که شما نمونه اش را در قم ملاحظه می کنید، و از این نمونه در شهرهای دیگری هم هست. (۱۰۰) ۲۲/۱۲/۶۱ خدمت شایسته آنهایی که کارشکنی ۲ می کنند اگر مسلمان هستند، این خدمت بزرگی که این خانمها و این بانوان دارند می کنند و پیش خدا خدمت شایسته است، از معاصی کبیره است که کارشکنی در این موضوع بکنند. و اگر چنانچه آنها هستند که پایبند به اسلام نیستند و می خواهند هرزگی بکنند، فصل هرزگی گذشت. دیگر به شما اجازه نمی دهند بانوان ایران که کارهایی که سابق می کردید این کارها را اعاده بدهید. و من باید از همه شماها تشکر کنم. و البته شماها بحمدالله مشغول فعالیت دینی هستید و بینش سیاسی هم در بین شماها هست و در بین بانوان ایران، هم بینش دینی هست و هم بینش سیاسی،

و از آن چیزی که شما را باز می داشت از اینکه فعالیت سیاسی و دینی بکنید آن موانع مرتفع شد. و امیدوارم بزودی شما به یک پایه ای برسید که هر کدامتان بتوانید عده ای را تربیت کنید. (۱۰۱) ۲۲/۱۲/۶۱ ----- ۱. زنان فاسد دوران طاغوت. ۲. اشاره به کسانی که به بهانه های مختلف با فعالیتهای اجتماعی زنان مخالفت می کردند. نقش بسیار فعال خانمها در انتخابات شما باید در همه صحنه ها و میدانها آن قدری که اسلام اجازه داده وارد باشید. مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است در ایران، خانمها همان طوری که مردها فعالیت می کنند برای انتخابات، خانمها هم باید فعالیت بکنند برای اینکه فرقی ما بین شما و دیگران در سرنوشتتان نیست. سرنوشت ایران، سرنوشت همه است. یعنی آن قدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آن قدر خدمت نکرد. اسلام، شما را حفظ کرد و شما متقابلاً اسلام را حفظ بکنید. حفظ اسلام به این است که این انتخابات که می خواهد مجلس دوم را متحقق کند، بدانید که انتخابات از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش مهم دارد، و بالاترین نقش است، و این انتخابات است که همه امور کشور را چه در داخل و چه در خارج باید بگذراند. و لهذا باید شما خانمها یک نقش بسیار فعال داشته باشید که خدای نخواست، مجلس یک مجلسی نشود که به واسطه ورود بعض عناصر غیر صالح بتدریج کشانده بشود به ظرف شرق یا به غرب، و همان بشود که در زمان سابق بود و همان بگذرد بر ما و شما که در زمان سابق می گذشت. (۱۰۲) ۱۹/۱/۶۳ حضور در فعالیتهای اجتماعی همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است، که بحمدالله امروز در ایران جاری است. (۱۰۳) ۱۹/۱/۶۳ حضور در صحنه های فرهنگی و اقتصادی ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. (۱۰۴) ۱۵/۳/۶۸

تعلیم و تعلم زنان

امکان رسیدن به رتبه اجتهاد سؤال: (آیا زن می تواند به مقام اجتهاد برسد یا خیر؟ لطفاً توضیح دهید. ۱. جواب: امکان رسیدن به رتبه اجتهاد برای زن هم هست ولی نمی تواند مرجع تقلید برای دیگران باشد. (۱۰۵) نمونه بودن در علم و عمل زن و مرد قم نمونه اند در علم و در عمل. زن و مرد ایران نمونه اند در علم و در عمل. (۱۰۶) ۲۷/۲/۵۸ تبلیغات صحیح اگر شما در محلی هستید که در آنجا مثلاً باید تعلیم و تربیت خانم کوچولوها را بکنید، باید خوب تربیت کنید. اگر در جایی هستید که در آنجا تبلیغ باید بکنید، باید تبلیغاتتان، تبلیغات صحیح باشد و هر قشری در هر جا هست، باید همان پستی را که دارد خوب عمل بکنند. (۱۰۷) ۲۲/۶/۵۸ وظیفه ی آموزشی یکی از آثار بزرگ این نهضت این تحولی است که حاصل شده است برای همه تان، برای خانمها، برای برادرها، برای خواهرها، حاصل شده است. و آن احساس و وظیفه است که ما همه وظیفه داریم، در مملکتان وظیفه آموزش داریم؛ آموزش چیزهایی که به دردشان می خورد در دین و در دنیا. (۱۰۸) ۲۶/۶/۵۸ برپایی نهضت سوادآموزی لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند، و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانشان بپاخیزد و از فرط اسبابازی و تشریفات اداری پرهیزد. برادران و خواهران ایمانی، برای رفع این نقیصه ی درد آور بسیج شوید و ریشه ی این نقص را از بُن بر کنید. تعلیم و تعلم، عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند، و در منازل شخصی، اعضای بیسواد را تعلیم کنند و بیسوادان از این امر سربچی نکنند. (۱۰۹) ۷/۱۰/۵۸ تشکیل جمعیتهای فرهنگی و علمی زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنانکه به ساختن خود

در علم و فرهنگ پرداخته اند. و شما شهر و روستایی را نمی یابید جز آنکه در آنها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زندهای متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است. (۱۱۰) ۱۵/۲/۵۹ دعوت به راه راست من امیدوارم که معلّمین در هر جا هستند، خواهران و برادران معلّم، خواهران و برادران دانشجو، خواهران و برادران عالم، خودشان را دانشجو بدانند و معلّم. معلّم آنها را به راه راست هدایت انبیا دعوت کند و آنها هم به راه راست هدایت انبیا سفر کنند. (۱۱۱) ۹/۶/۵۹ حق تحصیل پیرمرد و پیرزن هم می توانند آموزش ببینند، می توانند تحصیل کنند، مایوس از خودشان نباشند. (۱۱۲) ۶/۱۰/۵۹ تهذیب اسلامی من امیدوارم که خواهران و برادرانی که در مدرسه عالی شهید مطهری - رحمه الله - هستند و مشغول تحصیل و تبلیغ هستند توجه داشته باشند که مدرسه به اسم شهیدی است که برای اسلام مفید بود و نوشته های او و گفتار او مریب جوانان ما هست، و باید باشد. شما خواهرها و برادرها که در این مدرسه هستید برنامه تان را آنطور تنظیم کنید که از بین شما مطهری ها، یا یک مطهری، پیدا بشود. عزمتان جزم این معنا باشد، و توجهتان به خدا و اعمالتان خالص برای خدای تبارک و تعالی. جدیت کنید که در آن مدرسه که هستید تحصیل کنید. و بالاتر از تحصیل، تهذیب اخلاق (است). اسلامی باشید و علوم اسلامی را با نفوس اسلامی تکمیل کنید. در کنار تحصیل جدی در احکام اسلام و معارف اسلامی، تهذیب اسلامی داشته باشید. (۱۱۳) ۱۰/۱۲/۵۹ آموزش فرهنگ غنی قرآن درود بی پایان بر زنان متعهدی که اکنون در سراسر کشور، به تربیت نوباوگان و تعلیم بیسوادان و تدریس علوم انسانی و آموزش فرهنگ غنی قرآنی اشتغال دارند. (۱۱۴) ۴/۲/۶۰ حضور در عرصه های جامعه زنها که بکلی خارج بودند از همه چیز جامعه، هرگز حتی نمی توانستند راه پیدا بکنند، بحمدالله در این سالهای اخیر، آنها هم وارد شدند و به طور شایسته با حفظ موازین شرعی وارد شدند و خودشان کلاسهای دارند و - عرض کنم - تبلیغات دارند. (۱۱۵) ۲۲/۱۰/۶۰ فعالیت در عرصه تعلیم و تربیت بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود رها شد. امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند. بانوان مشغول هستند. الان بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جای دیگر هستند، و خودشان در هر جا هستند مشغول تربیت و تعلیم هستند، و این یک امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد. آن وقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودند که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشوند و مسأله علمی بگویند یا مسأله عقیدتی بگویند. امروز اینها می توانند با همه حفظ جهات اسلام در همه جای کشور تبلیغات بکنند، بلکه در خارج از کشور هم. ما بسیار عقب افتاده بودیم در این امور، و امروز باید تلافی کنیم، باید نقیصه ها را رفع بکنیم. (۱۱۶) ۱۵/۶/۶۲ آرزوی موفقیّت بانوان من از خدای تبارک و تعالی، توفیق شما بانوان و خواهران را می خواهم که هم در علم کوشا باشید، و هم در عمل و هم در تهذیب اخلاق. همان طوری که علم تنها فایده ندارد، و تهذیب تنها کورکورانه فایده ندارد. علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می رساند. و من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که شما بانوان را موفق کند و سایر خواهران که در سطح ایران هستند، و همین طور برادران را موفق کند؟ که این دو جناح را که جناح علم و عمل باشد، توأم با اخلاق اسلامی به پیش ببرد و اسلام در ایران پیاده بشود به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد. (۱۱۷) ۱۹/۱/۶۳ فعالیت در حوزه ها حالا طوری شده است که خانمها همدوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب علم و ان شاءالله صنعت، فعالیت می کنند. آن وقت می گفتند که نیمی از جمعیت ایران که در پرده هستند دیگر کاری ازشان نمی آید. نه اینکه می خواستند کاری ازشان بیاید، برای اینکه مردها را هم آنها محروم کردند از کارهای فعال، بلکه می خواستند که اینها را وارد کنند در جامعه به آن تریبی که خود آنها و رفقا و همراهان آنها بودند و به فساد بکشند جامعه را. و خداوند خواست که موفق نشدند. و شما بانوان امروز موجب افتخار هستید که همان طوری که برادران شما در حوزه ها مشغول تحصیل و تدریس و سایر کارهای اسلامی هستند، شماها هم با آنها هستید و امیدوارم فعالتر باشید. و البته باید شما توجه بکنید و عکس عمل آن چیزی که در رژیم سابق گذشت، شما عمل کنید. آنها اخلاق اسلامی را می خواستند ببرند و به جای او اخلاق اروپایی بنشانند. شما عکس عمل او را کنید که بعضی از این گولخوردهایی که باز در ایران ممکن است پیدا بشوند، تحت تأثیر شما واقع بشوند و آنها

هم به طریقه شما عمل نکنند. (۱۱۸) ۱۹/۱/۶۳ پیشتازی در تربیت و تعلیم جامعه از آنجا که علوم مطلقاً، خصوصاً علوم اسلامی، اختصاص به قشری دون قشری ندارد، و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می توانند حتی در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خدمتهای ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند، و اکنون بحمدالله تعالی مؤسسه ای ۱ در شهر مقدس قم، شهر علم و جهاد، برای تعلیم و تربیت بانوان محترم در دست ساختمان است، و امید است با کوشش علمای اعلام و مدرسین حوزه علمیه قم - دامت برکاتهم - این مقصد اسلامی جامه عمل پوشد و در رشد فکری و شکوفا شدن دانش اسلامی بانوان قدم مؤثری باشد، لهذا حضرات حجج اسلام، آقایان: حاج شیخ علی -----
 ۱. حوزه ی علمیه جامعه الزهرا مشکینی و موسوی اردبیلی و حاج شیخ احمد جنتی و حاج شیخ محمد فاضل و حاج شیخ محمد علی شرعی و شیخ محمدرضا توسلی و حاج شیخ حسن صانعی - دامت افاضاتهم - را به عنوان هیأت مؤسس این مکتب خواهران تعیین نمودم، تا برای تعیین هیأت مدیه و تنظیم اساسنامه و تعیین نام مکتب و سایر امور مؤسسه اقدامات مقتضی را بنمایند. امید است با تأیید خداوند متعال و دعای حضرت بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - این مؤسسه بتواند خدمت ارزنده ای به جامعه بانوان مسلمان و انقلابی ایران بنماید. (۱۱۹) رنج و زحمت بانوان و شما بحمدالله زحمت کشیدید، رنج بردید و در همه مراحل پایداری کردید، و بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند، چه فعالیتهای فرهنگی و چه فعالیتهای اقتصادی، که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند، و قشر کثیری از آنها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر. و همه اینها پیش خدای تبارک و تعالی مشکور است، و شماها مورد عنایت حق تعالی ان شاءالله هستید، و مادامیکه به این تعهد باقی باشید، خدای تبارک و تعالی شما را نصرت می کند. (۱۲۰) ۲۲/۱۲/۶۳ در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است، و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه ی همه ی ماست و همه ی شماست. کوشش در جهت جبران ظلمهای گذشته و من امیدوارم که دستگاہها با شما کمک کنند و آن چیزی که احتیاج به آن دارید در هر امری از امور و در فرهنگتان و در تعلیم و تعلمتان وسیله را برای شما به طور شایسته فراهم کنند. و امیدواریم که شما در همه چیز موفق و مؤید باشید، و همان طوری که بانوان ایران جانیشان را، جوانانشان را، وقتشان را وقف اسلام کردند و اسلام را به اینجا رساندند. و امیدواریم که از این به بعد هم از این بالاتر بشود، و مطمئن باشید که تا شماها در صحنه هستید و شماها متعهد به اسلام هستید و جوان می دهید و جوان تربیت می کنید، این اسلام به پیش برود، و ان شاءالله با خوبی و خوشی و قطع دست اعدای دین از این کشور و همه ی کشورهای اسلامی. و من امیدوارم که خانمهای مسلمین در هر جا هستند اقتدا کنند به شما عزیزان که کوشش دارید برای اینکه ارزش زن را هر چه بیشتر بالا ببرید، و آن ظلمی که به شما در آن زمان شد، با کوشش خودشان از او جبران کنید. (۱۲۱) ۲۲/۱۲/۶۳

آزادی زنان در نظام اسلام

زن مساوی مرد است سؤال: (شاه شما را مخالف با تمدن قلمداد می کند؛ شما نیز همین اتهام را به شاه برمی گردانید و این مطلب لزوماً قانع کننده نیست. لطفاً ممکن است موضع و موقع خود را راجع به سه موضوع اصلی ایران بیان بفرمایید؛ اصلاحات ارضی، صنعتی کردن مملکت، و زنان) جواب: ... در خصوص زنان، اسلام هیچگاه مخالف آزادی آنان نبوده است، برعکس اسلام با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت او را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیتهای خود را انتخاب کند؛ اما رژیم شاه است که با غرق کردن آنها در امور خلاف اخلاق، می کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند. اسلام شدیداً معترض به این امر است. رژیم آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پایمال ساخته است. زنان مانند مردان زندانهای ایران را پر کرده اند. در اینجاست که آزادی آنها در معرض تهدید و در خطر قرار

گرفته است. ما می خواهیم که زنان را از فساد، که آنان را تهدید می کند، آزاد سازیم. (۱۲۲) ۴/۲/۵۷ آزادی زنان در جامعه اسلامی سؤال: (در مورد مسائل اجتماعی، حضرت آیت الله حضور زنان را در دانشگاه و یا کار کردن آنان در جامعه چگونه می بینید؟ آیا برای آنها شما محدودیتهایی قائل می شوید که الآن در جامعه کنونی وجود ندارد. و نظر حضرتعالی در مورد کنترل موالید و تحصیل زنان و مردان در دانشگاه به صورت مخلوط چیست؟) جواب: زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی شود. از چیزی که جلوگیری می شود فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است. راجع به موالید، تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد. (۱۲۳) ۱۶/۹/۵۷ آزادی فعالیت زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند؛ آزادند در اینکه - عرض می کنم - رأی بدهند، رأی بگیرند. آنی که مخالفند، این است که اینطور که اینها زن را می خواهند بار بیاورند که یک ملعبه ای در دست مردها باشد، به قول شاه: «زن خوب است فریبا باشد!» ما می خواهیم این کلمه را بگیریم، این غلط را بگیریم. ما می خواهیم زن آدم باشد مثل سایر آدمها، انسان باشد مثل سایر انسانها، آزاد باشد مثل سایر آزادها. (۱۲۴) ۲۰/۹/۵۷ آزادی زن، طبق قانون اسلام سؤال: (در صورت پیروزی جنبستان و تأسیس دولت اسلامی، توسعه و پیشرفت اجتماعی مخصوصاً پیشرفت زنان را چگونه می بینید؟ و آیا تعدد زوجات را مجاز خواهید دانست و اجازه خواهید داد یا نه؟) جواب: زنها آزادند، همان طوری که مردها آزادند. ما طبق قانون اسلام عمل می کنیم. (۱۲۵) ۲۱/۹/۵۷ گمراه کردن زنان به نام آزادی این افرادی را که شما به عنوان حقوقدان می دانید همیشه زنان ما را گمراه کرده اند. امروز زنان آزاده ما زندانها را پر کرده اند و این حقوقدانان همیشه پای جنایتهای شاه را امضا کرده اند. کدام یک از این دو آزادند و آزاده؟ (۱۲۶) ۷/۱۰/۵۷ ----- ۱. رژیم پهلوی. ۲. دوران حکومت شاه. حفظ شخصیت زن در اسلام سؤال: (در جامعه ایران چه تغییراتی را شما در موقعیت زن، مورد نیاز حس می کنید؟ و به نظر شما دولت اسلامی چگونه شرایط زنان را تغییر خواهد داد؟ مثل اشتغال به کارهای دولتی و کار کردن در حرفه های مختلف مانند پزشکی، مهندسی و غیره و نیز شرایطی چون طلاق، سقط جنین، حق مسافرت و پوشیدن اجباری چادر.) جواب: تبلیغات سوء شاه و کسانی که با پول شاه خریده شده اند، چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده اند که خیال می کنند فقط اسلام آمده است که زن را خانه نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن زن مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن، چون مرد در تمام اینها آزاد است. زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجاب را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی توانیم و اسلام نمی خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی دهیم تا زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند. اسلام سقط جنین را حرام می داند و زن در ضمن عقد ازدواج می تواند حق طلاق را برای خودش به وجود آورد. احترام و آزادی ای که اسلام به زن داده است، هیچ قانونی و مکتبی نداده است. (۱۲۷) ۷/۱۰/۵۷ سلب آزادی زن توسط شاه سؤال: (بسیاری از زنانی که در ایران به سطحی از آزادی و تحصیل رسیده اند، ترس این را دارند که به یک رژیم مذهبی مرتجع بازگشت داده شوند. شما برای اطمینان خاطر آنان چه می گوید؟) جواب: اسلام به زنان آزادی داده است و این دولت و شاه است که آزادی را از آنان سلب کرده است و آنان را از هر جهت به بند کشیده است. (۱۲۸) ۱۵/۱۰/۵۷ موافقت اسلام با آزادی زن سؤال: (آیا حکومت اسلامی حکومتی قهقراگرا نیست؟ شاه می خواهد یک کشور مدرن برقرار کند؛ کشورهای عربی نیز به دنبال پیشرفت هستند؛ ولی اسلام با رفرم و تغییرات اجتماعی مثل آزادی زنان مخالف است. نظر شما در این باره چیست؟) جواب: دولت شاه با رشد اجتماعی ما مخالف بود و تمام آزادی و استقلال کشور ما را از دست داده بود. دولت اسلامی قهقراگرا نیست و با همه مظاهر تمدن موافق است مگر آنچه که به آسایش ملت لطمه وارد آورد و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد. اسلام با آزادی زن نه تنها موافق

است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است. (۱۲۹) ۲۰/۱۰/۵۷ اعطای آزادی به همه سؤال: (سیاست دولت جمهوری اسلامی در مورد آزادی زنان، پیکار با بیسوادی و سینماها چه خواهد بود؟) جواب: شاه کار مثبتی در ایران انجام نداده است. جبران خرابیهای او تا مدتها طول خواهد کشید. شاه نه آزادی به زنان داده است و نه به مردان. ما ب همه آزادی خواهیم داد. سینماها در رژیم شاه در خدمت فساد بودند در حالی که در جمهوری آینده در خدمت صلاح ملت خواهند بود. ما مبارزه با بیسوادی را به نحو احسن اجرا خواهیم کرد. (۱۳۰) ۲۱/۱۰/۵۷ آزادی واقعی سؤال: (نقش زن در حکومت اسلامی آینده چیست؟) جواب: زنان آزاد هستند در بسیاری از امور شرکت کنند؛ آزادی به معنای واقعی نه آنطور که شاه می خواست. زنان ما عده ای زندانند و آنهایی که در بیرون زندانند باز عده کثیر قریب به اتفاق در تظاهرات و مبارزات شرکت دارند. ولی دسته ای ناچیز آزادند- البته نه آنطور که شاه می خواهد، که ما حتماً با آن آزادی مخالف هستیم. (۱۳۱) ۲۵/۱۰/۵۷ جلوگیری از آزادی مخالف عفت و مصلحت سؤال: (موقعیت و نقش زنان در دولت آینده شما چگونه خواهد بود؟) جواب: موقعیت یک انسان صحیح و یک شخصیت آزاد؛ برخلاف این زمانها که بر ما گذشت که نه زنهایمان آزاد بودند و نه مردانمان. ملتی که زن و مردش آزاد نبود و در خفقان بود از زیر این بار بیرون آمدند و از این به بعد زنها و مردها آزادند. ولی اگر چنانچه بخواهند کارهای خلاف عفت بکنند و یا خلاف مصلحت مملکت بکنند، البته از آنها جلوگیری خواهد شد. (۱۳۲) ۲۶/۱۰/۵۷ اعطای همه گونه آزادی به زن سؤال: (نقش زنان در حکومت اسلامی چگونه خواهد بود؟ آیا مثلاً در امور کشور هم شرکت خواهند داشت؟ برای مثال وکیل و وزیر خواهند شد- البته اگر استعداد و لیاقتی نشان دهند؟) جواب: در مورد اینگونه مسائل، حکومت اسلامی تکالیف را معین می کند. و الآن وقت اظهار نظر در این زمینه ها نیست. زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رای دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست. (۱۳۳) ۳/۱۱/۵۷ آزادی در کارهای صحیح سؤال: (یکی از خبر نگاران زن: چون مرا به عنوان یک زن پذیرفته اید، این نشان دهنده این است که نهضت ما یک نهضت مترقی است؛ اگر چه دیگران سعی کردند نشان دهند که عقب مانده است. فکر می کنید به نظر شما آیا زنان ما باید حتماً حجاب داشته باشند؟ مثلاً چیزی روی سر داشته باشند یا نه؟) جواب: اینکه من شما را پذیرفته ام، من شما را پذیرفته ام! شما آمده اید اینجا و من نمی دانستم که شما می خواهید بیایید اینجا! و این هم دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است که به مجرد اینکه شما آمدید اینجا، اسلام مترقی است. مترقی هم به این معنی نیست که بعضی زنها یا مردهای ما خیال کرده اند ترقی به کمالات انسانی و نفسانی است، و با اثر بودن افراد در ملت و مملکت است نه اینکه سینما بروند و دانش برونند. و اینها ترقیاتی است که برای شما درست کرده اند و شما را به عقب رانده اند؛ و باید بعداً جبران کنیم. شما آزادید در کارهای صحیح. در دانشگاه بروید و هر کاری را که صحیح است بکنید؛ و همه ملت در این زمینه ها آزادند. اما اگر بخواهند کاری خلاف عفت بکنند و یا مضر به حال ملت- خلاف ملیت- بکنند، جلوگیری می شود؛ و این، دلیل بر مترقی بودن است. (۱۳۴) ۳/۱۱/۵۷ آزادی برای همه طبقات اختناق در اسلام نیست؛ آزادی است در اسلام برای همه طبقات؛ برای زن، برای مرد، برای سفید، برای سیاه، برای همه. مردم از این به بعد باید از خودشان بترسند نه از حکومت؟ از خودشان بترسند که نبادا خلاف بکنند. (۱۳۵) ۱۲/۱۱/۵۸ رأی آزادانه اسلام شما را آزاد کرده است؛ اسلام مرد و زن را آزاد فرموده است و همه آزادانه باید رأی بدهید. (۱۳۶) ۱۷/۱۱/۵۸ دخالت در سرنوشت شما امروز آزاد هستید. همه برادران و خواهران ما امروز آزادند. و آزادانه انتقاد می کنند از دولت. انتقاد می کنند از هر چیزی که بر خلاف مسیرشان باشد. و تقاضا می کنند مسائل اساسی را از دولت. این نهضت شما را آزاد کرد، و از آن بندهایی که بر ملت بود، و از آن قید و بندها شما را آزاد کرد. الآن آزادانه در اینجا مجتمع هستید، و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را طرح می کنید. شما بانوان، بانوان چند سال پیش از این نیستید. برادران، برادران چند سال پیش از این نیستند. شما امروز خودتان در سرنو

شت خودتان دخالت می کنید، خودتان مسائل سیاسی را طرح می کنید، و از دولت می خواهید. این معنای آزادی است. (۱۳۷)

۱۲/۴/۵۸ آزادی در جهت کمک به رشد انسان این آزادی که الآن برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسندگان، این آزادی آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزادی بیاید بیرون مطالبتان را بگویید؛ انتقاد از دولت بکنید؛ انتقاد از هر کس که پایش را کج گذاشت بکنید. هیچ کس نیست که به شما بگوید چرا. بروید در جهاد سازندگی؛ با ملت خودتان بروید و همراهی کنید آزادید، می روید می کنید. تمام چیزهایی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها، و این کودکان عزیز، دخالت دارد، اینها همه آزاد هستند. آنی که اسلام جلوی او را گرفته و آزاد نیست؛ قماربازی است که تباہ می کند ملت را؛ شرابخواری است که تباہ می کند ملت را؛ انواع فحشایی که در زمان این مرد جنایتکار بود و فراهم کرده بودند اسبابش را. اینهاست که در اسلام ممنوع است. (۱۳۸) ۸/۷/۵۸ سؤال: (در حکومت آینده، آزادی زنان چگونه خواهد بود؟ آیا اینها باید مدارس را رها کرده و به منازل بروند، یا اینکه برایشان امکان آزادی در تحصیل خواهد داشت به تحصیلات خود ادامه دهند؟) جواب: این حرفهایی که راجع به زنان و یا مسائل دیگر شنیده اید، اینها هم تبلیغات شاه و اشخاص مغرض است. زنها آزاد هستند و در تحصیل هم آزاد هستند، در کارهای دیگر هم آزادند، همان طور که مردها آزادند. حالا است که نه زن آزاد است و نه مرد. (۱۳۹) ۲۲/۸/۵۷ احترام ویژه برای زن در اسلام سؤال: (حضرت آیت الله، در ازای آزادی اسرای زن و سیاهانی که دستور فرمودید، شما چه انتظاری از دولت امریکا دارید؟) جواب: ما آزادی زنها را و آزادی سیاهها را برای این قائل شدیم که زنها در اسلام یک احترام ویژه دارند و سیاهپوستان هم تحت فشار امریکا بودند و ظلم بر آنها شده است. و آنها را ما آن طور مقصر نمی دانیم. بلکه آنها شاید تحت فشار بودند که اینجا آمدند. و لهذا ما برای امتثال امر اسلام و خدا این عمل را کردیم. و انتظاری از آقای کارتر ۱ نداریم و پاداشی نمی خواهیم. تمام مطلب ما این است که کارتر، این خیانتکار را به ما پس بدهد. و شخص مجرمی که بر یک مملکتی به یک ملتی جرم کرده است، در تمام قوانین دنیا این است که باید پس داده بشود به خود آن مملکت. و ایشان برخلاف تمام موازین عقلی و عقلائی عمل می کند. (۱۴۰) ۲۷/۸/۵۸ ----- ۱. جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا سؤال: (حضرت امام، در نوفل لوشاتو ۱ شما وعده کردید که نه تنها آزادیها حفظ می شوند، بلکه تعمیم نیز می یابند. در صورتی که بعد از پیروزی انقلاب دیدیم که تظاهراتی بر ضد زنان شد و اقلیتهای قومی مثل کردها تحت فشار قرار گرفتند و روزنامه ها و احزاب سیاسی ممنوع شد. آیا ممکن است این تناقضهای ظاهری را برای ما روشن بفرمایید؟) آزاد آری، توطئه نه جواب: .. زنهایی که تظاهر کرده اند همان زنهایی بودند که از تنه آن مسائل بودند. آنهایی بودند که شاه آنها را به عنوان «آزاد زنان» به میدان آورده بود و آنها را به تباہی کشیده بود. آنها هم چون از این وضعی که آن تباہیها آن آزادیهایی که آنها می خواستند، می خواستند که با جوانها آزاد باشند که هر کاری می خواهند بکنند و می خواستند با تباہیها هماغوش باشند. می خواستند کارهای برخلاف عفت بکنند. و می دیدند که اسلام با کارهای خلاف عفت، با کارهایی که مملکت را به تباہی می کشد و ملت را به عقب می راند موافق نیست. آنها بودند که آمدند در خیابانها و با آن صورتهایی که مردم دیدند تظاهر کردند. و الا جلوی آزادی هرگز گرفته نشده است و نمی شود و مردم آزادند. الا آنجایی که بخواهند تباہی بکنند و بخواهند ملت را به عقب برانند. (۱۴۱) ۵/۹/۵۸ زنان همدوش با مردان در تلاش سا زندگی امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان. نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می شد، که آزادی آنان در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود. (۱۴۲) ۱۵/۲/۵۹ ----- ۱. دهکده ای در نزدیک شهر پاریس که حضرت امام در آنجا اقامت داشتند. حفظ آزادی و استقلال و ارزشهای انسانی از جوانان، دختران و پسران، می خواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرتها و بی بند و باریها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می شود نکنند. (۱۴۳) ۱۵/۳/۶۸

لباس محفوظ سؤال ۱: (اگر خانمی با لباس محفوظ مثل مانتوی گشاد و شلوار و روسری یا مقنعه بزرگ نماز بخواند درست است یا خیر؟) سؤال ۲: (اگر خانمی در منزل با چادر کلفت و بلند ولی زیر چادر بی آستین و بی جوراب باشد نمازش باطل است یا خیر؟) جواب ۱: اشکال ندارد. جواب ۲: نماز باطل نیست. (۱۴۴) حرام بودن موسیقی مطرب سؤال: (در حال نگاه کردن به فیلمهای تلویزیونی که گاهی زنهای بی حجاب نیز دارد و گوش دادن به صدای تازی که نواخته می شود چه صورت دارد؟) جواب: نظر به فیلم اجنبیه که صاحبش را نمی شناسد و ریبه و فساد در آن نیست اشکال ندارد و موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد. (۱۴۵) درآمد حلال سؤال: (زنی هستم که شغلم آرایشگر و مخصوص بانوان مسلمان و باحجاب در محیطی محفوظ می باشد، خواهشمند است نظر مبارکتان را در مورد درآمد حاصله اعلام فرمایید؟) جواب: در فرض سؤال اشکال ندارد و درآمد حاصله حلال است. (۱۴۶) آزادی زن در پوشش با رعایت موازین سؤال: (حضرت آیت الله به مدت طولانی از سیاستهای شاه انتقاد کرده اند، در چه حدودی سیاستهای خود ایشان نسبت به موارد زیر، با سیاستهای شاه فرق خواهد کرد؟ الف) اجتماعی: آیا قوانین اسلامی به مورد اجرا گذارده می شود؟ و چه فرقی در زندگی روزمره نسبت به قوانین حاضر پیش خواهد آمد؟ در تحت لوای حکومت اسلامی، آیا حضرت آیت الله می توانند به طور دقیقتر این مفهوم را شرح دهند که آیا زنها قادر خواهند بود به طور آزادانه بین حجاب و لباس غربی حق انتخاب داشته باشند؟ آیا سینماها می توانند به وجود خود ادامه دهند؟ اگر آری، چگونه فیلمها انتخاب خواهند شد؟ آیا مشروبات الکلی ممنوع خواهد شد؟ در آخر آیا ایران، یک عربستان سعودی یا لیبی دیگر خواهد شد؟ ...) جواب: الف) اجرای حدود در اسلام، موکول به تحقق شرایط و مقدمات بسیار است و باید جهات بسیاری را از روی کمال عدالت و توجه به اینکه اسلام در کلیت خود اجرا گردد، در نظر گرفت. اگر این امور در نظر گرفته شوند، ملاحظه خواهد شد که مقررات اسلامی کمتر از هر مقررات دیگری خشونت آمیز است. زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند. و تجربه کنونی فعالیتهای ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می گوید یافته اند. ما با سینمایی که برنامه های آنها فاسد کننده اخلاق جوانان و مخرب فرهنگ اسلامی باشد مخالفیم. اما با برنامه هایی که تربیت کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشد موافق هستیم. مشروبات الکلی و الکلیسم و سایر مخدرات که مضر به حال جامعه می باشند، جلوگیری خواهد شد. حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما، با هیچ یک از رژیمهای مزبور (عربستان سعودی و لیبی) منطبق نخواهد بود. (۱۴۷) ۱۰/۸/۵۷ مخالفت اسلام با خلاف عفت سؤال: (برخی از رسوم اسلامی مانند حجاب اجباری رها شده است. آیا در جمهوری اسلامی از نو اجباری خواهد شد؟) جواب: حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد. و ما آنان را دعوت می کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده اند و به اسلام پناهنده شده اند. (۱۴۸) ۷/۱۱/۵۷ آزادی در انتخاب پوشش حجاب در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. (۱۴۹) ۷/۱۰/۵۷ رعایت حجاب شرعی در وزارتخانه ها در وزارتخانه های اسلامی نباید زنهای لخت بیایند؛ زنها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند. (۱۵۰) ۱۵/۱۲/۵۷ انتخاب حجاب از روی اختیار سؤال: این چادر، آیا صحیح است که این زنها خود را در زیر چادر مخفی کنند؟ این زنها در انقلاب شرکت کردند. کشته دادند. زندان رفتند. مبارزه کردند، این چادر هم یک رسم از قدیم مانده ای است. حالا دیگر دنیا هم عوض شده. حالا این صحیح است که مثلاً اینها خودشان را مخفی کنند؟) جواب: اولاً- اینکه این یک اختیاری است برای آنها، خودشان اختیار کردند. شما چه حقی دارید که

اختیار را از دستشان بگیرید؟ ما اعلام می کنیم به زن‌ها که هر کس چادر می خواهد یا هر کس پوشش اسلامی، بیاید بیرون. از ۳۵ میلیون جمعیت ما ۳۳ میلیون بیرون می آید. شما چه حقی دارید که جلو اینها را بگیرید؟ این چه دیکتاتوری است که شما نسبت به زن‌ها دارید؟ و ثانیاً اینکه ما یک پوش خاصی را نمی گوئیم. برای حدود زنهایی که به سن و سال شما رسیده اند هیچ -----

۱. خانم اورینا فالاجی، خبرنگار معروف ایتالیایی. چیزی نیست. ما زنهای جوانی که وقتی ایشان آرایش می کنند و می آیند، یک فوج را دنبال خودشان می کشند، اینها را داریم جلوشان را می گیریم. شما هم دلتان نسوزد. (۱۵۱) ۲/۷/۵۸ منع تعرض به زنان امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده ای از افراد ناآگاه و احیاناً ضدانقلاب، به بانوان بی حجاب دستوری به این شرح صادر فرمودند: ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و اینگونه دخالت‌ها برای مسلمانها حرام است، و باید پلیس و کمیته ها از اینگونه جریانسازان جلوگیری کنند. (۱۵۲) ۱۳/۴/۵۹ ارزش انسانی بانوان آن ارزشی که امروز در کشورهای اسلامی و خصوصاً در کشور ایران پیدا شده است، این است که در رژیم سابق شأن و مرتبت؛ عبارت از آرایش مهووع و لباسهای کذا و منزلگاههای کذا بود؛ و امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش، اخلاقی است، ارزش انسانی است به واسطه همین تحول در قشر بانوان، دیگر آنهایی که با آرایشهای فاسد و لباسهای فاخر می خواستند فخرفروشی کنند در بین جامعه ی نسوان ما محکوم اند و خجالت زده اند. آن روز، بانوان اسلامی ما خجالت می کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در آن مراعات شده باشد (ظاهر بشوند) طبقات ضعیف هم اگر این کار را می کردند، خجالت می کشیدند در بین قشرهای فاسد و مرفه برونند، امروز امر به عکس است؛ آن اشخاصی که دارای آن طور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنماییهای مفسد بودند، آنها احساس شرم می کنند در بین شما. (۱۵۳) ۲۵/۱۲/۵۹ حجاب جهت حفظ ارزشها البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزشهای شماست. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد- برای این است که، آن ارزشهای واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می شدند اینها، این ارزشها زنده بشود. (۱۵۴) ۲۲/۱۲/۶۳ سؤال: ... ۱. پخش برنامه های تلویزیونی که در آنها برحسب موضوع زنانی ایفای نقش می نمایند که ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر را رعایت نموده اند. ۲. پخش برنامه های ورزشی نظیر کشتی و فوتبال که در آن قسمتی از بدن مردان ورزشکار پوشیده نیست. ۳. نگاه کردن به بر نامه های فوق الذکر که از تلویزیون پخش می شود.... محمدهاشمی (۱۰۰۱) ----- ۱. رئیس وقت صدا و سیمای جمهوری اسلامی. عدم اشکال شرعی جواب: نظر نمودن به این قبیل فیلمها و نمایشنامه ها هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد. و همین طور فیلمهای ورزشی و آهنگها اکثراً بی اشکال است. گاهی خلاف به طور نادر دیده می شود، که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود: اول آنکه کسانی که گریم می کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد. دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند. (۱۵۵) ۳۰/۹/۶۶

تفسیر آزادی، توسط مخالفان آزادی احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کم‌رنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می باشد. گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملتهای اسلامی گرفتار آن شده اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته ایم کسی که به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاهها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با

جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پا برجا داشت. (۱۵۶) ۱/۲/۶۸

توصیه به حفظ و نداوم نهضت اسلامی

قطع ید خائنین امروز از قبل از پیروزی و رسیدن به اوج نهضت، احتیاج به ملت ایران، احتیاج به وحدت کلمه، احتیاج به بانوان معظم، احتیاج به «چهارمردان»^۱ بیشتر است. امروز است که دستهای جنایتکار و خیانتکار، آنهایی که منافع خودشان را در خطر می بینند، دستهای آنها در کار است که نگذارند این نهضت شکوفایی پیدا کند. امروز است که باید این خیانتها را و این دستهای خائن را قطع کرد. امروز است که آنهایی که تفرقه افکنی می کنند و می خواهند با بهانه ها بین صفوف مسلمین جدایی بیندازند، دست آنها را باید قطع کرد. بانوان معظم ما باید قطع کنند دست خائنین را؛ مردان نیرومند ما باید قطع کنند دست خائنین را؛ روحانین- در هر جا که هستند- با هوشیاری باید دست این خائنین را قطع کنند و حیلۀ آنها را خنثی کنند. (۱۵۷) ۵/۲/۵۸ جلوگیری از هدر رفتن خون شهدا باید شما خانمها، شما برادران، شما خواهران، بیدار باشید! باید ملت ایران بیدار باشد! نگذارید خون شهدای ما هدر برود. نگذارید خون جوانان ما پایمال شود، پایمال اغراض شخصیه؛ اغراض شخصیه را به دور بریزید. دستهای خیانتکار، گروههای مختلف درست نکنند. (۱۵۸) ۵/۲/۵۸ تکلیف همه ما، چه شما بانوان محترم و چه سایر ملت- همه، بانوان و -----
 ۱. یکی از محلات شهر قم که مردم آن در مبارزه علیه رژیم شاه نقش چشمگیر داشتند. تکلیف در راستای حفظ اجتماعات برادران و خواهران و همه- این است که در یک همچو مقطعی که ما واقع شده ایم از تاریخ، که ما سر دو راهی الآن واقع شده ایم، دو راهی، یکی پیروزی نهایی یکی خدای نخواسته شکست و برگشت به حالهای اول، تکلیف همه ملت این است که همان طوری که این نهضت را با وحدت کلمه و وحدت مقصد که همه مقصدشان اسلام بود، همه با هم فریاد اسلام می زدند، حالا- هم همان را حفظ بکنند؛ اجتماعات خودشان را حفظ بکنند؛ مساجد را پر بکنند از جمعیتها. جاهایی که اجتماعات عمومی می شود و در جای اجتماعات عمومی، اجتماع بکنند و مطالب را، آن مطالبی که مقصدشان است و آن اینکه همه احکام اسلام در ایران جاری بشود، اینها را باز در نظر بگیرند. (۱۵۹) ۱۱/۴/۵۸ زنده نگهداشتن نهضت همه این خواهرهای محترم، و شما برادرها و همه ایران، همه با هم الآن باید توجه به همین مسیری داشته باشیم که نهضتمان در راه هست. این نهضت را باید همه زنده نگه دارید تا این مسائل بگذرد. (۱۶۰) ۱۷/۴/۵۸ حفظ امانت الآن این امانتی که در دست ما است، همه ما- چه نیروهای انتظامی، و چه ملت، چه خانمها و چه برادران- همه موظفیم در حفظ این امانتی که از جانب خداست. این امانت اسلام است؛ قرآن است. (۱۶۱) ۱۱/۶/۵۸ آبا د کردن خرابه ها همه باید با هم دست به هم بدهیم. نه مرد تنها، خانمها هم همین طور. طبقه واحد نه، همه طبقات باید دست به هم بدهند تا یک خرابه ای که برایشان گذاشتند آباد کنند و زندگی شان را در آنجا اداره کنند. (۱۶۲) ۱۹/۱۰/۵۸ همه مسئولند برادرهای من! خواهرهای من! توجه بکنید که مسئولیت داریم امروز، مسئولیت های بزرگ داریم ما. اگر این نهضتی که تا اینجا رسیده و این انقلابی که تا اینجا رسیده است و یک جمهوری اسلامی در مملکت ما تحقق پیدا کرده است، اگر این از دست ما برود همه ما مسئولیم. (۱۶۳) ۲۹/۱۰/۵۹

فصل سوم: نقش خانواده و زنان در تربیت انسانها

توجه جدی اسلام به همه ابعاد زندگی خانوادگی

تنوع قوانین و مقررات شرع احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد فراهم آمده است؛ از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری و امور

خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی. برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد، و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد، در دوره شیرخوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است، و بچه چگونه باید تربیت شود، و سلوک مرد و زن با همدیگر و با فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند. (۱۶۴) *** تأثیرات مراعات آداب و از جمله اموری که موجب اختلاف رغبت می شود مراعات نمودن آداب نکاح و دستورات همبستر شدن و وقتیایی که برای هم بستری است و نیز دستوراتی که در دوران حمل و ایام شیرخوارگی و انتخاب همسر و انتخاب زنی که می خواهد پستان در دهان طفل بگذارد؛ و دیگر دستورات که همه اینها در مزاج جسم و روح طفل دخالت کامل دارد همان گونه که محیط تربیت و شخص مربی و معلم و رفیق و معاشر و علمی که به تحصیل آن می پردازد؛ و دیگر چیزها که شماره کامل آن مشکل و هم موجب تطویل است تأثیرات عجیب و غریبی است که پاره ای از آنها مشهود است. (۱۶۵) *** برنامه کامل شرع اسلام از قبل از تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته است تا آن وقت که در عائله زندگی می کند، شالوده ی اجتماع عائله ای را ریخته است و تکلیف معین فرموده است تا آن وقت که در تعلیم وارد می شود، تا آن وقت که در تعلیم وارد می شود، تا آن وقت که روابطش با- سایر ممالک و سایر دول و سایر ملل هست. تمام اینها برنامه دارد، تمام اینها تکلیف دارد در شرع مطهر. (۱۶۶) ۲۳/۸/۴۴ جامعیت احکام اسلام تربیتهای اخلاقی می کند اسلام. در مرتبه معاشرتش هم که هست، با هر کس معاشر باشد، حکم دارد اسلام. خودش- فی نفسه- احکام دارد، خودش با عیالش احکام دارد، خودش با اولادش احکام دارد، خودش با همسایه اش احکام دارد، خودش با هم محله اش و جاراش احکام دارد. با هم مملکتش احکام دارد، با همدینش احکام دارد، با مخالفین از دینش احکام دارد، تا بعد از موت. از قبل از اینکه اصلاً تولدی در کار باشد و قبل از زواج احکام دارد تا زواج، و تا حمل و تا تولد و تا تربیت در بچگی و تربیت بزرگتر و تا حد بلوغ و تا حد جوانی و تا حد پیری و تا مردن و در قبر و مابَعِدَ القبر. (۱۶۷) ۶/۷/۵۶ جامعیت قوانین بشری در اسلام روابط دیگری هست و احکام دیگری هست که این احکام (نیز) راجع به افراد است. و کیفیت، از اولی که متولد نشده است یک فرد؛ یک احکامی برای توطئه تولد یک فرد صحیح، سالم، مذهب. و در حالی که ازدواج حاصل می شود بین شوهر و زن؛ و قبل از ازدواج - برای انتخاب همسر؛ و در زمان ازدواج و در زمان معاشرت زوجین با هم؛ در زمان حمل؛ در زمان شیر دادن بچه؛ زمانی که بچه در دامن مادر باید تربیت بشود؛ زمانی که بچه در پیش معلمهای اول باید تربیت بشوند- تمام اینها در اسلام حکم دارد و برای تربیت یک بشر قوانین دارد. (۱۶۸) ۱۸/۸/۵۷ جامعیت آداب اسلامی اسلام یک صورتش حکومت است؛ یک ورقش باب حکومت است و باب سیاسات است، یک طرف دیگرش باب ساختن این انسان است از حیث معنویات که به خودش کار دارد: تو باید در اعتقادات چه باشی، در اخلاق چه باشی، در آداب عملی چه باشی، باید چه باشد. اینطور چیزها را اسلام کار دارد به همه. اینها را سایر دول و اجتماعات کاری به اینها ندارند. یعنی هیچ دولتی نمی آید به شما بگوید که شما توی خانه تان وقتی که هستید فلان کار را نباید بکنید. به آن کار ندارد. او باطن خانه اش هر کاری می خواهد بکند. اما اسلام توی خانه تنهایی شما باشید با شما کار دارد؛ یعنی می گوید باید چه جور باشد. اخلاقات چه جور باشد؛ ادراکات عقلیت چه جور باشد؛ اعمال، خودت با بچه ات باید چه جور آدابی داشته باشی؛ بچه با پدرش چه جور باشد؛ پدر با فرزندش چه باشد؛ بچه با مادرش چطور باشد؛ مادر با فرزندش چطور باشد؛ برادر با برادرش چطور باشد؛ همه ی این عائله با هم چطور باشند؛ این عائله با عائله دیگر چطور باشند- تمام اینها را آداب دارد اسلام برایش و نظر دارد به آنها. (۱۶۹) ۲۰/۸/۵۷ اسلام دین همه اسلام هم یک دینی است مال همه. یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می خواهد درآورد، به یک صورت عادلانه درآورد. به صورتی که یک بشر به بشر دیگر یک قطره- به قدر یک سر سوزن تعدی نکند؛ یک بشر با بچه خودش تعدی نکند، با زن خودش تعدی نکند، یک زن با شوهر خودش تعدی نکند، دو تا برادر با هم تعدی نکنند، اینها با رفقای دیگرشان تعدی نکنند.

می خواهد یک انسان عادل به تمام معنا که انسان باشد، هم عقلیتش عقلیت انسان باشد، هم نفسیتش نفسیت انسان باشد، هم ظاهرش ظاهر انسان و مؤدب به آداب انسانی باشد، می خواهد این مطلب را اجرا بکند. (۱۷۰) ۲۰/۸/۵۷ رشد کمال انسانی ما یک همچو مکتبی می خواهیم که انسانها را از اول که دارد بار می آورد، رو به رشد کمال انسانی دارد می برد. شما ملاحظه کنید در عالم یک همچو مکتبی پیدا می کنید که برای درست کردن یک انسان از قبل از اینکه پدر و مادرش ازدواج بکنند فعالیت بکند، دستور بدهد؟ تمام مکاتبی که در عالم هست به این آدمی که حالا دارد راه می رود توی (جامعه) و به رشد رسیده، با آنها کار دارد. اسلام قبل از اینکه ازدواج بشود بین دو نفر، به او می گوید چه جور آدمی انتخاب کن؛ به او می گوید چه جور شوهری انتخاب کن. چه جورش را آنجا می گوید. چرا؟ برای اینکه این شوهر و زن مبدأ یک فرد است یا فردها، اسلام می خواهد این فرد را که به جامعه می خواهد تحویل بدهد صالح تحویل بدهد. قبل از اینکه اینها ازدواج کنند زن چه جور باید باشد، شوهر چه جور باید باشد، اخلاقش چه باشد، اعمالش چه باشد، او اخلاقش چه باشد، اعمالش؛ در چه خانواده ای تربیت شده باشد. بعد از اینکه ازدواج شد چه جور معامله کنند این دو نفر با هم؛ بعد از آنکه برای حمل پیدا شدند چه آدابی هست؛ برای زمان حمل چه آدابی هست، برای زاییدن چه آدابی هست، برای بچه داری چه آدابی هست. همه اینها برای این است که این موجودی که می خواهد از این دو موجود حاصل بشود، این یک موجود صالح در این جمعیت پیدا بشود تا صلاحیت در همه عالم پیدا بشود. اسلام این کار است اسلام انسان می خواهد درست کند و از قبل از اینکه ازدواج بشود شروع کرده است؛ از آنجا شروع کرده است، دستور داده است که چه کن، چه کن، چه کن؛ تا آنجایی که بچه به دنیا آمده؛ زمان شیر خوردن باید چه بکند، بعد در دامن پدر و مادر باید با این چه جور عمل بکنند، بعد در این مکتبخانه های کوچک- در این دبستانها- چه باید بکنند بعد در دبیرستانها، و معلمها چه جور اشخاصی باید باشند، مربی اطفال چه اشخاصی باید باشند. بعد که رسید به آنجایی که مستقل شد، خودش با خودش سر و کار دارد که چه جور باید باشی، چه اعمالی باید بکنی، چه اعمالی باید نکنی. این برای این است که می خواهد یک افرادی در یک جامعه ای پیدا بشوند همه صالح باشند، صحیح باشند. (۱۷۱) ۱۰/۱۰/۵۷ قوانین اسلام بر حسب ابعاد انسانیت شما وقتی اسلام را ملاحظه می کنید، به حسب ابعاد انسانیت (می بینید) طرح دارد، قانون دارد. از قبل از اینکه انسان به این دنیا بیاید، قبل از اینکه پدر و مادر انسان ازدواج کند، طرح دارد برای اینکه این بذر را خوب تربیت کند. طرح دارد اسلام؛ زن را چه جور انتخاب کنید، شوهر را چه جور انتخاب کنید، در وقتی که ازدواج می کنید چه وضع باشد، با چه آداب باشد، در وقت لقاح چه آداب باشد، در وقت حمل چه آداب باشد. مثل زارعی که یک تخم زراعت را می کارد و مواظبت می کند که زمین خوب باشد، آب سالم باشد، به موقع برسد، سایر تربیتهای تربیتهای نباتی باشد که درست تربیت بشود، اسلام (هم) برای تربیت انسان از قبل ازدواج پدر و مادر شروع کرده است. زمین را یک زمین سالم مطهر می خواهد باشد؛ زوج را یک زوج سالم صحیح انسان صفت انتخاب بکند؛ بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می شود؛ و آداب رضاع و آداب حمل و رضاع و تربیت در دامن مادر و تربیت در پیش پدر و تربیتهای بعدی که دنبال این می آید. هیچ یک از قوانین بشر تکفل این امر را ندارد؛ این امر مختص به قوانین انبیاست. (۱۷۲) ۱۴/۱۱/۵۷ دستورات مترقی اسلام شما بدانید که اسلام همه چیز دارد. یعنی از قبل از اینکه ازدواج واقع بشود بین مرد و زن، تا آن وقتی که توی قبر می رود آثار دارد، احکام دارد، دستور دارد. همه ی دستورهای مترقی. همه ی دستورهایی که برای سعادت انسان، چه در این دنیا چه در آن دنیا، مفید است. (۱۷۳) ۲۹/۱۱/۵۷ اسلام از هیچ چیز غافل نیست اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است. منتها سایر رژیمها از بسیاری از امور غافل بودند، و اسلام از هیچ چیز غافل نیست. یعنی اسلام انسان را تربیت می کند به همه ابعادی که انسان دارد؛ بُعد مادی دارد راجع به بُعد مادی تصرفاتی دارد، بُعد معنوی دارد راجع به معنویات صحبت دارد. بالاتر از آن دارد؛ بالاتر از این صحبت دارد؛ یعنی از آن وقتی که ازدواج حاصل نشده بین پدر و مادر، اسلام برای ساختن انسان دستور دارد چه زنی را انتخاب کند، چه مردی را آن زن انتخاب کند، وضع اخلاقی اش چه جور باشد، وضع دیانتش چه جور باشد. یک نفر زارع وقتی

می خواهد یک زراعتی بکند و یک تخمی را در یک زمینی کشت بکند، این زمین را باید ملاحظه بکند، آن چیزهایی که موجب تربیت این است باید ملاحظه بکند، این چیزهایی که وقتی ظهور پیدا کرد، باید آنها را ملاحظه کند که چه چیز مفید با این است، چه چیزهایی مخالف با این است، از آن رد بکند؛ باید همین طور مواظبت کند تا وقتی که رشد کرد و به ثمر رسید. اسلام همین معامله را با افراد انسان کرده است. یعنی معامله ی یک نفر زارع که می خواهد یک کشتی بکند و می خواهد از آن استفاده بکند. از قبل از اینکه کشت بشود دستور دارد پدر و مادر چه جور باید باشند، یعنی ازدواج چه جور باید باشد. این برای این است که ملاحظه ی عاقبت این امر را کرده است که اگر (یکی از) پدر و مادر مثلاً اخلاقش فاسد باشد، اعمالش اعمال غیر انسانی باشد، این بچه هایی که پیدا می شود به واسطه وراثتی که هست در کار اینها هم در او تأثیر دارد؛ و لهذا مثل یک کشتکار بسیار دقیق، بسیار دلسوز، اسلام به نوع انسان مراعات کرده است. و از آن اول تا زمانی ازدواج می شود؛ ازدواج که شد، چه تربیتی در ازدواج است. بعد در قضیه ی لقاح چه جور آداب؛ آداب بسیار در آنجا هست. بعد در زمان حمل آداب بسیار در آنجا هست. بعد در زمان - عرض می کنم - رضاع آداب بسیاری در آنجا هست. بعد در دامن مادر آدابی هست. بعد در ظل پدر آدابی هست. بعد در مدرسه آدابی هست. بعد در اجتماع آدابی هست. این بچه را از آن وقتی که باز به دنیا نیامده مراعات کرده تا برسد به مرتبه ی عالی. و برای همه اینها دستور دارد. و سایر رژیمهای عالم، سایر دولتهایی که در عالم هست، به اینها اصلش کاری ندارد. آنها فقط یک کاری دارند و آن این است که این اجتماع مثلاً به نفع خودشان یک آرامشی پیدا کند تا چپاول کنند مردم را یا آنی هم که بسیار خوب و عادل است کاری به این مسائل ندارد؛ فقط راجع به این (کار) دارد که مسائل اجتماعی خودش را مثلاً یک قدری تصحیح بکند. اما بچه باید چه جور باشد تا آخر، تربیت باید چه جور باشد تا آخر، زمان حمل و زمان رضاع، اصلاً مطرح نیست در سایر رژیمها. اسلام یک همچو چیزی است که وقتی که انسان بزرگ شد، معاشرت خودش با برادرش، معاشرت خودش با پدر و مادرش، معاشرت پدر و مادر با پسر، معاشرت این دو تا با همسایه ها، معاشرت اینها با همسایه ها، معاشرت اینها با همدینها، اینها با خارجیها، همه اینها در اسلام هست. و اسلام حکومتی است که یک جنبه اش حکومت سیاسی است، و یک جنبه اش حکومت معنوی. یعنی دو طرف دارد انسان، دو وضع دارد انسان، دو رو دارد انسان: یک روی مادی (که) اسلام در این روی مادی در همه جهاتش احکام دارد؛ یک روی معنوی، که اصلاً مطرح نیست در رژیمها که انسان را تربیتهای معنوی و تهذیبی بکند تا برسد به مرتبه ای که دیگر هیچ کس نمی داند الا - الله. تا آنجا اسلام همین طور کشیده دست مردم را گرفته و برده است تا برساند به ملکوت اعلا. سایر رژیمها اینطور نیستند. (۱۷۴) ۳۰/۱۱/۵۷ توجه ادیان به همه ی ابعاد بشر ادیان به همه ی ابعاد بشر کار دارند، انسان خودش از قبل از اینکه بچه متولد بشود، ازدواج چه جور باید باشد... شرایط ازدواج چیست؟ چه زنی را باید انتخاب کرد؟ زن چه مردی را باید انتخاب بکند. برای اینکه خوب، این ازدواج کشتی است برای پیدا شدن یک بشر. قبل از اینکه اصلاً ازدواجی باشد، پیش بینی اینکه این بچه وقتی که به دنیا می آید به طوری باشد که سلامت باشد و سلامت نفس داشته باشد؛ و لهذا توجه به این نیز قبل از ازدواج شده است؛ شرایط ازدواج؛ با چه شرایطی؛ بعد در حال حمل. قبل از حمل، در حالی که می خواهد این لقاح واقع بشود با چه شرایطی باید باشد و چه احکامی باید داشته باشد؛ وقتی که بچه حمل است، مادر چه چیزهایی خوب است بخورد؛ از چه چیزهایی خوب است پرهیز کند؛ چه جور باشد زندگی او. در وقت حمل چه چیزها باید باشد، بعد از اینکه به دنیا آمد بچه، آن کسی که می خواهد شیر بدهد بچه را چه جور باشد، اگر بخواهند یک شیردهی و دایه ای برای او بگیرند چه جور شیر بدهد به بچه؛ چه اوقاتی باشد؛ با چه شرایطی باشد. در دامن مادر، مادر چه جور با این معاشرت داشته باشد. و بعد از اینکه از دامن مادر بیرون آمد، پدر چه جور باید باشد؛ عائله چه جور باشند برای تربیت این بچه؛ معلم چه جور باشد. در جامعه که می آید، در جامعه چه جور وضعی داشته باشد. تمام اینها برای این است که این انسان که در خارج می خواهد تحقق پیدا کند، یک انسان مذهب باشد. (۱۷۵)

۲۴/۲/۵۸ درست کردن همه ی ابعاد انسان اسلام به همه چیز کار دارد. اسلام قبل از اینکه ازدواج بکند، نقشه آن بچه ای که شما

می خواهید بعد از ازدواج آن بچه را تولید کنید، نقشه را قبل از ازدواج شما ریخته است؛ چه جور زنی انتخاب کن، چه جور مردی انتخاب کن، مرد چه جور باید باشد، زن چه جور باید باشد. برای این است که این انسان مثل یک نباتی می ماند که باید رشد بکند؛ مثل یک نفر کشاورز که وقتی تخمکاری می کند باید زمین را ببیند چه جور زمینی است، کود را ببیند چه جور کودی است - عرض می کنم - آب چه وقت لازم دارد کذا، انسان هم یک همچو موجودی است. از قبل از اینکه کشت بشود، زمینش را ملاحظه می کند که این زمین چه جور زمینی باید باشد، آنکه می خواهد کشت بکند چه جور باشد. بعد از اینکه ازدواج واقع شد، زمان تلقیح چه جور باید باشد. همه ابعاد را می خواهد، انسان می خواهد درست کند. (۱۷۶) ۳۱/۲/۵۸ اسلام انسان ساز قوانین اسلام آن قبل از اینکه شما ازدواج کنید، برای ازدواجتان ترتیب درست کرده برای اینکه این ازدواج طریق این است که آدم درست بشود با آن، از آنجا شروع کرده است. شما حالا - می خواهید ازدواج کنید، هیچ قانونی در عالم کار به این ندارد که شما می خواهید ازدواج کنید چه جوری بکنید. شما ثبت کنید، در اداره ای که باید آنها ازدواج را ثبت کنند (ثبت) بکنید، باقی آن به خودتان مربوط است. اسلام از قبل از اینکه شما ازدواج کنید، تصرف کرده، تو چه کرده، که این ازدواج مبدأ یک بچه است. این بچه باید درست بار بیاید. نظیر یک کشاورز بسیار عطوفت دار به اینکه کشاورزی اش خوب بشود، از اول زمین را یک زمین صالحی درست می کند؛ آب را یک آب صالحی درست می کند؛ کشت را و تخم را یک تخم صالحی درست می کند. اسلام انسان ساز است؛ می خواهد انسان درست کند. از قبل از اینکه شما ازدواج کنید. به زن گفته است چه مردی را انتخاب کن. به مرد گفته چه زنی را انتخاب کن؛ چه ادبی داشته باشد، و همین طور حال ازدواج را؛ بعد از ازدواج را؛ حال عرض می کنم که چه را؛ بعد از آن را؛ حال حمل را؛ بعد از آن را؛ بچه داری را؛ عرض می کنم، همه اینها. برای اینکه اسلام انسان می خواهد درست کند. از آن اولی که می خواهد بنای یک اولادی بشود، اسلام در آن تصرف دارد. آنی که همه، همه قوانین دنیا از آن غفلت دارند، هیچ توجه به آن ندارند، اسلام به آن توجه دارد. اسلام می خواهد کاری بکند که شما در داخل صندوقخانه هم هیچ کاری نکنید برخلاف قوانین عالم، قوانین دیگر چه کار دارند به باطن، توی خانه ات هر کاری می خواهی بکن. به من چرا، شما نیا بیرون و نظم را به هم بزن، هر کاری می خواهی بکن. اسلام این جور نیست. اسلام می خواهد انسان درست کند. این انسان را جوری می کند که توی صندوقخانه و پشت در هم، همان باشد که توی خیابان است؛ نه اینکه توی صندوقخانه هر کاری می خواهد بکند، توی خیابان نکند. توی صندوقخانه هم این آدم باید همان آدمی باشد که توی خیابان است؛ توی مجامع است. اسلام انسان می خواهد درست کند؛ انسانی که در همه حالات انسان باشد. (۱۷۷) ۲۰/۳/۵۸ درست کردن انسان صحیح هیچ مکتبی در عالم غیر از مکتب انبیاکاری به این ندارند که تو چه زنی انتخاب کن، وصلت کنی، زن چه مردی را انتخاب کند. به آنها چه ربط دارد، کار به این ندارند؛ هیچ ابدأ در قوانینشان این نیست که چه زنی انتخاب کن و چه مردی انتخاب کن. هیچ در قوانینشان نیست که ایام حمل بچه، مادر چه کارهایی را بکند، ایامی که بچه را شیر می خواهد بدهد چه کار بکند؟ ایامی که بچه در دامن مادرش است، مادرش چه وظیفه ای دارد؛ آن وقتی که تحت تربیت پدرش هست پدر چه. ابدأ به این کارها قوانین مادی و طبیعی و رژیمهای غیر انبیا، هیچ کاری به اینها ندارند. آنها فقط وقتی که انسان، انسانی شد که آمد توی جامعه، جلوی مفسده هایی که اینها می خواهند، آن مفسده هایی که مضر به نظم باشد و الا مفسدی که عیش و نوش و عشرت باشد، هیچ کاری به آن ندارند، بلکه دامن هم به آن می زنند. کاری به اینکه بخواهند یک انسان بسازند، آدم درست کنند، هیچ کاری به این ندارند. در نظر آنها انسان با حیوان فرقی همین مقدار است که در طبیعت این بیشتر پیشرفت دارد. حیوان نمی تواند طیاره درست کند، انسان می تواند؛ حیوان طیب نمی تواند بشود، انسان می تواند؛ اما حدود، حدود طبیعت است. آنکه به همه چیز کار دارد، آنکه انسان را از قبل از ازدواج، قبل از اینکه بخواهد ازدواج کند، دنبال این است که آن چیزی که از این ازدواج می خواهد حاصل بشود باید یک آدم صحیح باشد، انسان باید باشد، قبل از اینکه شما ازدواج کنید. دستور دارد چه زنی را انتخاب کن، چه مردی را انتخاب کن. چرا اینها دستور

دارند؟ برای اینکه همان طوری که یک زارع، یک دهقان وقتی که می خواهد یک مزرعه ای را بسازد، اول نظر می کند که زمین چه جور زمینی است، یک زمین صالح انتخاب می کند، آن تخمی را که می خواهد بکارد چه جور تخمی است، یک تخم گندم صالحی انتخاب می کند؛ چی لازم دارد برای تربیت، تمام اینها را در نظر دارد تا اینکه این مزرعه را آباد کند و یک منفعتی از آن ببرد. اسلام در انسان این نظر را داشته است که آن زوجی که انتخاب می شود چه جور باشد تا از این زوج یک انسان صحیح پیدا بشود. آن زنی که انتخاب می کنی چه جور زنی باشد تا از این دو نفر زوجین یک انسان پیدا بشود؛ بعد هم به چه آدابی باید باشد. روی چه ادبی این ازدواج باید باشد، بعد هم در چه حالی باید تلقیح بشود و چه آدابی دارد، بعد هم در ایام حمل چه ادبهایی هست، بعد هم در ایام شیر دادن چه ادبهایی هست؟ همه ی اینها برای این است که این مکتهای توحیدی که بالاترینش اسلام است، آمده اند برای اینکه انسان درست کنند. (۱۷۸) ۱۳/۴/۵۸ هدایت به راه راست بیایند ببینند که اسلام چه می گوید. و از اولی که بشر می خواهد ازدواج کند همراه! هست که این بچه ای که می خواهد از این بشر تولید بشود، یک! بچه خوبی باشد، بعد هم در دامن مادرش اینطور، بعد هم در دبستانش اینطور، بالا- و پایین تا آخر. اسلام می خواهد شما را هدایت کند به یک راه راستی. (۱۷۹) ۱۲/۴/۵۹

اهمیت نقش مادران در تربیت صحیح فرزندان

اعمال صالح مواظب باشید که اعمالتان اعمال صالح باشد، قیامتتان برای خدا باشد، اعمالتان برای خدا باشد. هر کدام بچه دارید تربیت کنید، تربیت الهی بکنید. (۱۸۰) ۱۹/۱۱/۵۷ زن انسان ساز است مردان بر ملتها حق دارند و زنها حق بیشتر دارند. زنها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زنها نیز انسان ساز. (۱۸۱) ۱۳/۱۲/۵۷ تربیت انسان کامل اسلام می خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند که در دامن شما انسانهای کامل تربیت بشود. (۱۸۲) ۱۷/۱۲/۵۷ قدر دانستن بانوان مردها در دامن شما بزرگ شدند؛ شما تربیت کننده مردها هستید. قدر خودتان را بدانید. اسلام قدر شما را می داند. (۱۸۳) ۱۷/۱۲/۵۷ خدمت بانوان به اسلام شماها به اسلام خدمت کردید، و بعد از این هم ان شاءالله خدمت می کنید. شماها مردان و زنان شیر در ایران تربیت می کنید. دامن شما دامن عصمت و عفت و عظمت است. شماها موظف هستید که اولاد خودتان را خوب تربیت کنید؟ اسلامی تربیت کنید، انسانی تربیت کنید، مجاهد تربیت کنید. ما با مجاهده شما و همه طبقات، این نهضت را تا اینجا پیش بردیم و «جمهوری اسلامی» را اعلام کردیم. (۱۸۴) ۱۷/۱/۵۸ بانوان، عزیز ملتند از شماست که مردان و زنان بزرگ تربیت می شو. در دامن شما مردان و بانوان بزرگ تربیت می شود. شماها عزیز ملت هستید؛ پشتوانه ملت هستید. شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضایل اخلاقی، فضایل اعمالی مجهز شوید. شما برای آتیه مملکت ما جوانان نیرومند تربیت کنید. دامن شما یک مدرسه ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشود. شما فضایل تحصیل کنید تا کودکان شما در دامن شما به تربیت برسند. (۱۸۵) ۲۱/۱/۵۸ مذهب کردن بچه ها اسلام از شما این معنا را می خواهد که بچه های خودتان را در دامنهای خودتان مذهب کنید؛ و دامن خودتان را منور کنید به نور این بچه های اسلامی که اینها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت خودتان به دست آنهاست. (۱۸۶) ۲۰/۲/۵۸ مسئولیت افعال و اعمال بچه ها شما از اول که این بچه ها در دامن شما بزرگ می شوند، مسئول افعال و اعمال آنها هم شما هستید. همان طوری که اگر یک بچه خوب تربیت کنید ممکن است که سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، اگر یک بچه بد هم - خدای نخواستہ - در دامن شما بزرگ بشود، ممکن است که یک فساد در جامعه پیدا بشود. گمان نکنید که یک بچه است؛ یک بچه گاهی وقتها در جامعه، وقتی که وارد شد، در رأس جامعه واقع می شود... این ممکن است که بعدها یک جامعه را به فساد بکشد. (۱۸۷) ۲۴/۲/۵۸ تأثیر افعال مادران بر بچه ها از دامن شما خانمها باید شروع بشود. از دامن شما باید این مطلب شروع بشود که بچه ها را تربیت کنید، یک تربیت صحیح اسلامی. به اینکه خودتان (وقتی) بچه در دامن

هست، همراهتان هست، همه ی چشم و گوشش به فعل و قول شماست، از شما دروغ نشنود بعد دروغگو درآید از کار. اگر این دید مادر دروغ می گوید، بعد هم دید پدر دروغ میگوید، این دروغگو می شود. اگر دید مادر آدم صحیحی است، پدر آدم صحیحی است، این صحیح بار می آید. (۱۸۸) ۲۴/۲/۵۸ آشنا کردن بچه ها با معنویت برنامه ی طویل المدت ملت ما، برنامه دراز مدت ملت ما این است که بچه های خودشان را، اینهایی که در تحت تربیت آنهاست، معلمهای ما، مادرهای بچه های ما، پدرهای بچه های ما، معلمهای بچه های ما، استادها ی بچه های ما، نویسندگان برای بچه های ما، گویندگان برای بچه های ما، اینها معنویات را به این ملت بفهمانند؛ آشنا کنند آنها را با معنویات. (۱۸۹) ۲/۳/۵۸ ارزش کمک بانوان کمکهای بانوان ارزشش چند برابر کمکهای مردان است. خداوند شما را حفظ کند، و شما را برای تربیت انسانها، که شغل انبیا است... حفظ کند. سلام بر همه شما ورحمت بر همه شما. (۱۹۰) ۵/۳/۵۸ دامن مادر، بهترین مکتب برای اولاد بانوان محترم! مسئولید همه؛ مسئولیم همه. شما مسئول تربیت اولاد هستید؛ شما مسئولید که در دامنه های خودتان اولاد متقی بار بیاورید، تربیت کنید، به جامعه تحویل دهید. همه مسئول هستیم که اولاد را تربیت کنیم؛ لکن در دامن شما بهتر تربیت می شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد. (۱۹۱) ۵/۳/۵۸ شریف بودن شغل مادران شما خانمها به طوری که حالا خودتان می گوید معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید. شما خانمها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغلها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل دهید، برای شما بهتر است از همه عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم. پس شما یک شغلتان این است که بچه های خوب تربیت کنید. دامن مادرها دامنی است که «انسان» از آن باید درست بشود. یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ و برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه ی علائق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست. بچه ها از مادر بهتر مسائل را اخذ می کنند. آنقدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. (۱۹۲) ۲۱/۳/۵۸ تحول تربیت طاغوتی به تربیت انسانی باید این تربیتهای طاغوتی متحول بشود به تربیتهای انسانی- اسلامی. و امید است که از دامن مادرها شروع بشود، و به دانشگاه و بالاتر ختم بشود و مدارس ما هم همین طور. سعادت یک ملت به این است که سران آن ملت، کسانی که مقدرات آن ملت به دستشان است، مزگی باشند، تزکیه شده باشند. (۱۹۳) ۲۷/۴/۵۸ دامن مادر، بزرگترین مدرسه دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می شود. آنچه که بچه از مادر می شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می شنود. بچه از مادر بهتر می شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر؛ تا در جوار معلم. (این) یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است؛ انسان درست کردن است. (۱۹۴) ۲۷/۵/۵۸ توجه به تربیت انسانی شما خواهران، آنی که مُتکفّل بچه هاست، توجه کنند که بچه ها را تربیت انسانی بکنند. و آنکه متکفل یک جمعیتی است، آن جمعیت را دعوت به راه خدا و صراط مستقیم بکند. این راه مستقیم الهی است که می تواند انسان را از نقص رو به کمال ببرد و از ظلمات به نور برساند. (۱۹۵) ۲۰/۷/۵۸ تربیت مجاهدان رحمت و اسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شبهای نورانی را در دامن پا کشان تربیت نمودند. (۱۹۶) ۲/۱/۶۱ تربیت جوانان شیردل رحمت خداوند بر این دامنه های پا کی که پروراننده این جوانان شیر دل می باشند. (۱۹۷) ۱۹/۱۱/۶۲

اهمیت و شرافت مادری

بهشت زیر قدمهای مادران حقوق بسیار مادرها را نمی توان شمرد و نمی توان به حق ادا کرد. یک شبِ مادر به فرزندش از سال ها عمر پدر متعهد ارزنده تر است. تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت ربّ العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به

شناخت کسی جز مادران درنیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحملی چون عرش در مقابل رنجها و زحمتهای از حال استقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر، مرحمت فرموده؛ رنجهایی که پدران یک شب آن را تحمل نکنند و از آن عاجز هستند. اینکه در حدیث آمده است که «بهشت زیر قدمهای مادران است»^۱ یک حقیقت است و اینکه با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هوشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید. (۱۹۸) ۸/۲/۶۱ تربیت اطفال برای اسلام اسلام برای ساختن انسان آمده است. کتاب آسمانی اسلام که آن قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است؛ انسان را به همه ابعادی که دارد، به بُعد روحانی و به بُعد جسمانی، بُعدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی - همه بعدها - بعد نظامی؟ این اسلام آمده است که به ما راه تربیت را نشان بدهد. ما هم باید به تبع اسلام تربیت کنیم جوانان خودمان را، تربیت کنیم بانوان خودمان را. بانوان ما تربیت کنند اطفال خودشان را در دامن خودشان؛ وقتی که بزرگ شدند، تربیت کنند آنها را تا برسند به آن وقتی که برومند شوند و برای اسلام و برای انسانیت خدمتگزار باشند. (۱۹۹) ۲۲/۱/۵۸ ----- ۱. قال رسول الله (ص): «الجنة تحت اقدام الامهات»؛

کنز العمال؛ ح ۴۵۴۳۹ نقش حساس زن در بنای جامعه اسلامی زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی را به عهده بگیرد. (۲۰۰) ۱۹/۸/۵۷ ارزش خانمها در پیشگاه خدا شما خانمها ارزش دارید در پیشگاه خدا ان شاءالله. تهذیب کنید بچه های خودتان را؛ تربیت کنید، تربیتهای اسلامی. (۲۰۱) ۲۰/۲/۵۸ مادران مبدأ کار خوب در مادری تان باید بچه ها را تهذیب کنید؛ در معلمی تان هم باید تهذیب کنید؛ یک افراد صحیح تحویل جامعه بدهید، یک جامعه را صحیح کنید. و اگر خدای نخواسته عکس این معنا باشد، و زور آنها هم به عهده شما می آید. همان طوری که هر کار خوبی که اینها بکنند - چون شما مبدأ این کار خوب بودید - برای شما هم خوبی دارد، اجر و ثواب دارد، اگر خدای نخواسته یک قشر فاسدی شما تحویل جامعه بدهید، آنها بروند فسادکاری بکنند، این دودش به چشم شما هم می رود. (۲۰۲) ۲۴/۲/۵۸ شرف مادری شما خانمها شرف مادری دارید، که در این شرف از مردها جلو هستید؛ و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند؛ و خدای نخواسته، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان توی دامن مادر، منحرف بیرون می آید. و چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند، و در دامن مادر که هستند تمام... آرزوهایی که دارند خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند، حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر، در بچه ها اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر - که اول کلاس است - این دامن اگر یک دامن ظاهر پاکیزه مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می کند. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، این بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر - که از همه تقلیدها بالاتر است - و به تزریق مادر - که از همه تزریقها مؤثرتر است - تربیت می شود. (۲۰۳) ۲۴/۲/۵۸ به بار آوردن بچه های مهذب برنامه طویل المدت برای شما جوانها، برای شما خانمها، برای همه، این است که اگر شماها یک انسان مذهبی باشید مقاصد اسلامی را پیش می برید. اگر این خانمها بچه های مهذب بار بیاورند، بچه های اسلامی بار بیاورند، شما هم دینتان و هم دنیاتان محفوظ است. اگر خدای نخواسته در دامن اینها بچه غیر مهذب، بچه غیر اسلامی پیدا بشود، و در کفالت شما جوانها بچه های غیر اسلامی، بچه های غیر مهذب پیدا بشوند، و در دبستانهای ما که بچه همامان می روند مهذب و مؤدب به آداب اسلامی نباشند، در دبیرستانهای ما که جوانهای ما می روند تهذیب در کار نباشد، ادب اسلامی در کار نباشد و در دانشگاه، اسلامی نباشد و از علوم اسلام و از احکام اسلام خبری نباشد، رو به زوالیم. یعنی هم اسلام به باد می

رود و هم کشور. (۲۰۴) ۲/۳/۵۸ بزرگ کردن بچه، شریف ترین شغل این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود بزرگترین مسئولیت را دارد؛ و شریفترین شغل را دارد؛ شغل بچه داری. شریفترین شغل در عالم بزرگ کردن یک بچه است، و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد، در طول تاریخ از آدم تا خاتم. انبیا آمدند انسان درست کنند. (۲۰۵) ۲/۳/۵۸ مادر، روح آرامش مادری که بچه اش گرفتاری دارد و می خواهد نجاتش بدهد، آنقدری که الطاف این مادر او را آرام می کند، مداوا آنقدر در او تأثیر ندارد، این الان احتیاج به این دارد که روحش آرام بشود. مادر روح این را آرامش می دهد. (۲۰۶) ۵/۳/۸۵ تربیت علمی و دینی مادران شما می توانید بچه هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند؛ حفاظت از آمال انبیا بکنند. شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید. نگهبان، اولاد شما هستند؛ آنها را تربیت کنید. خانه های شما باید خانه تربیت اولاد باشد. منزل علماست منزل شما؛ و منزل تربیت علمی، تربیت دینی، تهذیب اخلاق. توجه به سرنوشت اینها بر عهده پدران است و بر عهده مادرها. (۲۰۷) ۵/۳/۵۸ متخلق شدن به اخلاق اسلامی خانمهای محترم! خودتان را تهذیب کنید؛ و کودکان خودتان را تهذیب کنید. کو دکان خودتان را اسلامی بار بیاورید، که در اسلام همه چیز است. خودتان در پناه اسلام و به اخلاق اسلامی متخلق بشوید، که همه چیز در اسلام است. آقایان محترم! خانمهای محترمتان! ندای اسلام را لبیک بگویید. اسلام برای تأمین علف نیامده است! اسلام برای تأمین معنویات آمده است. همه اش فریاد از مادیات نباشد؛ برخلاف مسلک اسلام است. معنویات اگر تحقق پیدا کرد، مادیات معنوی می شود و به دنبالش هست. اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد؛ مادیات را مستقلاً قبول ندارد. اساس معنویات است. یک کشور با معنویاتش کشور است. (۲۰۸) ۸/۳/۵۸ تربیت اسلامی - انسانی بچه هایتان (را) در دامنتان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می دهید شما این بچه را به دبستان، یک بچه صحیح، اخلاق خوب، آداب خوب؛ آنطور تحویل بدهید. (۲۰۹) ۲۱/۳/۵۸ تربیت دینی باید توجه داشته باشید که این بچه هایی که پیش شما تربیت می شوند تربیت دینی بشوند، تربیت اخلاقی بشوند. اگر یک بچه متدین را شما تحویل جامعه بدهید، یکوقت می بینید همین یک بچه متدین متعهد یک جامعه را اصلاح می کند. یک فرد ممکن است یک جامعه را اصلاح بکند؛ بنابراین، اگر خدای نخواست این بچه از دامن شما درست از کار در نیاید، از تحت تربیت شما که معلم هستید درست از کار در نیاید، ممکن است یک بچه یک جامعه را فاسد بکند، و شما مسئول باشید. شما از آن طرف (اگر) یک فرد را تربیت صحیح بکنید، آنقدر شرافت دارید که همان شرافت انبیا است. از این طرف، اگر خدای نخواست تربیتتان نسبت به بچه هایی که توی دامنتان هست، یا بعداً که بچه هایی که تحت تربیت شما هستند، اگر خدای نخواست فاسد تربیت بشوند، ممکن است که یک جامعه را فاسد کنند. (۲۱۰) ۲۱/۳/۵۸ تربیت کردن اولاد خوب شما بانوان که در این نهضت شرکت داشتید، و خداوند شما را حفظ کند، از این به بعد هم در این نهضت شرکت کنید و این نهضت را به پیش ببرید. و مهم شما این است که اولادها را خوب تربیت کنید. بانوان را آنطور اینها می خواستند باشند که بچه هایشان از آنها جدا باشد، بانوان را بکشند به ادارات؛ نه برای اینکه اداره درست بشود؛ یکی اینکه ادارات را فاسد بکنند، یکی اینکه بچه ها را از دامن مادر جدا بکنند؛ و بچه ها از اول که در دامن مادر نباشند عقده پیدا می کنند و اکثر مفاسد از این عقده هایی است که بچه ها پیدا می کنند. شما بچه های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه ها هستند که کشوری را نجات می دهند. در دامن شما اینها اسلامی بار بیایند، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیایند، با ایمان بار بیایند، تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند. خداوند همه شما را ان شاءالله سعادت مند کند؛ و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار بدهد. (۲۱۱) ۱۰/۴/۵۸ تربیت دینی - اخلاقی بچه ها در مادری تان باید بچه ها را تهذیب کنید؛ در معلمی تان هم باید تهذیب کنید؛ یک افراد صحیح تحویل جامعه بدهید، یک جامعه را صحیح کنید. (۲۱۲) ۲۴/۲/۵۸ دامن مادر، مدرسه علمی - ایمانی انبیا آمده اند که انسان درست کنند، انبیا مأمورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیواناتان فرق ندارند - آمده اند که اینها را انسان کنند؛ تزکیه کنند، مزگی کنند؛ پاکیزه کنند. شغل انبیا

همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه هایی که در دامانشان هست. بچه ها را از آن اول که در دامانشان هست تزکیه کنند. آنها با اخلاق خوب، با اعمال خوب در آنجا بچه ها بهتر تربیت می شوند. در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استاد. آن علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود یا می بیند، آن نقش می بندد در قلبش؛ و تا آخر همراه هست. مادرها باید توجه به این معنا بکنند که این بچه ها را خوب تربیت کنند، مزگی تربیت کنند؛ یک مدرسه ی علمی-ایمانی باشد دامنهایشان، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می آید. و از کس دیگر نمی آید. آنقدری که بچه از مادر چیز می شنود از پدر نمی شنود. آنقدری که اخلاق مادر تأثیر دارد در بچه کوچولوی نارس و به او منتقل می شود از دیگران نمی شود. (۲۱۳) ۲۶/۴/۵۸ نجات یک امت، در گرو تربیت خوب یک مادر ممکن است که بچه را تربیت کند و خوب تربیت کند، و آن یک بچه یک امت را نجات بدهد و ممکن است که بد تربیت کند و موجب هلاکت یک امت بشود. (۲۱۴) ۲۶/۴/۵۸ دامن مادر، شروعی خوب برای تربیت چنانچه از دامن مادر که شروع شد خوب شروع شد، بچه را خوب تربیت کردند، آنکه تحویل داد به دبستان دبستان خوب تربیت کرد. آنکه تحویل داد به دبیرستان آنجا هم همین طور، آنکه به دانشگاه یا به مدارس علمی دیگر آنها هم خوب، یکوقت در یک برهه از زمان می بینید که جوانها همه خوب از کار در می آیند؛ یک مملکت را به خوبی میکشند. (۲۱۵) ۲۶/۴/۵۸ تربیت انسان درست یک انسان درست، ممکن است یک عالم را تربیت بکند. یک انسان غیر سالم و یک انسان فاسد، عالم را به فساد میکشد. فساد و صلاح از دامنه های شما و از تربیتهای شما و از مدرسی که شما در آنجا اشتغال دارید، از آنجا شروع می شود. (۲۱۶) ۲۷/۵/۵۸ تربیت صحیح این بچه کوچولو هم از حالا تربیت می شود، یک تربیت صحیح، و اگر چنانچه خدای نخواستہ یک خلافی در او باشد، آن بچه ها که کوچکند از اول تربیت، تربیت فاسد می شوند. و این هم به عهده شماست. (۲۱۷) ۱۲/۷/۵۸ خدمت مادر بالاترین خدمتها نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کسی بالاتر است. و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند. (۲۱۸) ۲۵/۱۲/۵۹ مادران نا صحاح خوب جامعه شما مادران خوبی برای اطفال باشید؛ و ناصحان خوبی برای جامعه؛ و زحمتکشان خوبی برای مستمندان، و هستید بحمدالله. (۲۱۹) ۲۵/۱۲/۵۹ سهم بیشتر بانوان در نهضت انقلاب بانوان ایران در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه ها مشغول فعالیت هستند، سهم آنها بیشتر از دیگران است و در تربیتی که اشتغال دارند، چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خردسالانشان و چه تربیتهایی که در کلاسها و جاهای دیگر مجالس دارند، باز سهم بزرگی در این انقلاب دارند. (۲۲۰) ۲/۳/۶۰ قرار گرفتن در دژ محکم عفت و عصمت بانوان محترم ایران ثابت کردند که دستخوش اینطور توطئه ها نشده اند و نمی شوند و ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه در آن راههایی که قدرتهای بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آنها گذاشته بود، نخواهند رفت. (۲۲۱) ۲/۳/۶۰ تربیت در دامنه های مطهر چگونه سخن توان گفت؟ در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامنه های مطهر خود چنین فرزندانی را برای اسلام تربیت کرده اند، چه می توان نثار کرد؟ (۲۲۲) ۵/۶/۶۳ وقف اسلام کردن جان و جوانانشان بانوان ایران جانشان را، جوانانشان را، وقتشان را وقف اسلام کردند و اسلام را به اینجا رساندند. و امیدواریم که از این به بعد هم از این بالاتر بشود، و مطمئن باشید که تا شماها در صحنه هستید و شماها متعهد به اسلام هستید و جوان می دهید و جوان تربیت می کنید، این اسلام به پیش برود. (۲۲۳) ۲۲/۱۲/۶۳

اثرات منفی جدا کردن فرزندان از دامن مادر

توطئه در جهت مخدوش کردن خدمات ارزنده مادران اینها می خواستند که این طبقه (را) هم با زور و با فشار نابود کنند. آن مآثری که اینها دارند، آن خدمتهایی که این قشر می توانند به ملت بکنند، آن خدمتهای ارزنده ای که بانوان ما عهده دار آن هستند، از دستشان گرفته بشود؛ و نگذارند اینها آن خدمت اصیلی که باید بکنند و آن تربیت بچه ها، که بعدها مقدرات مملکت به دست آنهاست، اینها نگذارند که این خدمت انجام بگیرد؛ مبادا بچه ها در دامن اینها تقوا پیدا بکنند؛ در دامن اینها تربیت اسلامی بشوند؛ تربیت ملی بشوند؛ و بعد در دبستانها که آمدند و بعد در دبیرستانها که رفتند، نتوانند آنها با تبلیغاتی که آنجا می کنند و استادهایی که از خودشان آنجا می گذارند و مبلغینی که در آنجا دارند نتوانند اینها را برگردانند. از این جهت، نقشه این بود که این بانوان را از آن مقام اصیل بزرگی که دارند کنار بزنند، و به خیال خودشان نیمی از این جمعیت ایران را آزاد کنند! (۲۲۴) ۲۶/۲/۵۸ انحطاط مقام زن البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد؛ لکن نه آنطوری که آنها می خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها هم، زنها را و مردها را، از آن مقامی که دارند منحل کنند، نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود؛ یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد. نگذارند بچه های ما تربیت صحیح بشوند. و لهذا از آن اول جلویش را گرفتند. دامن بانوان که مرکز تربیت اطفال است بسیاری اش از این (موهبت) محروم شد. بعد در دبستانها بچه ها رفتند، آنجا هم با تبلیغات سوئی، با کتابهای منحرفی، آنها را منحرف کردند. بعد در دانشگاه که رفتند، عمال خود آنها نگذاشتند رشد صحیح بکنند. نگذاشتند دانشمندان صحیح تربیت بشود. اشخاص ملی صحیح، اشخاص اسلامی صحیح، تربیت بشود. (۲۲۵) ۲۶/۲/۵۸ مبتذل کردن شغل بزرگ مادری شغل مادری؛ که مع الأسف اجانب این شغل را پیش ما مبتذل کردند؛ و مادرهای بچه های ما را از بچه ها جدا کردند، نه همه، مقداری را؛ این شغل بزرگ را مبتذل کردند که از دامن این مادر، بچه- بچه ی صحیح بیرون نیاید. و بعد که به دبستان می رود و بعد که تحت حمایت پدر می آید، پدر را هم یک کاری بکنند که توجهش به بچه نباشد؟ تربیت نکند. بعد هم در دبستان؛ بعد هم در دبیرستان؛ بعد هم در همه جای دیگر؛ در بالاتر از این. اینها می خواهند که انسان در این کشورها نباشد. اگر انسان در این کشورها باشد، دست آنها کوتاه خواهد شد. می خواهند مسلمان صحیح مؤمن، مؤمن بالله، آنکه شهادت را فوز می داند، در این مملکت نباشد. (۲۲۶) ۲/۳/۵۸ منحل کردن شغل شریف مادری مع الأسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می خواستند از این مادرها بگیرند. تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه داری بکند... این شغل شریف را منحلش کردند در نظر مادرها؛ برای اینکه می خواستند که مادرها از بچه ها جدا بشوند، بچه ها را ببرند در پرورشگاهها بزرگ کنند؛ مادرها هم علی حده بروند یک کارهایی که آنها دلشان می خواهد بکنند و بچه در پرورشگاه وقتی که بزرگ بشود، یک بچه ای که در دامن مادر بزرگ بشود نیست؛ عقده پیدا می کند. وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواد سر و کار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم بشود، این بچه عقده پیدا می کند. بسیاری از این مفسده هایی که در جامعه واقع می شود، از این بچه هایی هستند که عقده دارند؛ از این انسانهایی هستند که عقده دارند. مبدأ یک عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنابراین، این شغل که شغل انبیا است و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست؛ در اول تربیت بچه. (۲۲۷) ۲۱/۳/۵۸ جدا کردن بچه ها از مادرها در این طول سلطنت، اینها کوشش کردند که مادرها را از بچه ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه داری چیزی نیست، شما توی ادارات بروید. جدا کردند این بچه های معصوم را که باید تربیت بشوند از دامنهای مادر و بردند در پرورشگاهها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی، اشخاص غیر رحیم، آنها را تربیت می کردند، تربیت فاسد. بچه ایی که از مادرش جدا شد پیش هر که باشد عقده پیدا می کند، عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفسد می شود. بسیاری از این قتلهایی که واقع می شود روی عقده هایی است که پیدا می شود، و عقده ها بسیاری اش از این پیدا می شود که مادر از اولاد جدا می شود. (۲۲۸) ۲۶/۴/۵۸ عقده ها منشأ مفسد بچه هایی که از دامن مادر جدا شده اند و در پرورشگاهها رفتند اینها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده اند، عقده پیدا می کنند. این

عقده ها منشأ همه مفاسدی است، یا اکثر مفاسدی است، که در بشر حاصل می شود. این جنگهایی که پیدا می شود از عقده هایی است که در قلوب این خونخوارها هست. این دزدیها، این خیانتها، اینها اکثراً از عقده هایی است که در انسان هست. بچه های شما را اگر از شما جدا کردند، به واسطه نداشتن محبت مادر، عقده پیدا می کنند؛ به فساد کشیده می شوند. مأمورند اینها، مأمور بودند این دستگاه به اینکه بچه های ما را به فساد بکشند؛ از آن اول نگذارند در یک دامن محبت بزرگ بشود، تربیت بشود تا عقده پیدا بشود. بعد هم زیر دست معلمهایی که خودشان تعیین کردند، و بعد هم در دانشگاهی که خودشان تأسیس کردند، از این پایین تا آن بالا- فساد؛ «اخراج من النور الی الظلمات»، ۱ نگذاشتن اینکه یک تربیت انسانی پیدا بشود. (۲۲۹) ۲۷/۵/۵۸ اینها نمی خواهند انسان پیدا بشود، از این جهت، اینقدر تربیت اولاد را پیش مادر مبتذل کردند؟ و اینقدر تبلیغات کردند که حتی خود ----- ۱. اشاره به قسمتی از آیه ۲۵۷ سوره ی بقره. تلاش در جهت تربیت شیطانی مادرها هم شاید باور کردند. مادرها، این بچه های عزیز را، آنهایی که تحت تأثیر اینها واقع شدند، این بچه های عزیز را به پرورشگاهها فرستادند و از دامنهای خودشان جدا کردند، و در آنجا تربیتهای شیطانی شدند. (۲۳۰) ۲۷/۵/۵۸ مسئولیت بزرگ تربیت شما مسئول هستید. مسئولیت بزرگ است. یک انسان درست، ممکن است یک عالم را تربیت نکند. یک انسان غیر سالم و یک انسان فاسد، عالم را به فساد می کشد. فساد و صلاح از دامنهای شما و از تربیتهای شما و از مدارسی که شما در آنجا اشتغال دارید، از آنجا شروع می شود. (۲۳۱) ۲۷/۵/۵۸ تربیت اولاد بالاترین مطلب برای خانمها یک مطلب بالاتر است. و آن مطلب، تربیت اولاد است. شما گمان نکنید که اینها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن، اینها تکذیب می کنند و مطلب را یک مطلب خیلی سستی می گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پائینی می گیرند اینها غرض صحیح دارند. اینها می خواهند از این دامن که بچه خوب می خواهد در آن تربیت بشود بچه ها را از این دامن دور کنند. بچه ها را از همان اول به پرورشگاهها بفرستند، زیر دست دیگران، زیر دست اجانب بچه ها را تربیت کنند. آنها می خواهند انسان درست نشود. دامنهای شما دامنهایی است که انسان درست می کند. اینها می خواهند بچه های شما را از اینجا نگذارند با شما باشند و نگذارند انسان درست بشود. (۲۳۲) ۲۷/۵/۵۸

اهمیت خانواده و وظایف آن در جلوگیری

از انحراف فرزندان فخر پیامبر روح مکرم رسول اکرم و ائمه هدی- صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین- در اضطراب و وحشت است که مبدا بر گهای درخت نبوت و ولایت ریخته شود و خزان گردد. حضرت می فرماید؛ تناکحوا تناسلوا، فإنی أباهی بکم الأمم و لَو بالسَّقَطِ یعنی «زنشویی کنید تا فرزند آورید؛ پس همانا من فخر می کنم به واسطه ی شما به امتهای دیگر گرچه به بچه ساقط شده». (۲۳۳) *** تهذیب اخلاق نونهالان خانواده شما باید مدرسه باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان. شما باید نونهالان مهذب تحویل معلمان بدهید و معلمان باید آنها را بیشتر تهذیب کنند. (۲۳۴) ۷/۲/۵۸ ----- ۱. در مستدرک الوسائل («کتاب النکاح»، باب اول ابواب مقدمات النکاح، ح ۱۷) بدون «ولو بالسَّقَطِ» آمده، اما در تفسیر ابوالفتوح رازی (سوره ی نور، آیه ۳۲) اینچنین آمده: «تَنَاقَحُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ». دعوت به ازدواج جهت جلوگیری از انحراف این دعوت به ازدواج، اینقدر تعریف از ازدواج برای اینکه هم ازدواج بشود، هم انحراف نباشد. از این شهوات مطلق، از این مراکز فساد و فحشا، انبیا جلوگیری می کنند، نه از اصل شهوت. اصل شهوت طبیعی است و باید هم کار خودش را انجام بدهد، اما حدود دارد. اگر تربیت و تعلیم آن طوری که انبیا و تحت تربیت انبیاست تحقق پیدا نکند، انسان هم صحیح می شود و روی یک نظمی تحقق پیدا می کند و این آکل و مأكول و این تعدیات و این تجاوزها و این اختلافهای طبقاتی پیدا نمی شود؛ و هم آن طرف- که عمده آن ظرف است- آن حیات جاویدی که آخر ندارد تأمین می شود. (۲۳۵) ۱۶/۴/۵۸ جامعه ی سالم، بچه های سالم وقتی در یک جامعه ای سلامت حکمفرما باشد افراد خود به خود سالم بار می آیند. یک خانواده ای که همه شان

اشخاص خوب هستند بچه هاشان سالم بار می آیند، مگر باز وارد بشوند در یک جامعه فاسد که آنها فاسدشان بکنند، و الاً طبعاً این طوری است. بچه های کوچک نفسشان مستعد از برای این است که، نقش بگیرد یا از ظرف فساد یا از ظرف صلاح. اگر یک جامعه صالح بود، بچه هایش هم صالح بار می آیند. اگر فاسد بود، بچه ها هم فاسد بار می آیند. (۲۳۶) ۱۰/۴/۵۹ تربیت جوانان برومند در دامن خانواده شما خانواده هایی بودید که در دامن شما این جوانهای برومند تربیت شده اند که فداکاری کردند برای اسلام. (۲۳۷) ۲۷/۹/۵۹ تفکر در جهت هدایت ملت ما یک قدری در حال این افراد تفکر کند. پدر و مادرهای این جوانهای گول خورده، این دخترهای گول خورده، این پسرهای گول خورده، تفکر کنند و آنها را هدایت کنند. ما خیر شما را می خواهیم. (۲۳۸) ۱/۴/۶۰ نصیحت اولاد من کراراً به این مادرها و پدرها و به این جوانهای گول خورده نصیحت کردم که اولاد خودتان را نصیحت کنید، اولاد خودتان را بازدارید از اینکه آلت دست جنایت جنایتکاران بشوند. (۲۳۹) ۸/۴/۶۰ توجه به بچه ها پدر و مادرها توجه کنند بچه هایشان را که چه می کنند و چه می گذرد، این دختر بیچاره را نگذارند که در دام اینها بیفتد، این پسر بیچاره را نگذارند که در دام اینها بیفتد، خودشان آنها را نصیحت کنند و اگر نصیحت پذیر نیستند معرفی کنند. (۲۴۰) ۱۹/۵/۶۰ حساسیت نقش خانواده نقش خانواده و خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است؛ و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسانتر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود. (۲۴۱) ۳۱/۶/۶۰ ----- ۱. اشاره به جوانان که ادعاهای دروغین گروهکهای منحرف آنان را فریب داده است. تلاش در جهت نجات جوانان از تباهی پدران و مادران این کو دکان معصوم و جوانان بی تجربه ۱ کوشش کنند و جوانان و عزیزان خود را از این مهلکه که دنیا و آخرت آنان را تباه می کند نجات دهند. و ملت مبارز و متعهد با هوشیاری و پشتکار، جوانان و نونهالان را که سرمایه و مخازن ارزشمند کشورند از شرّ این منحرفین امریکایی ۲ نجات دهند. (۲۴۲) ۳۱/۶/۶۰ مراقبت از فرزندان مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهای فرزندان نشان سخت مراقبت نمایند و آنان را زیر نظر بگیرند تا خدای ناکرده صید منافقان امریکایی و منحرفان روسی نگردند، و وضع درسی آنان را دنبال کنند، چرا که نقش مادران و پدران در حفظ فرزندان نشان در سنین دبستان و دبیرستان بسیار مهم و ارزشمند است. باید توجه داشته باشند که فرزندان نشان در سنینی هستند که با یک شعار گمراه کننده فریب می خورند و خدای ناکرده به راهی قدم می گذارند که جلوگیری از آن از هیچ کس ساخته نیست. مادران و پدران توجه داشته باشند که آنان از همه کس مؤثرتر برای نجات فرزندان نشان از گرداب جهل و فساد می باشند. به همین جهت، دلسوزانه و متعهدانه با اساتید فرزندان نشان در تماس باشند و آنان را در این مهم یاری دهند و از آنان یاری گیرند. امیدوارم این نونهالان، استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی فردای ما را تأمین کنند، و ما را از شرّ ابرقدرتها نجات دهند و پایه گذاران جهان سوم راستین گردند. (۲۴۳) ۱/۷/۶۱ ----- ۱. اشاره به جوانانی که ادعاهای دروغین گروهکهای منحرف آنان را فریب داده است. ۲. اشاره به گروهکهای منحرف و ضد انقلاب.

توصیه به حسن رفتار با اعضای خانواده

نمونه بودن مادران مادران گرچه همه نمونه اند لکن بعضی آنان از ویژگیهای خاصی برخوردارند و من در طول زندگی با مادر محترم تو و خاطراتی که از او - در شبهایی که با اطفال خود می گذرانند و در روزها نیز - دارم، او را دارای این ویژگیها یافته ام. اینک به تو ای فرزند ۱ و به سایر فرزندانم وصیت می کنم که کوشش کنید در خدمت به او و در تحصیل رضایت او پس از مرگ من، همانگونه که او را از شماها راضی می بینم در حال زندگی و پس از من بیشتر در خدمت بشوید. (۲۴۴) ۸/۲/۶۱ تربیت خوب فرزندان و آخرین وصیتم به احمد آن است که فرزندان خود را خوب تربیت کند و از کودکی با اسلام عزیز آشنا کند و مادر محترم

مهربانان را مراعات کند و خدمتگزار همه فامیل و همه متعلقان خود باشد. سلام خداوند بر همه صالحان. و از همه اقربا، خصوصاً فرزندانم تمنا دارم که مرا از تقصیر و قصوری که درباره آنان کردم و اگر ظلمی نمودم، ببخشند و از خداوند برایم طلب مغفرت و رحمت کنند، إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ و از خداوند مَنّان عاقلانه می خواهم که بستگان مرا در راه سعادت و استقامت توفیق مرحمت فرماید و آنان را به رحمت واسعه خود غریق نماید. (۲۴۵) ۸/۲/۶۱ ----- ۱. منظور، مرحوم حاج سید احمد خمینی است. مراعات در رفتار و به احمد، پسر و وصیت می کنم که با ارحام و اقرباء خود خصوصاً خواهران و برادر و خواهرزادگان، با مهر و محبت و صلح و صفا و ایثار و مراعات رفتار کند. و به همه فرزندانم وصیت می کنم که با هم یک دل و یک جهت باشند و با مهر و صفا رفتار نمایند و همه در راه خداوند و بندگان محروم او قدم بردارند که خیر و عافیت دنیا و آخرت در آن است. و به نور چشمی، حسین ۱ وصیت می کنم که از اشتغال به تحصیل علوم شرعیه غفلت نکند و استعدادی را که خداوند به او مرحمت فرموده ضایع نکند و با مادر و خواهر خود با مهر و صفا عمل کند و دنیا را سبک شمارد و در جوانی راه مستقیم عبودیت را پیش گیرد. (۲۴۶) ۸/۲/۶۱ حسن رفتار با مادران و خواهران آنچه لازم است تذکر دهم، علاوه بر آنکه به جمیع خویشاوندان و بستگان پس از ابلاغ سلام سفارش کنید به صبر جمیل و عدم فزع، به هیچ وجه تشبث نکنید. خداوند تعالی آنچه مقدر فرموده واقع خواهد شد. آنچه لازم است به شما ۲ تذکر دهم آن است که اگر ----- ۱. منظور، سید حسین خمینی، فرزند مرحوم حاج سید مصطفی خمینی است ۲. خطاب به فرزندان مرحوم حاج سید مصطفی خمینی. رضای خداوند تعالی و رضای مرا می خواهی، با مادر و خواهران و برادر و بستگان مطلقاً حسن رفتار نمایید. همه محتاج به حُسن سلوک شما هستند. تفاضاً می کنم به همه خوش رفتاری نمایید. وقت حرکت گفته شد که اگر میل دارید خانواده بیایند مانع ندارد، اینجا هم تکرار شد. لکن باکمال میلی که به ملاقات همه دارم راضی نیستم بیایند و بیایید، زیرا به شماها و ایشان ۱ بد می گذرد در محل غربت ۲. برای من وسایل راحت فراهم خواهد شد، ان شاء الله تعالی. (۲۴۷) ۱۳/۸/۴۳ رضای خدا در حُسن سلوک با مادر لازم است در موضوع مادر و خواهرها و احمد ۳ و بستگان به شما تأکید کنم، رضای خداوند و رضای من در حُسن سلوک با آنهاست. مادر خیلی احتیاج به خدمت دارد، باید از هر حیث مادی و معنوی رضایت او را به دست آورید، نگذارید نگرانی پیدا کند، راحتی او را فراهم کنید. (۲۴۸) ۱۹/۸/۴۳ مهربانی و عطف با مادر لازم به تذکر نیست که باید با مادر و متعلقین باکمال مهربانی و عطف رفتار نمایید، مخصوصاً خدمت کنید به مادر که رضای خدای تعالی در آن است. (۲۴۹) ۲۳/۸/۴۳ ----- ۱. منظور، همسر حضرت امام است. ۲. شهر بوسای ترکیه، محل تبعید حضرت امام. ۳. منظور، مرحوم حاج سید احمد خمینی است.

فصل چهارم: نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی

تحول زنان در انقلاب اسلامی

قیام بانوان، تحولی بزرگ یک تحول روحی؛ یک تحول فکری، با اراده مصمم. از بچه های کوچک تا مردهای بزرگ، از دخترهای کوچک تا خانمهای بزرگ، همه ی اقشار، با هم قیام کردند و استقامت کردند آن تَقُوْمُوالله؛ ۱ قیام برای خدا، جمعاً و فرداً. (۲۵۰) ۲۱/۲/۵۸ تحول در بانوان ملتی که چِک و چِک می کرد در معاملات برای زیاد شدن و کم شدن - در یک برهه از زمان - همچو انسانی رفتار می کرد با اهل ملت خودش و همچو تحول برایش حاصل شده بود که یکی از آقایان میگفت که دیدم یک زنی... در آن تظاهرات - آن وقت که تظاهر می کردند - یک زنی یک کاسه ای دستش است، پول در آن است. گفتم لابد مثلاً فقیر است؛ تا رسیدم به او... دیدم می گوید که امروز تعطیل است و اینهایی که دارند می روند ممکن است بعضی شان بخواهند

تلفن کنند؛ پول هم که حالا نمی توانند پیدا کنند، من اینها را گذاشته ام برای تلفن. این یک امر کوچکی است ولی خیلی بزرگ است این. یک تحولی است که عظمتش خیلی زیاد است. (۲۵۱) ۸/۳/۵۸ ----- ۱. سبأ/۴۶ تحول الهی این یک تحولی بود که بشر نمی توانست این تحول را درست کند. این تحول الهی بود. یعنی «مقلب القلوب» این کار را کرد. قلبها را از آن وحشت بیرون آورد. از آن وحشتی که از این رژیمها همه داشتند. از آن وحشت بیرون آورد؛ و به جای آن تصمیم امر شجاعت نشانند، به طوری که زنها، بچه ها مردها (به خیابانها ریختند) کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید؛ مقابل توپ و تانک بیاید. این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت این تحول را ایجاد فرمود. و مادامی که ما این تحول را حفظ بکنیم و نهضت را به همان طور که تا حالا آمده است حفظ بکنیم، برای ما پیروزی هست. (۲۵۲) ۲۷/۳/۵۸ تحول روحی این تحول که در ایران پیدا شد، تحول همه جانبه، تحول فکری، تحول روحی، تحولهای دیگر، اینها اعجاز بود که خدای تبارک و تعالی نصیب شما ملت کرد در این زمان. امروز من می بینم گوینده شما بانوان ساحلی، سخنگوی شما بانوان ساحلی، ۱ مسائلی را طرح می کند مسائل روز است؛ مسائل سیاسی روز است؛ مسائل اجتماعی روز است. همان طور که بانوان دیگر، در مراکز، در سایر محال ایران، مسائلی که امروز طرح می کنند مسائل روز است؛ مسائل سیاسی و اجتماعی است. و این تحول به برکت این نهضت اسلامی پیدا شد. و من امید این را دارم که این تحول باقی بماند. و شما بانوان و شما برادران و سایر برادران و خواهران ما جدیت کنید که حفظ کنید این تحول روحی را. دخالت کنید در مسائل سیاسی خودتان، در مسائل اجتماعی خودتان. (۲۵۳) ۱۲/۴/۵۸ ----- ۱. اشاره به گروهی از زنان ساکن مناطق ساحلی جنوب ایران که با حضرت امام دیدار داشتند. تأثیر حرکت خانمها وقتی کشاورز دید که خانمها از خانه ها پاشده اند، از اروپا، اینجا هم همین طور، از دانشگاهها و از دانشکده ها و از مراکز تحصیل جوانها ریختند، زن و مرد- در تلویزیون دیشب هم نشان داد این را- من دیدم ریخته اند اینجا و دارند کمک می کنند به اینها، در روحیه این کشاورزها چه قدر این تأثیر دارد؛ چه قدر اینها را آقا می کند که می بینند خدمه اینها عبارت از دکتر است و مهندس؛ آمدند کمک کار هستند. این ارزشش خیلی است. شما هم که الان میگویید ما مهیایم، این یک تحولی است که خدا این تحول را پیدا کرده. قلب شما بیشتر اصلاً دنبال این مسأله نبود؛ حالا- آمده. کی آورده این را؟ مقلب القلوب خداست. (۲۵۴) ۳۰/۴/۵۸ همدوش بودن خواهران با برادران خواهرهای ما که اشتغال به مسائل دیگر داشتند، الان همدوش با برادرها و مقدم بر آنها به سرنوشت ملت و به سرنوشت کشور خودشان فکر می کنند؛ طرح می دهند، فکر می کنند؛ انتقاد می کنند. این تحولی است که خدای تبارک و تعالی- که مقلب القلوب است- ایجاد کرد. (۲۵۵) ۳۰/۴/۵۸ مقدم بودن بانوان در نهضت خانمهایی که در قبل وضعشان یک نحو دیگری بود و رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها همدوش بلکه مقدم در این نهضت شرکت کردند و این تحولها، تحولهای اعجاز آمیز بود. از آن طرف، تحول دیگری پیدا شد؛ امروز یک دسته از جوانها، زن و مرد، از اروپا آمدند پیش من و گفتند ما آمدیم برای اینکه در روستاها برویم و به مردم خدمت بکنیم. جوانهایی که سابق در مسائل دیگر فکر می کردند امروز در این جور مسائل فکر می کنند. می آیند، از اروپا می آیند، از خارج می آیند، زن و مردشان می آید برای اینکه در روستاها بروند و کمک کنند به روستاییها. چنانچه از داخل، از دانشگاه، طبیب، مهندس، خانمها، همه می روند در این روستاها و کمک می کنند. این حس تعاون یک حسی است که- یک تحولی است- که اعجاز آمیز است و آنچه که هست خدای تبارک و تعالی انجام داده است. (۲۵۶) ۳۰/۴/۵۸ ----- ۱. رژیم شاهنشاهی تحول در جهت احساس وظیفه من امیدوارم که این تحولی که حاصل شده است از برای همه یعنی هم خانمها و خواهرهای محترم ما و هم برادرهای محترم ما احساس وظیفه کردند. این احساس وظیفه بود که همه تان را آورد در خیابانها با فریاد، دشمن خودتان را بیرون کردید. این دخالت مستقیم شما در سیاست بود. (۲۵۷) ۲۶/۶/۵۸ تحول در جهت کار برای مردم من دلخوشم به اینکه یک همچو تحولی در ایران، در همه قشرها، شده است.

الآن در همین قضیه جهاد سازندگی، خوب انسان می بیند که از همه جا اشخاصی که هم تحصیل کرده اند، خصوصاً خانمها، اینها - همین امروز هم در یک مصاحبه ای که بود من گوش کردم - دیدم که میگویند که ما از اول آفتاب می رویم سراغ کار تا غروب. این یک مسأله ای است که یک تحولی است پیدا شده است، یعنی همه با اشتیاق و احساس اینکه باید برای مردم کار بکنیم مشغولند و مستقیماً در شمام همین معنا هست. (۲۵۸) ۲۵/۶/۵۸ تحول اسلامی و انسانی در بانوان اینها تاکنون به چشمشان نخورده بود که یک دسته از خانمهایی که در شهرستان زندگی کرده اند، بروند توی این جمعیهایی که دارند درو می کنند همراه آنان درو بکنند، همچو چیزی به چشمشان نخورده بود، به خیالشان نمی آمد، حالا وقتی که می بیند یک همچو حس انسانی پیدا شده است و این در سایه اسلام پیدا شده و قدرتهای ظاهری نمی تواند یک همچو تحولی را بدهد، تحول اسلامی و انسانی است، این آنها را همچو دلخوش می کند، که کارهاشان و قدرتهایشان را چند مقابل می کند. بنابراین یک تحول انسانی و تحول روحی حاصل شده است که این موجب طمأنینه انسان است؛ موجب اطمینان است. (۲۵۹) ۲۵/۶/۵۸ انجام وظیفه بانوان همین جوانهایی که آن وقت کشیده می شدند طرف شمیران ۱ و آن قضایای شمیران، حالا کشیده می شوند طرف جاهایی که جهاد سازندگی است. همین، همین جوانها. همان زنهایی که آن وقت - هیچ - بی تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین ها هم وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می توانند انجام وظیفه بکنند. (۲۶۰) خدمت بیشتر بانوان من در جامعه زنها یک جور تحول عجیبی می بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده، و آن قدری که این جامعه محترم به اسلام خدمت کردند در این زمان، بیشتر از آن مقداری است که مردها خدمت کردند. (۲۶۱) ۱۰/۱۰/۵۸ شکست سدعظیم شاهنشاهی نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صد ساله را یکشبه طی نموده است. و شما ملت شریف دیدید که زنهای محترم متعهد ایران، پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم. (۲۶۲) ۱۵/۲/۵۹ ----- ۱. منطقه شمال شهر تهران یدالله بودن در آن تحول همه تان، تقریباً همه آنهایی که در میدان وارد بودند؛ زنها، مردها، بچه ها، بزرگها، زنها با بچه های کوچکی که در آغوششان بود، در آن حال هیچ ابداً شبهه شیطانی نبود، هیچ آمال شیطانی تو آن نبود. آن حالتان را یاد بیاورید؛ آن حالی که بالای پشت بامها می رفتید و الله اکبر می گفتید، و شیاطین در اطراف بودند که شما را نشانه بگیرند. در خیابانها می ریختید و مقابله می کردید با آنهایی که از خدا نمی ترسیدند و شما را زیر تانک می خواستند بگیرند. آن حالتان را یاد بیاورید. آن حال، حالی است که ولی شما خدا بود؛ یعنی همه چیزتان الهی بود، همه حرکت، حرکت الهی بود، شماها یدالله بودید در آن وقت، و این جماعت، این جماعتهایی که با هم یکصدا فعالیت می کردند، اینها یدالله بودند؛ یدالله مع الجماعة ۱ آن حال را یادتان باشد، همان حال را حفظش کنید. (۲۶۳) ۶/۳/۵۹ برکت انقلاب برای بانوان اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد؛ این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما. (۲۶۴) ۲۵/۱۲/۵۹ ----- ۱. «دست خدا به همراه جماعت است». مباحث به زنان پرافتخار ایران اینجانب به زنان پرافتخار ایران، مباحث میکنم که تحولی آنچنان در آنان پیدا شد که نقش شیطانی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاہهای تبلیغاتی مزدور را نقش بر آب نمودند، و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه های شوم غرب و غربزدگان آسیب نخواهد پذیرفت. هر چند در طول سلطنت غاصبانه پهلوی با آن بوق و کرناهای تبلیغاتی، بجز مثنی زنان مرفه طاغوتی و وابستگان ساواکی و سرسپردگان آنان دیگر قشرهای میلیونی زنان متعهد که اساس ملت مسلمانند، در دام فریب دلباختگان به غرب نیفتاده و با عمل خود در طول پنجاه سال سیاه با روی سفید نزد خدا و خلق شجاعانه مقاومت نموده اند. لکن در این تحول الهی اخیر، امید کوردلانی را که قبله گاه خود را غرب می دانستند و اکنون هم می دانند، به طور قاطع و برای همیشه قطع نموده اند. (۲۶۵) ۴/۲/۶۰ تحول بزرگ در بانوان ایران آنچه که در ایران بزرگتر از هر چیز بود، تحولی است که

در بانوان ایران حاصل شد. (۲۶۶) ۲/۳/۶۰ نجات ایران بانوان ما را که البته یک حدودی شان را به راه غیر صحیح هدایت کرده بودند و می رفت که باز بیشتر بشود، خداوند به ما عنایت فرمود و نجات داد از آن چیزهایی که به دست استکبار و به دست اشخاصی که نوکر استکبار بودند. خدای تبارک و تعالی ما را از آنها نجات داد، بانوان ما را نجات داد که امروز بانوان ما به طوری غرق در نعمت خدا هستند و خودشان هم شاید از آن نعمتهای بزرگ الهی غافل باشند که حدی ندارد. (۲۶۷) ۱/۱/۶۲ بانوان و تعلیم و تعلم آن تحولی که در جوانهای ما پیدا شده است که از کاباره ها کشیده شده اند به میدان جنگ با کفار، از مراکز فساد کشیده شدند به مراکز صلاح و دعا و نیایش، بانوان ما که آن طور با آنها ظلم شده بود امروز در سرتاسر کشور مشغول تعلیم و تعلم هستند و مشغول جهاد هستند فی سبیل الله. (۲۶۸) ۲۵/۵/۶۲ خدمت اسلام به بانوان این، اسلام که در ایران زنده شد، آن خدمتی را که به بانوان کرده است و خواهد کرد ارزشش به اندازه ای است که نمی توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود. (۲۶۹) ۱۹/۱/۶۳ زنان مکتبی در طایفه ی نسوان شما ملاحظه کنید آن وقت چه خبر بود، حالا- چه خبر است. زندهای ما حالا مکتبی شده اند. (۲۷۰) ۵/۶/۶۴ شرکت در کارهای سازندگی آیا زنها در ایران دیگر کنار رفتند بکلی، یا همدوش مردها در کارهای سازنده داخلند؟ شما می خواهید که زندهای این جا هم بی بند و بار باشند؟ هر جور می خواهند باشند؟ این بر خلاف آن تحولی است که در خود زنها پیدا شده، بر خلاف آن تحولی است که در کشور ما بر ملت ما پیدا شده است. (۲۷۱) ۲۲/۱۱/۶۴

پیشقدم بودن زنان در نهضت

عبرت گرفتن مردان از بانوان شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید. مردها از شما الهام گرفتند. مردهای ایران از مخدرات ایران، از بانوان ایران عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند. و مردان قم هم از شما بانوان عزیز عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند. شما در صف جلو نهضت هستید. (۲۷۲) ۱۷/۱۲/۵۷ در صف اول بودن آنها در صف اول واقع هستند برای اینکه مردها هم از آنها شجاع شدند، از مجاهدات آنها تشجیع شدند. (۲۷۳) ۱۷/۱/۵۸ پیشاپیشی در نهضت شما بانوان در ایران ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید. شما سهم بزرگی در این نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید. (۲۷۴) ۲۱/۱/۵۸ ----- ۱. اشاره به غرب زدگان مدعیان آزادی زن. پیروزی مدیون بانوان خداوند نگهدار همه شما باشد. این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. (۲۷۵) ۲۴/۱/۵۸ مرهون زحمات خانمها بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرأت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانمها هستیم و همیشه دعا به همه و همه ملت و شماها می کنیم. (۲۷۶) ۲۴/۱/۵۸ در صف مقدم بودن من از شما بانوان محترم که همدوش برادران خودتان- بلکه در صف جلو- در این نهضت بودید تشکر می کنم، و من امیدوارم که باز شما در صف مقدم باشید و این نهضت را به آخر برسانید که حکومت اسلامی ان شاءالله تأسیس بشود و تمام اقشار ملت- تمام مستضعفین- به حقوق حقه خودشان برسند. خداوند شماها را حفظ کند و برای اسلام و مسلمین نگه دارد. (۲۷۷) ۴/۲/۵۸ بانوان، رهبران نهضت نام بزرگ ملت ایران در عالم به رشد سیاسی ثبت شد. نام بزرگ قم در بین ملت ایران به رشد سیاسی و فعالیت و جانفشانی در تاریخ ثبت شد. نام بزرگ «چهارمردان» در فداکاری و جان نثاری در تاریخ عالم ثبت شد. نام بزرگ بانوان ایران ثبت شد. نام بزرگ بانوان قم ثبت شد. نام بزرگ بانوان «چهارمردان» ثبت شد. بانوان قم و بانوان «چهارمردان»، پیشرو این نهضت اسلامی بودند؟ رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند؛ نهضت را راهنمایی کردند. شما رهبران نهضت هستید. بانوان، رهبر نهضت ما هستید، ما دنباله آنها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شمایم. (۲۷۸) ۵/۲/۵۸ شکستن قدرت شیطانی ما نهضت خودمان را مرهون زنها می دانیم. مردها به تبع زنها در خیابانها می ریختند. تشویق می کردند زنها مردان را. خودشان در

صفهای جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می تواند یک قدرت شیطانی را بشکند. (۲۷۹) ۲۶/۲/۵۸ پیش بردن نهضت با هم باشید همه تان. همه با هم باشید. شما یک نصیب زیادی در این نهضت دارید. می شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند؛ برای اینکه بانوان ریختند توی خیابانها. در صورتیکه بانوان بنا بر این نبود که بریزند در خیابانها، ریختند توی خیابانها. مردها اگر یک سستی هم ----- ۱. اشاره به محله ی معروف قم که ساکنین آن در جریان مبارزات علیه رژیم شاه نقش چشمگیری داشتند. احتمال می رفت در آنها باشد، همین معنا آنها را شجاع کرد. مرد وقتی دید زنها آمده اند مشغول یک عملی هستند، مردها شجاع می شوند. شما بودید که این پیروزی را نصیب اسلام کردید، و شما سهم زیادی در این پیروزی دارید، این سهم را نگه دارید. (۲۸۰) ۱۱/۳/۵۸ پیشقدم بودن بانوان من از شما بانوان محترم تشکر می کنم که از راه دور آمدید و با من ملاقات کردید. من دعا به شما می کنم. خداوند شما را سعادتمند کند. و تشکر می کنم که در این نهضت پیشقدم بودید. بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند؛ و مثل بانوان صدر اسلام بودند. نهضت ما به واسطه آنها به پیش رفت؛ و امیدوارم که این نهضت به واسطه شما به پیش برود. (۲۸۱) ۲۸/۳/۵۸ سهم بودن بانوان در نهضت خانمها، که تشریف آورده اند اینجا و خیلی هم در این مسائل سهم و شریک هستند، در این نهضت سهم هستند، شریک هستند بلکه باید گفت که اینها پیشقدم هستند. (۲۸۲) ۱۱/۴/۵۸ رهین منت بانوان ما رهین منت بانوان بیشتر از جوانهای مردشان هستیم. بانوان در ایران بسیار حظ وافر داشتند؛ یعنی بانوان که بیرون می آمدند، مردم تهییج می شدند؛ دو مقابل، چند مقابل می شد قدرت مردم، در عین حالی که هیچ نداشتند الا قوه ی ایمان. (۲۸۳) ۲/۶/۵۸ قدم گذاشتن در راه اسلام من امیدوارم که شما بانوان که همیشه در این نهضت پیشقدم بودید و هدایت کردید تقریباً شما بانوان دیگران را و دیگران نظر به اینکه شماها پیشقدم شدید، بیشتر قوت پیدا کردند، ان شاءالله موفق باشید؛ سلامت باشید؛ سعادتمند باشید و همین طور که تا حالا با وحدت کلمه و قدرت و قوه ایمان تا اینجا رسیدید، از اینجا به بعد هم قدم به قدم، که احتیاج دارد اسلام به وجود همه، همه ملت قدم به قدم پیش برویم، تا ان شاءالله تمام مطالب موافق اسلام عمل بشود. سلام بر همه تان. (۲۸۴) ۲۲/۶/۵۸ سهم بزرگ بانوان در نهضت آمدن شما خانمها به خیابانها و میدانهای مبارزه موجب این شد که مردها هم قوه پیدا بکنند، تقویت بشوند؛ روحیه آنها هم با آمدن شما تقویت بشود. شما سهم بزرگی در این نهضت دارید لکن در نیمه راه هستیم. (۲۸۵) ۲۲/۶/۵۸ قدرتمند کردن مردان باید تشکر کنیم از خانمها که در این نهضت یک قدم راسخی داشتند، و یک کمک بزرگی به ملت کردند. این خانمها بودند که وقتی که به خیابانها و کوچه ها ریختند و فریاد زدند، تشییع کردند، تشییع کردند مردها را و قدرتهای آنها را چند مقابل کردند. و لهندا شما علاوه بر اینکه خودتان را قدرتمند کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید. (۲۸۶) ۱۷/۷/۵۸ اشتغال در جهاد سازندگی در این جهاد سازندگی که گاهی وقتها می بینیم خانمها هم رفتند و مشغول شدند، خوب، البته از خانمها ساخته نیست که مثل یک رعیتی، مثل یک اشخاصی که ورزیده اند در آن امور کار کنند، لکن همان رفتنشان در بین این رعایا و بین این کشاورزان، همان رفتن و اشتغال پیدا کردن به همان مقداری که می توانند، این باعث این می شود که قدرت آنها چند مقابل می شود. وقتی آنها ببینند که از شهرها خانمهای محصل، خانمهای محترم، آمدند و در دهات مشغول کمک هستند به برادرهای خودشان، قدرت آنها چند مقابل می شود. و این یک عمل بسیار ارزنده ای است. ولو عمل خودش به حسب حجمش کوچک باشد، لکن حجم معنویش خیلی زیاد است. (۲۸۷) ۱۷/۷/۵۸ کمک به نهضت شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشتید؛ و در همه جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها؛ و موجب قدرت شدید نسبت به آنها. از این جهت هم تشکر می کنم. (۲۸۸) ۲۰/۷/۵۸ زحمت در جهت تحقق اسلام این همه زحمت کشیدید شماها. خداوند همه تان را حفظ کند. و این همه زن و مرد این کشور و خصوصاً این خانمها که در صف اول بودند، در این نهضت. و آن قدر زحمت کشیدند برای اینکه اسلام تحقق پیدا بکند. همه نظرشان به این بود که یک جمهوری اسلامی، یک عدل الهی پیدا بشود. (۲۸۹) ۲۵/۹/۵۸ خدمت مردان مرهون خدمت زنان مردها هم بسیار مرهون خدمت زنهاست. در مردها یک حسی است که اگر ببینند زنها بیرون آمدند

از خانه‌ها برای یک مقصدی، اگر قوه‌شان یکی باشد، ده تا می‌شود، و در مملکت ما این طور شد که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه‌ها بیرون آمدند و در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند. جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، مع ذلک رنج کشیدند و عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند. و مردها هم بسیاری به تبع زن‌ها این کار را کردند. (۲۹۰) ۱۰/۱۰/۵۸

بلند شدن نهضت از نفس توده مردم این نهضت از نفس توده مردم، از نفس توده زن و مرد مردم بلند شد و به همان طور که مردها وارد میدان بودند بانوان محترم هم وارد بودند، بلکه حظ اینها و زحمات اینها بیشتر از مردها باید گفت بود؛ برای اینکه وقتی که بانوان می‌آیند در میدان، قوه‌ی مردها دو چندان می‌شود یا ده چندان می‌شود. مردها نمی‌توانند ببینند که خانمها در میدان آمده‌اند و آنها کنار بروند. (۲۹۱) ۲۱/۴/۵۹ حضور در صحنه برای اسلام و قرآن خانمها برای اینکه یک چیزی مثلاً دستشان بیاید یا یک فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی‌آیند بیرون، خودشان و بچه‌هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانمها را آورده است بیرون و همدوش مردها بلکه جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرده. (۲۹۲) ۲۱/۴/۵۹ حضور در میدان نبرد یک همچو واقعه‌ای که در ایران واقع شد این عمقش را باید این اشخاص که نظر دارند بفهمند قضیه چیست؟ در چه موقع بود در طول این پنجاه سالی که خوب، بسیاری یادشان هست یا ده- بیست سالی که همه تان یا اکثران یادتان هست، چه وقت بود که همان طوری که مردها وارد در میدان نبرد بودند، زن‌ها هم وارد بودند؛ زن‌ها هم جلو می‌افتادند. (۲۹۳) ۲۱/۴/۵۹ بانوان در صف مقدم ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد مقاصد اسلامی هست آسیب نخواهد دید. (۲۹۴) ۲۶/۵/۵۹

----- ۱. اشاره به حضور گروهی از زنان استان کرمانشاه که به ملاقات حضرت امام آمده بودند. مصمم بودن بانوان من از شما بانوان محترم ۱ که از راه دور آمدید، از نزدیک سرحدات آمدید تشکر می‌کنم. و من امیدوارم که همان طور که تا حالا مصمم بودید که جمهوری اسلامی را به ثمر برسانید، از حالا به بعد هم این تصمیم را داشته باشید و با صفوف فشرده جلوی مردها در پیشبرد اهداف اسلامی اقدام کنید. (۲۹۵) ۲۸/۵/۵۹ افتخار بودن نقش بانوان نقش زن‌ها بالاتر از مردها اگر نبود، کمتر نبود. آنان در میدانها حاضر شدند و به واسطه حضور آنها در میدانها، مردها اگر قوتشان کم بود، زیاد شد، و اگر قوی بودند دوچندان شد. و آنچه که خود شما شاهد بودید در این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی حاضر است، در این انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از نقش مردها بالاتر بود. یعنی شما هم خودتان فعالیت می‌کردید و هم مردها را به فعالیت می‌کشاندید. بنابراین افتخاری که شما ایجاد کردید قابل تقدیر فراوان است. (۲۹۶) ۱۹/۱/۶۳ پیشقدم شدن بانوان موجب حرکت مردان چنانچه یک عده از زن وارد بشوند در- فرض کنید- یک محلی که محل جنگ است، علاوه بر اینکه خودشان جنگ می‌کنند، مردها را که یک احساسی دارند نسبت به زن‌ها، حساسیت دارند نسبت به زن‌ها، مردها را قوه‌شان را دو چندان می‌کنند. این طور نیست که اینها اگر- فرض کنید- بروند دفاع کنند، فقط خودشان دفاع کرده‌اند؛ خیر، دفاع کرده‌اند، خودشان دفاع کرده‌اند و دیگران هم به دفاع وارد کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن، مرد اگر صد نفر مرد را ببیند که می‌کشند، ممکن است خیلی (ناراحت) نشود، اما اگر یک زن را ببیند که بی‌احترامی می‌کنند حساسیت دارد ولو اجنبی باشند آن زن، هیچ کار هم به او نداشته باشد، این یک حساسیتی است که مردها دارند. بنابراین، پیشقدم شدن شما در همه مسائل من جمله مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه‌ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه‌ای، اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند، مردها هم قویتر بشوند. (۲۹۷) ۱۱/۱۲/۶۴ موفقیتها مرهون خدمات بانوان ما بسیاری از موفقیتها را مرهون خدماتهای شما بانوان می‌دانیم. شما هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می‌کنید، فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید. و شما بودید که در زمان طاغوت تحت رنج و شکنجه روحی واقع شدید و بحمدالله با قدرت خودتان و تعهد خودتان آن قدرت شیطانی غرا (را) از صفحه‌ی روزگار بیرون کردید و نگذاشتید که آن خیالهایی که آنها در سر خودشان و در خاطر خودشان پخته بودند، آن خیالها به نتیجه برسد. و خدا می‌داند که اگر نبود این نهضت، و نبود کوشش ملت ایران از زن و مرد و جوان و پیر و بزرگ و کوچک، این ملت همه چیزش را از دست داده بود و می

حضور شجاعانه زنان در تظاهرات

حق بیشتر بانوان من به همه ی اقشار ملت خصوصاً بانوان که سهمی بسزا در این نهضت مقدس دارند و داشتند علاقه متواضعانه دارم و بانوان را در این نهضت پیشقدم می دانم؛ و کراراً گفته ام که بانوان حق بیشتری بر اسلام دارند؛ و خصوص بانوان جنوب شهر تهران، انگیزه ی قیام اسلامی هستند، و راهنمای سایر اقشار. (۲۹۹) ۲/۲/۵۸ قیام زنها هیچ اشکالی نیست که بعد از اینکه ملتها بیدار شدند و بعد از آنکه حتی زنها قیام کردند بر ضد دولت و بر ضد این جباران، یک همچو ملتی پیروز می شوند ان شاءالله. (۳۰۰) دی ۱۳۵۶ تظاهرات بانوان ملتی که حتی بانوان محترمه اش با تظاهرات محجوبانه بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می کنند، پیروز است. (۳۰۱) ۲/۱۱/۵۶ پایداری در راه کوبیدن ستمکاران شما مردان و زنان تاریخ باید پایداری در راه کوبیدن ستمکاران و دفاع از حق را به جهانیان و نسلهای آینده ثابت کنید. (۳۰۲) ۱۴/۷/۵۷ فداکاری زنان شما در چه تاریخی چنین دیده اید؟ امروز زندهای شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟ (۳۰۳) ۲۰/۷/۵۷ نقش ارزنده بانوان در مبارزات سؤال: (مشارکت فعال زنان در انقلاب چه معنایی دارد؟) جواب: زندانهای شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است. در تظاهرات خیابانی زنان ما، بچه های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل، به میدان مبارزه آمده اند. جلسات سیاسی ای که زنان در شهرهای مختلف ایران، برپا می کنند کم نیست، آنان نقش بسیار ارزنده ای را در مبارزات ما ایفا کرده اند. مادران شجاع فرزندان اسلام، خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده اند. در چه تاریخی این چنین زنانی را سراغ دارید و در چه کشوری؟ (۳۰۴) ۲۰/۸/۵۷ حضور در صفوف مردم شما سرنیزه ها را گذاشتید طرف مردم ولی مردم آمده اند سینه هایشان را سپر کردند در مقابل سرنیزه های شما! بچه ها هم آمدند، زنها هم آمدند. زنها این بچه های کوچکشان را بغل کردند آمدند در صف مردم. (۳۰۵) ۱۸/۹/۵۷ فریاد بانوان روز سکوت نیست، روز فعالیت است. هر کس در هر منصبی که هست، در هر مقامی که هست نباید ساکت باشد. این فریادی که اینها می زنند- زنها را شما ببینید چه فریاد می زنند، مردها چه فریاد می زنند- اینها پشتوانه شما هستند «شَكَرًا لَهِ سَعْيُهُمْ». اگر اینها نبودند ما هیچ قدمی بر نمی داشتیم؛ اینها هستند که ما را وادار می کنند به قدم برداشتن. (۳۰۶) ۱۳/۱۱/۵۷ مردان مرهون شجاعت زنان مردان ما مرهون شجاعتهای شما زندهای شیردل هستند. (۳۰۷) ۱۳/۱۲/۵۷ جانفشانی بانوان من از همه، خصوصاً از این بانوان محترم که همیشه جانفشانی کردند و نهضت ما را به ثمر رساندند و می رسانند، تشکر می کنم. خداوند همه شما را عزت، و اسلام را عظمت عنایت فرماید. (۳۰۸) ۵/۲/۵۸ نهراسیدن از دشمن این معجزه است که خانمها را در مقابل تانک و توپ، در مقابل مسلسلها، در مقابل توپها و تانکها برقرار کرد و از هیچ چیز نهراسیدید. این نور قرآن و اسلام است که در دلهای شما و در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است. این نور ایمان است که شما خانمها هم از شهادت نمی هراسید. (۳۰۹) ۱۶/۲/۵۸ سهم بانوان در به ثمر رساندن نهضت از خواهران عزیز که در اینجا اجتماع کرده اند و با تظاهر خودشان پشتیبانی از نهضت می کنند متشکرم. خداوند شما را حفظ کند و برای اسلام نگه دارد. شما سهم بزرگی در این نهضت دارید و داشته اید. این نهضت را شماها باید به ثمر برسانید و می رسانید. (۳۱۰) ۱۶/۲/۵۸ کمک به مستمندان من از شما تشکر می کنم از اینکه در نهضت ما کوتاهی نکردید و همدوش با مردها قیام کردید، و از اینکه کمک به مستمندان نمودید. (۳۱۱) ۲۰/۲/۵۸ مبارزه علیه استبداد و استعمار شما خانمها، خانمهای همه ایران- و خصوص خانمهای قم- در این نهضت سهیم هستید و در مبارزات ما علیه استبداد و استعمار همدوش با مردها کمک کردید. خداوند شما را حفظ کند. (۳۱۲) ۲۰/۲/۵۸ کمک به نهضت ما دیدیم که عضو فعالی که کار از او می آید، آنکه در این نهضت خدمت کرد، شماها بودید. شما بودید که با همین وضعی که الآن اینجا حضور دارید با همین وضع در

خیابانها ریختید و به نهضت کمک کردید. (۳۱۳) ۲۶/۲/۵۸ ----- ۱. اشاره به خانمهای محجبه ای که به ملاقات حضرت امام آمده بودند. تربیت اسلامی منشأ پیروزی نهضت شما دیدید، ما دیدیم، که زن در این نهضت چه کرد. تاریخ دیده است که چه زنهایی در دنیا بوده است، و زن چیست. تاریخ دور است؛ ما خود دیدیم که چه زنهایی تربیت کرده است اسلام، چه زنهایی در این عصر اخیر قیام کردند. و آنها که قیام کرده اند همین زنهای محجوبه جنوب شهر و قم و سایر بلاد اسلامی بود. آنها که به تربیت آریامهری تربیت شدند ابداً در این امور دخالت نداشتند. آنها تربیتهای فاسد شده بودند؛ از تربیتهای اسلامی آنها را دور نگه داشتند. اینهایی که تربیت اسلامی داشتند خون دادند، کشته دادند، به خیابانها ریختند، نهضت را پیروز کردند. (۳۱۴) ۲۶/۲/۵۸ ایستادگی در مقابل جباران زنهای عصر ما بحمدالله شبیه به همانها ۱ هستند. ایستادند در مقابل جبار با مشت گره کرده؛ بچه ها در آغوششان، و به نهضت کمک کردند. (۳۱۵) ۲۶/۲/۵۸ نفی رژیم شاهنشاهی زنها هم بچه هایشان را بغل می کردند می آمدند بیرون (...). آنکه رمز بود این بود که همه با هم بودند، و همه هم فریادشان این بود که ما این رژیم فاسد را نمی خواهیم و ما یک جمهوری اسلامی می خواهیم. (۳۱۶) ۳۱/۲/۵۸ ----- ۱. اشاره به زنهایی مثل حضرت زینب (علیها السلام) که در مقابل جنایتکاری مثل یزید ایستاد و از حق دفاع کرد. بی اعتنایی به قدرتهای شیطانی اینهایی که در خیابانها ریختند و با صدای «الله اکبر» و با مشت فشرده و با ایمان، اعتنا به قدرتهای شیطانی نکردند همین زنهای محترم و مردهای عزیز محترم بودند که از طبقه محروم در آن رژیم بودند. اینها بودند که توانستند این قدرت شیطانی را بشکنند و این سد را خرد کنند و اینها هستند که از این به بعد باز تکلیف دارند؛ یعنی همه تکلیف داریم. (۳۱۷) ۳/۳/۵۸ خون دادن برای اسلام شما زحمت کشیدید، زن و مرد زحمت کشید، به خیابانها ریخت، جورها کشید، خونها داد که اسلام را زنده کند؛ برای اسلام خون داد، برای شهادت داوطلب شد. آنکه می خواست ملت ما، آنکه به او رأی داد ملت ما، «جمهوری اسلامی» بود. اسلام مورد نظر بود. (۳۱۸) ۴/۳/۵۸ ارزش عمل بانوان بانوان هم (در) همین معنا شریکند که در وقتی که همه خطرها بود، هم شما در خیابانها رفتید، هم آن بانوان محترمه. و هیچ کس هم شما را الزام نکرده بود که بیایید بریزید در خیابان، یا بروید پشت بامها «الله اکبر» بگویید و مورد اصابت گلوله مثلاً شاید واقع بشوید. این قدرت ایمان بود که شما را به خیابانها کشید و بانوان را به خیابانها. و ارزش عمل همین است. (۳۱۹) ۲۸/۳/۵۸ مقاومت در استمرار مبارزه ای جوانهایی که در مقابل توپ و تانک رفتید، ای خواهرهایی که جوانهای خودتان را از دست دادید و خودتان هم در بین مردم تظاهر کردید و الله اکبر گفتید! حفظ کنید خودتان را. نهضت خودتان را حفظ کنید. نشینید دیگران برای شما کار نکنند. اینها برای شما کار نمی کنند. همان طور که اجانب کار نمی کنند، اینها هم کار نمی کنند. (۳۲۰) ۸/۸/۵۸ «استقلال، آزادی...» شعار بانوان آن روزی که ملت ما در خیابانها ریختند، از بانوان محترمه و جوانهای محترم، ببینیم اینها چه می خواستند. آنکه خواستند شده است یا نشده است؟ آنهایی که می خواستند، آنکه از سرتاسر کشور فریادش در خیابان و در کوچه ها و در مدارس و در همه جا بلند بود این بود که «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی». این سه تا کلمه بر سر زبان همه بود. (۳۲۱) ۱۶/۸/۵۸ بیرون آمدن اسلام از قید اسارت بیگانگان رحمت خدا بر شما شیردلانی که به همت والای شما اسلام از قید اسارت بیگانه بیرون آمد! سلام خدای تبارک و تعالی بر ملت ایران، بانوان آنها و مردان آنها! شما بانوان شجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید. من از تمام زنهای ایران، تمام بانوان ایران و از بانوان قم تشکر می کنم. خداوند از شما راضی باشد. امام عصر ار شما دلخوش باشد. شما با بچه های کوچک خودتان در خیابانها آمدید و از اسلام پشتیبانی کردید. من اخبار قم و سایر بلاد را می شنیدم؛ من اخبار «چهارمردان» را می شنیدم. من در خودم غرور احساس می کنم برای این شجاعتها. (۳۲۲) ۱۳/۱۲/۵۷ به عشق اسلام مبارزه کردند ملت ما عاشق اسلام بود که در همه ی اطراف با دست تھی سینه های خودشان را سپر کردند، جوانهای خودشان را بردند در میدان، زنها و مردها رفتند و مبارزه کردند و پیروز شدند. (۳۲۳) ۲۹/۲/۵۹ حضور و انسجام در صحنه زنها هم بچه های کوچکشان را به آغوش می کشیدند و اگر دو تا بود یکی اش

هم دستش را می گرفتند و وارد می شدند در تظاهرات و در مقابل این توپ و تانک و امثال اینها. چه وقت در ایران شماها و ما یادمان هست که اینطور انسجام باشد بین گروههای مختلف ملت، و اینطور در امور کشوری و سیاسی همه حضور داشته باشند؟ اگر یکوقتی یک قصه ای هم در کشور واقع می شد حتی مردها هم، یک محله ی تهران اصلاً، مطلع از این چیزها نمی شدند؛ خانمها هم بی تفاوت بودند، مردم هم بی تفاوت بودند، آنها هم که مطلع می شدند بی تفاوت بودند. این حضوری که الآن تمام قشرهای ملت دارند این حضور هیچ وقت نبوده است. همه افراد ملت الآن در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می دانند؛ اگر یک مطالبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد، اینطور نیست که بی تفاوت باشند، مردم کار نداشته باشند، خانمها هم مشغول کار دیگری باشند. خیر، این جور نیست. حالا شما خانمها که خداوند تأییدتان کند و شما پاسدارها که خداوند همه تان را تأیید کند با هم حاضرید در صحنه. (۳۲۴) ۲۱/۴/۵۹ ----- ۱. اشاره به محله ی معروف قم که ساکنین آن در جریان مبارزات علیه رژیم شاه نقش چشمگیری داشتند. قیام برای خدا شما بانوان محترم برای خدا قیام کردید و برای خدا در این قیام پایدار هستید و آسیب نخواهید دید. هرچه می توانید این صفهای خودتان را فشرده تر کنید و انقلاب را حفظ کنید و به پیش بروید. (۳۲۵) ۲۶/۵/۵۹ غیرقابل مقایسه بودن خانمها با زمان شاه بانوان ما امروز با بانوان زمان «اعلیحضرت» یکی است؟ ما اسمش را تغییر داده ایم؟! جمهوری اسلامی فقط یک اسمی است بی محتوا؟ مردها همان مردها و زنهای همان زنهای، و همه چیزش همان چیز؟ آیا زنهای زمان طاغوت، آنها که در تلویزیون پیدا می شدند، آنهايي که در خیابانها پخش بودند همانها هستند اینها؟! یا آنها به جهنم رفتند، بانوان ما مثل مردان شجاع و مثل شیران شجاع بیرون آمدند، و جمهوری اسلامی را به دست خود و برادرهایشان اقامه کردند؟ (پس) محتوا همان نیست و لفظ عوض شده باشد؛ یعنی الآن در خیابانهای ما همه اینهایی که در خیابان هستند از همان عروسکهای زمان سابق است، ما لفظش را عوض کرده ایم؟! یا نه، محتوا عوض -----

-- ۱. اشاره به بعضی پندارهای غلط که مدعی بودند صرف نظر از پاره ای ظواهر، محتوای نظام جمهوری اسلامی با رژیم شاه تفاوت نکرده است. شده است؟ (۳۲۶) ۱۲۷/۱۱/۵۹ ایستادگی و مقاومت چه افتخاری بالاتر از اینکه زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق، و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابرقدرتها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده اند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است. (۳۲۷) ۲۵/۱/۶۱ کوتاه کردن دست ستمکاران شک نیست که توده های زنان مذهبی، خصوصاً محرومان جامعه مقاومت نمودند، ولی برای استعمارگران خائن در بسیاری از قشرهای مرفه و عشرت طلب توفیق حاصل شد و اینان بازار را برای اربابان گرم کردند. و اکنون نیز که با عنایت خداوند متعال و فعالیت ملت عظیم الشان بویژه بانوان و زنان شیر دل، دست ستمکاران کوتاه شده است، هنوز اقلیتی ناچیز به کارهای جاهلانه خود ادامه می دهند؛ و امید است ان شاءالله تعالی آنان هم از حيله های شیاطین بزرگ و کوچک آگاه شده و از دم فریب آنان برهند.

(۳۲۸) ۲۵/۱/۶۱

کمکهای مالی زنان به مستضعفین

مجاهدات عظیم زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده اند و هم مجاهدات مالی. این طبقه محترم زنهای که در جنوب تهران و در شهر قم و در سایر شهرها هستند، همین خانمهای محجبه، همینها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیشقدم بودند و در ایثار مال هم پیشقدم. ایثار کردند جواهرات و طلاهایی که دارند، برای مستضعفین، عمده در این امور آن قصد پاک است. خداوند چند آیه برای چند قرص نان که حضرت امیر- سلام الله علیه- و عائله اش صدقه دادند،... چند آیه نازل فرمود. این آیات برای قرص نان نیست، این آیات برای اخلاص، برای آنکه برای خدا بود. ارزش اعمال به معنویات اعمال است. خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند ارزش اعمال آنها بیشتر بود از ارزش اعمال مردها، آنها با پرده های عفاف بیرون آمدند و با پرده عفاف با مردان هم

صدا شدند و پیروزی را تحصیل کردند و حالا هم با قصد خالص آنچه که در ایام عمر تهیه کردند برای مستمندان دادند. این ارزش دارد، متمکنین اگر میلیونها بدهند، به قدر ارزش این نیست. (۳۲۹) ۲۷/۲/۵۸ اهدای جواهرات زنها پولهایشان را دادند، زر و جواهراتشان را، اقشار مختلف و زیادی از خانمها آمده اند آن چیزهایی که در عمرشان ذخیره کرده اند، حالا برای این مستضعفین دارند می دهند که خانه بسازند. (۳۳۰) ۳۱/۲/۵۸ ارزش کمکهای بانوان خداوند شما مؤمنات را حفظ کند که در نهضت اسلامی حظ کافی داشتید، و الان هم برای مستمندان کمک کردید؛ و کمکهای شما بسیار با ارزش است. کمکهای بانوان ارزشش چند برابر کمکهای مردان است. خداوند شما را حفظ کند. (۳۳۱) ۵/۳/۵۸ عمل به حقوق بشر این زنهای اطراف شهر قم و زنهای جنوب تهران و زنهای جنوب همه شهرستانها. جنوب به معنای اینکه شما ۱ می گوئید اینها پایین هستند. اینها حقوق بشر را می دانند و عمل می کنند. اینها طلاهایشان که ذخیره یک پنجاه سال، بیست سال، سی سالشان بود آمدند برای مستمندان دادند. شما چه کردید؟ شماها چه کردید؟ (۳۳۲) ۱۵/۳/۵۸ ----- ۱. اشاره به غرب زده ها و عناصر ضد انقلاب.

فصل پنجم: زنان و دفاع مقدس

وجوب دفاع از اسلام و مملکت اسلامی بر زنان

وجوب دفاع در حد توان سؤال: (وظیفه زنان مسلمان در امر جهاد حق علیه باطل چیست؟) جواب: جهاد بر زنها واجب نیست ولی... دفاع بر هر شخصی در حدود توانایی و امکانات واجب است. (۳۳۳) *** دفاع از ملت و کشورهای اسلامی خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثت اسلامی و ملی خود دفاع کنید؛ و بی پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکا و صهیونیسم بین المللی و ابرقدرتهای شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه ای، از ملتها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ و مظالم دشمنان اسلام را بر ملا کنید. (۳۳۴) ۷/۷/۵۸ همه باید دفاع کنند اگر یکوقت خدای نخواست، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همه مردم، یعنی مرد و زن مسأله دفاع دیگر اینطور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته ای باشد، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان. (۳۳۵) ۵/۱۰/۵۸ دفاع از کشور من از برادران و خواهران کردستانی می خواهم که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنار هم از کشور خود دفاع کنید. (۳۳۶) ۱۲/۱/۵۹ وجوب دفاع بر همه ما الآن که با قدرتهای بزرگ دنیا مواجه هستیم، حال دفاعی داریم. یعنی ما مدافع از آن چیزهایی که نهضت ما، قیام ما برای ما هدیه آورده است، و از اهداف اسلامی و از کشور اسلامی خودمان و از تمام چیزهایی که مربوط به اسلام و مربوط به کشور است در حال دفاع هستیم، و در حال دفاع، بسیج باید عمومی باشد. یعنی قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه ی دفاع قضیه ی دیگر. قضیه جهاد یک شرایطی دارد. برای اشخاص خاصی هست. برای گروه معینی هست با شرایطی. لکن قضیه دفاع، عمومی است. مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر، جوان همان طوری که عقل انسان هم آن حکم می کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی، اهالی آن منزل، هر یک که هست دفاع می کنند از خودشان. چنانچه هجوم آورد کسی به شهر یک کسی، اهالی شهر برای حفظ جهات خودشان دفاع می کنند. دیگر اینجا هیچ شرطی نیست. همه دفاع باید بکنند. و اگر به کشور ما، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند. و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد. باید دفاع بکنند. حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او نمی آید باید شرکت کند در دفاع. آنقدر که می تواند دفاع کند. (۳۳۷) ۲۸/۱/۵۹ ایستادگی باکمال قاطعیت برادرهای من، خواهرهای من، ما در یک موقعیتی واقع هستیم که باید هوشیارانه با آن مواجه باشیم. ما با یک ابر قدرتی در طرف غرب و یک ابر قدرتی در طرف شرق مواجه هستیم، که هر دوی آنها می خواهند ما را ببلعند. ما به

خواست خدای تبارک و تعالی و همت برادرها و خواهرهای ایمانی ایران در مقابل همه آنها با کمال قاطعیت ایستادیم، و اجازه نخواهیم داد که هیچ قدرتی با ما مواجهه کند، و تصرف در مقدرات ما کند. و شما هیچ از این قدرتهای بزرگ نترسید که شما در پناه خدا هستید و قدرتها همه فانی هستند در مقابل قدرت خدای تبارک و تعالی. (۳۳۸) ۲۸/۲/۵۹ دفاع از اسلام، مسأله عقیده است مرد و زن این کشور همه پاسدار اسلام هستند. مسأله، مسأله ی عقیده است نه مسأله، مسأله مادیت و به دست آوردن یک چیزی تا اینکه بیایید بگویند که خوب، وقتی نمی شود دیگر برویم کنار. خیر، مسأله عقیده است، دفاع از اسلام (است) تا آن آخر فردی که زنده است باید دفاع بکند. یا ۳۵ میلیون جمعیت باید از بین بروند؛ (بنابراین) کشوری دیگر نیست تا اینکه کودتایی باشد و هرگز نخواهد اینطور شد. اینها اشتباه دارند، نمی فهمند. (۳۳۹) ۲۱/۴/۵۹ دفاع از اسلام و قرآن، بر همه واجب است ای عشایر غیور دجله و فرات و ای رزمندگان و سلحشوران! پیاخیزید و از اسلام دفاع کنید و قرآن و احکام آن را حفظ کنید که بر تمام مسلمین، چه زن و چه مرد، دفاع از اسلام و قرآن کریم واجب است. (۳۴۰) ۱۲/۷/۵۹ دفاع یک امر عمومی ما وظیفه داریم که این اسلامی که الان به ما رسیده حفظش کنیم تا آن فرد آخری هم که - خدای نخواستہ - کشته می شود، موظف برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلف اند که دفاع کنند. مسأله دفاع یک امر عمومی است برای همه؛ هر کس قدرت دارد دفاع کند. به هر مقدار که قدرت دارد دفاع کند از کشور اسلام، باید دفاع کند. (۳۴۱) ۲۷/۵/۶۰ آمادگی برای دفاع وقتی کشور اسلام مورد تهدید دشمنهای اسلام است، دفاع از کشور اسلام و نوامیس مسلمین بر همه ما، بر تمام ما واجب است؛ با همه کوشش واجب است. وقتی یک همچو مطلبی پیش آمد و شما هم بحمدالله، همه کشور ما، هم زن و مردش آماده برای این مسأله هستند، دیگر خوف این نیست که از پاریس یک دسته راه بیفتند بیایند چه بکنند یا از یک جای دیگر می خواهند بیایند چه؛ نه این خوفی نیست. یک دفعه هم تجربه اش را کردند و صدام را رها کردند تا پرید به ایران و سیلی اش را هم خورد. (۳۴۲) ۲۷/۵/۶۰ دفاع از اسلام، زن و مرد نمی شناسد من امیدوارم که شما... هم در میدان تحصیل که یکی از امور مهمه است مجاهده کنید و هم در میدان دفاع از اسلام، این از مهماتی است که بر هر مردی، بر هر زنی، بر هر کوچک و بزرگی جزء واجبات است. دفاع از اسلام، دفاع از کشور اسلامی، احدی از علمای اسلام، احدی از اشخاصی که در اسلام زندگی کرده اند و مسلم هستند، در این جهت خلاف ندارند که این واجب است. آن چیزی که محل حرف است، محل صحبت است، قضیه جهاد اولی است، آن بر زن واجب نیست، اما دفاع از حریم خودش، از کشور خودش، از زندگی خودش، از مال خودش و از اسلام، دفاع بر همه واجب است. (۳۴۳) ۱۱/۱۲/۶۴ حضور بانوان در صحنه ها چنانچه - خدای نخواستہ - یک وقت دفاع عمومی واجب شد بر همه؛ یعنی، همه ی ما بی استثنا، هر کس قدرت دارد بی استثنا، دفاع بر او واجب شد، مهیا باشید از برای دفاع. و البته سنگر علم هم یک سنگر دفاعی است، دفاع از همه ی فرهنگ اسلام. شما می دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صد سال، بلکه از اول ----- ۱. بانوان بعد از پیغمبر - سلام الله علیه - تا برسد به حالا، فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند و این فرهنگ را باید زنده کرد. و شما خانمها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید. و من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و در این سنگر هم پیشروی کنید و دعا کنید که آنهایی که در جبهه ها مشغول به دفاع از کشور خودشان و از اسلام هستند، آنها هم ان شاء الله، پیروز باشند. و همه شما ان شاء الله مؤید و موفق و سالم و سلامت باشید. (۳۴۴) ۱۱/۱۲/۶۴ مسأله اسلام بر زن و مرد واجب است مسأله، مسأله یک حکومت نیست، مسأله، مسأله یک جنبه نیست، مسأله، مسأله اسلام است. مسأله اسلام؛ یعنی، بر زن و مرد این کشور واجب است که دفاع کنند، هر کس به اندازه ای که تواند باید دفاع بکند و این دفاع را باید تعقیب بکنیم تا ان شاء الله، به پیروزیهایی که خدای تبارک و تعالی می خواهد، برسیم. (۳۴۵) ۲۸/۴/۶۵

شرکت زنان در میدان جنگ

تحصیل رضایت پدر و مادر برای رفتن به جبهه سؤال: (رفتن دختران امدادگر که وجودشان در جبهه جنگ مفید است اگر پدر و مادر راضی نباشند چه حکمی دارد؟) جواب: اگر موجب اذیت پدر و مادر است رضایت ایشان را تحصیل کنند. (۳۵۲) شرکت زنان در جنگهای صدر اسلام اینها می ترسانند شما را از حکومت اسلامی. می گوید اگر حکومت اسلامی باشد زنها را می کنند توی یک اتاقی درش را قفل می کنند تا آخر، تا آخر اینها توی این اتاق باقی باشند. زنها در صدر اول اسلام جنگ می رفتند! در لشکرها در طول جنگ بودند برای مداوای زخمها. (۳۵۳) ۱۷/۸/۵۷ حضور زنان صدر اسلام در میدان این حرفها و این شعرها و این چیزهایی که در خارج درست کردند، اینها خوف این است که یکوقت خدای نخواستہ بعض جوانهای ما هم به اشتباه بیفتند که مبادا یک همچو چیزی بشود؛ مبادا یکوقتی اسلام بیاید در خانه را روی زنها ببندند، قفلش کنند که دیگر بیرون نیا از خانه! زنها در صدر اسلام توی میدانها می رفتند. در همین جنگهای اسلامی توی میدانها می رفتند برای پرستاری این چیزها، اینهایی که کشته می شدند آنجا. زنها در مَحْفَظَه بمانند؟! چه کسی همچو چیزی به شما گفته است که باید اینطور باشد؟... آزادند مثل مردها. (۳۵۴) ۱۸/۸/۵۷ نسبت دادن حرف غلط به اسلام این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد، مثلاً دیگر زنها باید بروند توی خانه ها بنشینند یک قفلی هم درش بزنند بیرون نیابند! این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند. صدر اسلام زنها توی لشکرها هم بودند؛ توی میدانهای جنگ هم می رفتند. (۳۵۵) ۲۰/۹/۵۷ بانوان در اسلام بلندپایه هستند بانوان از صدر اسلام- در صدر اسلام- با مردان در جنگها هم شرکت داشته اند. مقام زن مقام والا است؛ عالیرتبه هستند. بانوان در اسلام بلندپایه هستند. ما می بینیم و دیدیم که زنها، بانوان محترمانه همدوش مردان بلکه جلو مردان در صف قتال ایستادند. بچه های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند، و شجاعانه مقاومت کردند. (۳۵۶) ۱۳/۱۲/۵۷ بانوان در عرض سربازان اسلام شما در عرض سربازان اسلام و همدوش با بانوان صدر اسلام هستید. همان طور که بانوان صدر اسلام به اسلام کمک می کردند و در نهضتها و در جنگهای اسلام کمکار بودند. (۳۵۷) ۲۰/۲/۵۸ حضور بانوان موجب پیروزی ملت ملتیی که (بانوانش) در میدانهای جنگ با ابرقدرتها و با مواجه شدن با قوای شیطانی قبل از مردها در این میدانها حاضر شده اند پیروز خواهد شد. (۳۵۸) ۲۶/۵/۵۹

فداکاری زنان در دفاع مقدس

فداکاری بانوان درود بر خواهران و برادران مصدوم و معلول که شجاعانه در راه حق و پیروزی، قیام و فداکاری کردند و ملت را در جهان سرفراز کردند. (۳۵۹) ۹/۱۰/۵۸ خضوع در مقابل صبر و استقامت بانوان به تمامی شما و خواهران و برادرانی که در محیط جنگ به زندگانی دلاورانه خود ادامه می دهید و از کشته شدن به دست دشمنان خدا در راه خدا ترسی ندارید و با چنگ و دندان از میهن عزیزتان برای رضای خدا دفاع می کنید و موجب دلگرمی رزمندگان اسلام می شوید و همه چیز خود را در طبق اخلاص قرار داده اید و با فداییهای مکرر صحنه های شجاعت و شهامت را در تاریخ سراسر مبارزات بی امانتان ثبت نموده و می نمایید و با درس فداکاری و رشادت به مستضعفین جهان می آموزید که وعده خدا بر حکومت پابرهنگان جهان حق است، به شما که با مبارزات خویش روی ابرقدرتها و قدرتها را سیاه کردید، درود می فرستم و در مقابل صبر و استقامتان خاضع و خاشع. (۳۶۰) ۱/۱۱/۵۹ حضور ارزشمند بانوان در صحنه ی دفاع پیروز و سرافراز باد نهضت اسلامی زنان معظم ایران. افتخار بر این قشر عظیمی که با حضور ارزشمند و شجاعانه خود در صحنه دفاع از میهن اسلامی و قرآن کریم، انقلاب را به پیروزی رسانده و اکنون هم در جبهه و پشت جبهه در حال فعالیت و آماده فداکاری هستند. (۳۶۱) ۴/۲/۶۰ فداکاری مادران شما می بینید در این جنگی که واقع شده است این مردم چطور فداکاری دارند می کنند، این جوانها و این مادرها و این پدرها چطور دارند فداکاری می کنند. (۳۶۲)

۲۴/۱/۶۱ اعجاب آمیز بودن فداکاری زنان مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است. اینجانب در طول این جنگ صحنه هایی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد. و آنچه برای من یک خاطره فراموش نشدنی است - با اینکه تمام صحنه ها چنین است - ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت: «حال که نتوانستم به جبهه بروم، بگذار با این ازدواج دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم. «عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه های الهی آنان را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنر پیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی توانند بیان و یا ترسیم کنند. و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند. و این روز مبارک، روز این زن و این زنهایست - که خدایشان برای اسلام و ایران و عظمت آن پایدار نماید. (۳۶۳)

شهادت و روحیه ی شهادت طلبی زنان

جلوه نور قرآن در قلوب بانوان این نور قرآن و اسلام است که در دلهای شما و در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است. این نور ایمان است که شما خانمها هم از شهادت نمی هراسید. (۳۶۴) ۱۶/۲/۵۸ زنان آماده شهادتند جوانان ما همه برای شهادت حاضرند. مرد و زن ما برای شهادت حاضرند. (۳۶۵) ۱۹/۲/۵۸ روحیه شهادت طلبی بانوان دسته ای از خانمها، محترمان، اینجا بودند، یکی اصرار می کرد که شما بگذارید که ما برویم کردستان. من گفتم آخر شما؟! نه (مشکل) کردستان حل می شود، لازم نیست شما تشریف ببرید. یکی گرفته بود جلوی من، تا آنجا آمد یکیشان دنبال من، که شما دعا کنید من شهید بشوم. گفتم من دعا میکنم که شما ثواب شهید را ببرید و خدمت کنید. اینها یک تحولاتی است که پیدا شده است. صدر اسلام با یک همچو روحیه ای که شهادت را می خواستند. آن طور پیشرفت کردند در نیم قرن تقریباً معموره ی دنیا را، دنیای متمدن آن وقت را، فتح کردند. (۳۶۶) ۱۳/۶/۵۸ آرزوی شهادت زنها به من می گویند، بعضی زنها می آیند، که شما دعا کنید ما شهید بشویم. برای کردستان بعضی از زنها می آمدند اینجا می گفتند که شما اجازه بدهید ما برویم کردستان، برویم در آنجا جنگ بکنیم. من گفتم نه، صلاح نیست خود ملت، خود ارتش، کار را انجام می دهد. (۳۶۷) ۱۰/۷/۵۸ تحول روحی و فکری طبقات بعضی از خانمها می آیند می گویند شما دعا کنید ما شهید بشویم. بعضی از برادرها میگویند که دعا کنید ما شهید بشویم - این تحول روحی و فکری که در ملت ما - همه طبقاتش - پیدا شد، و همه هم یک مطلب را دنبال کردند و آن جمهوری اسلامی، این باعث پیروزی شد، برای اینکه حق بود، و حق پیروز است. این را باید حفظ بکنید. (۳۶۸) ۱۰/۷/۵۸ اراده ی قاطع در راه هدف من هر وقت بانوان محترم را می بینم که با عزم مصمم و اراده قاطع در راه هدف، حاضر به همه طور زحمت بلکه شهادت هستند مطمئن می شوم که این راه به پیروزی منتهی می شود. (۳۶۹) ۱۰/۱۰/۵۸ عاشق شهادت یک عقدی اینجا کردم بین یک جوانی و یک دختری. آن دختر بعد که می خواست برود یک کاغذ داد به من. کاغذ را که من خواندم دیدم که خوب، بعد از اینکه، شما دعا کنید که این جوانهای ما چه، چه، چه، آخرش نوشته «من عاشق شهادتم». یک دختری که تازه، دیروز من عقدش کردم می نویسد، من عاشق شهادتم. و از این قبیل زیادند. اینها یک تحول انسانی است که خدا ایجاد کرده در شما، قدرش را بدانید چیزی که از ناحیه خدا اهدا شده به شما. (۳۷۰) ۱۲/۱۰/۵۸ ثواب شهید می دانید که جوانهای ما شهادت را می خواهند و از ما گاهی وقتها که من ملاقات میکنم، گاهی بعضی شان قسم می دهند، بعضی از خانمها قسم می دهند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم، و من دعا می کنم که آنها ثواب شهید را ببرند و پیروز بشوند. (۳۷۱) ۲۸/۱/۵۹ روحیه پیشرفت از آن وقتی که این نهضت شروع شد مکرر هر چند روز یک مرتبه، زنان و مردان می آمدند پیش من و اصرار می کردند که شما دعا کنید تا ما شهید بشویم. من دعا می کنم که شما موفق بشوید و ثواب شهادت را

داشته باشید. برای اسلام خدمت کنید. این روحیه موجب پیشرفت است. جدیت کنید که این روحیه محفوظ باشد. (۳۷۲) ۲۶/۲/۵۹

مجاهدت برای پیشبرد آمال اسلامی ملتی که شهید در راه اسلام، هم از بانوان دارد و هم از مردها و شهادت را هم بانوان طلب می کنند و هم مردها، آسیب نخواهد دید. ما امیدواریم به این سیل خروشان ملت که در جلوی آنها بانوان محترم که ارزشمندترین قشرهای ملت هستند و برای پیشبرد آمال اسلامی مجاهدت می کنند؟ به ملت ایران تبریک عرض می کنم. و باک از هیچ قدرتی نداریم؛ برای اینکه یک ملتی که زن و مردش برای جانفشانی حاضرند و طلب شهادت می کنند، هیچ قدرتی با آن نمیتواند مقابله کند. قدرت شما قدرت الهی است. (۳۷۳) ۲۶/۵/۵۹ داوطلب شهادت ملتی که تازه عروس و تازه دامادش برای شهادت داوطلبند و خود را برای هر پیشامدی در راه خدا مهیا کرده اند از چه می ترسند؟ ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است. ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام می خواهد، پیروزمند است. ما در کشته شدن و کشتن پیروزمیم. (۳۷۴) ۱۶/۶/۵۹ فداکاری در راه آزادی و استقلال مردم ما امروز- از زن و مرد، صغیر و کبیر- عازم این هستند که در مقابل تجاوزهایی که تاکنون به آنها شده است و امروز جلوگیری شده است بایستند؛ و جان خودشان را فدای آزادی و استقلال و فدای بیرون رفتن از زیر بار ظلم کنند. و ما از همه ی ملتها و از همه ی دولتها این توقع انسانی را داریم. (۳۷۵) ۲۲/۱۱/۵۹ نایل شدن به درجه والای شهادت درود خداوند بر زنانی که در این انقلاب و در دفاع از میهن، به درجه والای شهادت نایل شده اند. (۳۷۶) ۴/۲/۶۰ عشق شهادت ملتی که عشق شهادت در دل زن و مرد و کوچک و بزرگش جوش می زند و برای شهادت هریک بر دیگری سبقت می گیرد و از شهوات حیوانی و دنیایی ثریزان بوده و عالم غیب و رفیق اعلی را باور کرده است، با این خسارات، هرچه بزرگ باشد، از صحنه خارج نمی شود. (۳۷۷) ۲۲/۱۱/۶۰ سرود شهادت زنان و مردان و کودکان نمونه ای که در زیر بمبارانها و از بستر بیمارستانها سرود شهادت سر می دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه های انسان ساز را آرزو می کنند، فوق آنچه ما تصور می کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر در می آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می کنند، می باشند. آنچه آنان با قدمهای علمی و استدلالی و عرفانی یافته اند، اینان با قدم عینی به آن رسیده اند و آنچه آنان در لابلای کتابها و صحیفه ها جستجو کرده اند اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته اند. (۳۷۸) ۶/۶/۶۲ دل دادن به خدا ملتی که زن و مرد عاشق شهادت هستند و فریاد شهید شدن می زنند، یک همچو ملتی دیگر از اینکه فلان چیز کم است، فلان چیز زیاد است، این نمی نالد. اقتصادش چطور است، این مال آنهایی است که وابسته به اقتصاد هستند، دل به اقتصاد دادند. آنهایی که دل به خدا دادند، آنها اینطور نیستند که دنبال این باشند که فلان چیز فراوان باشد؛ فلان چیز کم باشد، زیاد باشد، نرخش کم باشد، نرخش زیاد باشد. (۳۷۹) ۱/۱/۶۴ داشتن طمأنینه شما می آید نماز جمعه را می زنید. نماز جمعه را که می زنید خیال می کنید ملت ما عقب می نشیند می بینید که در نماز جمعه چه کردند. این یک مطلبی است گفتنی، تاریخی، تا کسی نبیند آنجا را، آن منظره را نبیند، باورش نمی آید که زن بچه اش تو بغلش است، مرد بچه اش پهلویش است هیچ حرکت نکند، اینهمه فشار، هیچ حرکت نکند، از آن ور انفجار، آن نامردها، از آنطرف هم آنطور رگباری که ملاحظه کردید همه. مع ذلک همه هم با طمأنینه نشسته اند سر جای خودشان و هیچ ابداً حرکتی نمی کنند. و ملت، یک همچو ملت است. ۱. (۳۸۰) ۱/۱/۶۴ ----- ۱. اشاره به حادثه ی انفجار بمب در نماز جمعه در تاریخ

۲۴/۱۲/۶۳

نقش زنان در پشت جبهه و پشتیبانی رزمندگان

همراه با قوای مسلح شما در تاریخ نگاه کنید از صدر تاریخ تا آخر، اگر پیدا کردید یک جایی را که زنها و زنهای جوانی که حالا باید- فرض کنید که- بروند سراغ جوانی شان، و پیر زنش، پیر مردش، پیر زنش، اینطور کوشش کند در اینکه پشتیبانی از ارتشش بکند، پشتیبانی از پاسدارهایش بکند. شما کجا (سراغ دارید)؟ اگر سراغ دارید، بگویید ما هم بفهمیم. کجا شما همچو چیزی

دارید که دوش به دوش مردها و پاسدارها و ژاندارمری و ارتش و همه ی قوای مسلح، دوش به دوش اینها، زنها هم همراهی بکنند؟ (۳۸۱) ۶/۸/۵۹ آمادگی برای جنگ الآن شما می بینید سرتاسر مملکت ما در حال جنگند، دخترهای توی خانه هایشان هم در حال جنگند؛ برای جنگیها دارند کار می کنند. (۳۸۲) ۱۲/۸/۵۹ بی نظیر بودن بانوان در مسیر خدمت اگر پیدا کردید یک دهی در عراق اینجوری کمک کرده باشد به اینها. اینها به زور البته می گیرند، غارت می کنند، به زور می گیرند. اما اگر پیدا کردید یک ده را در تمام کشور عراق که جوانهایش، زنهایش، برای اینها نان بپزند و - نمی دانم - بسته بندی کنند! ندارند اینها. یک همچو ملتی از کی می ترسد؟! چرا باید بترسد؟! (۳۸۳) ۱۲/۸/۵۹ فعالیت در پشت جبهه الآن که شما در جبهه های جنگ هستید و ارتشهای ما، که خداوند ----- ۱. رژیم بعثی در عراق. نصرتشان بدهد، در مراکز فعال هستند، الآن کی هست که دارد از آنها پشتیبانی می کند؟ آن زنهایی که برای شما نان می پزند و آن مردمی که برای شما پول می دهند و آن مردمی که برای شما ذخیره می دهند و آنقدر چیزها را می فرستند. همین مردم مسلمانند. شما ببینید در تلویزیونتان که یک زنی که ده تا تخم مرغ آورده، دارد می آورد می دهد همین را. یک بچه ای که ده تومان دارد این را می دهد. اینها برای چه اینها را می دهند؟ اینها برای اسلام است، برای کشور اسلامی است. (۳۸۴) ۲۵/۸/۵۹ حفظ ارزشها اگر زمان محمدرضا یک جنگی واقع می شد، مثلاً فرض کنید در اهواز واقع می شد، در خراسان برایش زنها نان می پختند؟! دعا می کردند که - ان شاء الله - شکست بخورد. حالا وضع این طوری است. در کجای دنیا شما سراغ دارید یک همچو مطلبی. یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت، از ارتش. سراغ نداریم ما جایی در این، نظیر نداشته است این، در تاریخ هم نمی توانید پیدا بکنید. از بچه های کوچکی که ده تومان دارند می دهند برای ارتشی که آنجا، قوای مسلحه ای که آنجا کار می کنند. با آن پیر زن هشتاد ساله ای که چند تا تخم مرغ دارد، اینها ارزش دارد. ارزش اینها زیاد است، و ما باید حفظ کنیم این ارزش را. پیروزی مملکت ما برای همین ارزشهاست. این پیروزی قلوب، بالاتر از پیروزی کشور است. (۳۸۵) ۱۵/۹/۵۹ حضور در صحنه ی گرفتاریها تمام ملت ما، نه فقط جوانها و آنهایی که در جبهه ها هستند، بلکه پیرمردها و پیرزنها و دختر و بچه های نابالغ در صحنه گرفتاریها و در صحنه جنگ حاضرند و همه خود را در جبهه می بینند. (۳۸۶) ۲۸/۱۲/۵۹ سربازان گمنام من وقتی در تلویزیون می بینم این بانوان محترم را که اشتغال دارند به همراهی کردن و پشتیبانی کردن از لشکر و از قوای مسلح ارتشی برای آنها در دلم احساس می کنم که برای کس دیگری نمی توانم این طور ارزش قائل بشوم. کارهایی که آنها می کنند یک کارهایی است که دنبالش توقع اینکه یک مقامی داشته باشند، یا یک پستی را اشغال کنند، یا یک چیزی از مردم خواهش کنند، هیچ این مسائل نیست. بلکه سربازان گمنامی هستند که در جبهه ها باید گفت مشغول به جهاد هستند. و ما اگر فایده ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این یک معجزه ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد. و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دستهای بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرموده است. و ما باید قدر این نعمت را بدانیم؛ و اقتدا کنیم به این زنها و بانوان و بچه های پشت جبهه و آنهایی که در خود شهرهای مخروبه و نیمه مخروبه حاضرند. ماها باید از اینها اخلاق اسلامی و ایمان و توجه به خدا را یاد بگیریم. (۳۸۷) ۲۸/۱۲/۵۹ حضور همه در صحنه جنگ شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا بکنیم که بچه های کوچک و جوانهای نیم سال و زنها، پیر زنها، نوجوانها، نو دامادها، همه با هم در این جبهه حاضرند و صحنه جنگ، صحنه ای است که ملت همه در آن حاضر هستند. (۳۸۸) ۱۶/۱/۶۰ انجام کارهای مفید آنچه که در ایران بزرگتر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد. بانوان ایران در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه ها مشغول فعالیت هستند، سهم آنها بیشتر از دیگران است و در تربیتی که اشتغال دارند، چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خردسالانشان و چه تربیتی که در کلاسها و جاهای دیگر مجالس دارند، باز سهم بزرگی در این انقلاب دارند. عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان است؛ در مردها این عواطف نیست و لهذا، آن چیزی که در پشت

جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می شود، بیشتر و بالاتر و ارزنده تر است از آن چیزی که از مردها صادر می شود. به موجب عواطفی که بانوان دارند، آنها برای جبهه ها کارهای بسیار مفید انجام داده اند و انجام می دهند. (۳۸۹) ۲/۳/۶۰ تعهد بانوان خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت نهاد و این پیروزی را نصیب کشور ما فرمود که به واسطه تعهد بانوان امیدواریم که در آتیه، پشتوانه این ملت و اسلام محکمتر بشود. و با کوشش شما بانوان محترم، جوانان کشور و کسانی که هم در جبهه (هستند)، بتوانند از عهده جنگ تا پیروزی (بیرون آیند) و هم در داخل و در پشت جبهه ها بتوانند به کارهای عمرانی و کارهای دیگری که مفید به حال کشور است قیام کنند. (۳۹۰) ۲/۳/۶۰ انفاق در راه خدا امروز همکاری و همیاری مردم بیسابقه است، ما هر روز شاهد زنانی هستیم که ماحصل عمرشان، یک تکه طلا را می آورند و در راه خدا و جنگ انفاق می کنند. (۳۹۱) ۴/۳/۶۱ کمک و همکاری با رزمندگان درود بر شما شیرمردان و شیرزنانی که با بسیج عشایر و ارسال کمکهای مالی و همکاریهای دیگر، چه در خط مقدم جبهه و چه در پشت جبهه، موجبات دلگرمی رزمندگان دلیر ما را فراهم ساخته و پشتوانه محکمی برای جنگجویان و وسیله ای برای کشف و خنثی کردن توطئه های دشمنان ما گشته اید. (۳۹۲) ۱۵/۳/۶۱ رهین منت توده های مردم هستیم انصافاً ما رهین منت این توده های بزرگواری هستیم که همه چیزشان را می دهند و چیزی هم نمی خواهند. از آن پیرزنه‌ها که آن چیزی که در طول عمرشان تهیه کردند، حالا می آیند برای اسلام می دهند تا آن اشخاصی که قلکشان را می شکنند و پول را می آورند برای اسلام می دهند. من نمی توانم توصیف کنم از این ملت و نمی توانم تجلیل کنم. ما واگذار می کنیم تا خدای تبارک و تعالی به آنها عنایت خاص خودش را اعطا بفرماید. خداوند، همه شما را حفظ کند و در این سنگرها محکم پا برجا نگه دارد. (۳۹۳) ۲۵/۷/۶۱ تشکر از بانوان معظم قم من باید تشکر کنم از اهالی قم و از بانوان معظم قم که در یک همچو اوقاتی که ما گرفتار ابرقدرتها و قدرتهای فاسد هستیم و ایران از هر طرف مورد حمله آنها هستند، شما بانوان در پشت جبهه، آن فعالیتی را می کنید که آن سلحشوران در جبهه ها، و همان طوری که آنها مشغول فعالیت هستند، شما مشغول فعالیت هستید. یک راه، از راه ساختن خود و جوانهای خود و خانمهای جوان و یک راه، از راه پشتیبانی به آنهاست که در جبهه هستند؛ و این یک امری است که بسیار مورد تشکر است و بسیار ارزنده است و در پیش خدای تبارک و تعالی ارزندگی شایان دارد. (۳۹۴) ۲۲/۱۲/۶۱ کمک به جنگ و جبهه ملت این مردم کوچه و بازار هستند، این مردم دهات و - نمی دانم - قصبات و شهرستانها، اینها هستند که دارند به جنگ کمک می کنند و به جبهه ها، پشت جبهه ها کمک می کنند، و بانوانان و بچه هاشان و بزرگهایشان و همه شان مشغول خدمت هستند. اینها که خسته نشده اند. از چی خسته بشوند؟ از اسلام روبرگردانند؟ (۳۹۵) ۲۵/۵/۶۲ مجاهدات پشت اگر نبود مجاهدات شما و برادران و خواهران بزرگوار شما در جبهه ها و پشت جبهه ها، که با اخلاص خود عنایات خاص خداوند قادر را جلب نمودید، کدام قدرت و کدام ابزار جنگی می توانست جمهوری اسلامی و کشور عزیز شما را از این دریای موج متلاطم، که شرق و غرب و وابستگان به آنان دست به دست هم و بازو به بازو یکدیگر داده و در پی غرق آن کوشیدند و میکوشند، نجات دهد. (۳۹۶) ۱۸/۱۱/۶۳ پشتیبانی از مجاهدان عزیز دفاع مقدس برماست که، با اعتراف به عجز خویش، از رزمندگان عزیز که با شهادت طلیها و رشادتهایشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده و با خون پاک خود چراغهایی فرا راه آزادی تمام ملت‌های دربند برافروختند قدردانی نماییم. و نیز از مادران و پدران و خواهران و همسران و برادران بزرگواری که در پشت جبهه ها با جدیت تمام در دفاع مقدس از اسلام و کشور اسلامی به پشتیبانی از مجاهدان عزیز برخاسته و از هیچ چیز کوتاهی نمی کنند، و از تمام ملت بزرگ و متعهد که در تمامی صحنه ها حاضرند، تشکر نماییم. (۳۹۷) ۱۰/۶/۶۴ کمک در پشت جبهه شما خانمها، شما زن‌ها توجه به این معنا داشته باشید که همان طوری که بر مردها در جبهه لازم است که جلو بروند و پیشقدم باشند، شما هم در خارج، در پشت جبهه باید کمک کنید. (۳۹۸) ۱۱/۱۲/۶۴ کمک خانمهای عراقی مبلغ بسیار ارزنده ای که خانمهای معظم عراقی - که خداوند به آنها هر چه بیشتر توفیق خدمت به اسلام و رزمندگان عزیز که برای رفع شر قدرتها و وابستگان پست آنان، جانفشانی می کنند (عنایت فرماید) - واصل شد. از خداوند تعالی

فصل ششم: جنایات و نقشه های استعماری درباره ی زنان

خودباختگی و غرب گرایی

ملعبه قرار دادن زن آنها که زنها را می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانهای فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زنها نباید گول بخورند؛ زنها گمان نکنند که این مقام زن است. که باید بزک کرده بیرونبرود با سر باز و لخت این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن. (۴۰۰) ۱۳/۱۲/۵۷ رواج تربیت فاسد غربی اینها تربیت انسانی را از ایران بکلی از بین بردند، و تربیتهای غربی، نه آن هم تربیتهای صحیح غربی، تربیتهای فاسد غربی، در بین ما رواج دادند. و در زمان این پسر شاید بیشتر معنویات از بین رفت. در زمان او ظلم شاید ظهورش، ظاهرش بیشتر بود، بانوان را بیشتر اذیت کردند. سایر مردم را بیشتر اذیت کردند. (۴۰۱) ۱۰/۴/۵۸ ظلم به بانوان من می توانم بگویم که در زمان این پدر و پسر به بانوان ما بیشتر ظلم شد تا به سایر اقشار. شما شاید اکثراً یادتان نباشد که در زمان رضاشاه با بانوان چه کردند اینها. چه مصیبتهایی به بار آوردند با اسم اینکه می خواهیم ایران را به نظیر اروپا مثلاً بکنیم، ایران را متجدد بکنیم، نصف از جمعیت ایران را می خواهیم در جامعه بیاوریم. با بانوان نمی دانید چه کردند اینها. (۴۰۲) ۱۰/۴/۵۸ از بین بردن حیثیت خانمها تبلیغات کردند که شما خانمها را از آن حیثیتی که دارید بیندازند. از شما بگیرند حیثیت خودتان را، شما را غربی کنند، آرایشها از غرب باید بیاید، مدها از غرب باید وارد بشود، هر روز مُدْ تغییر که بکند شما هم تغییرش بدهید! همه چیزهای شما از غرب وارد می شد. تبلیغات بود دیگر، همه هم عادت کرده بودند. اگر امروز یک چیزی می آمد و می گفتند در مثلاً انگلستان یک همچو چیزی شده است، فوراً اینجا همه اینها را باید کنار بگذارند، آن پیش بیاید؛ آن مُدْ پیش بیاید! چند مرتبه (برای) پیراهنی که می خواستند برای فرح درست کنند- برای تاجگذاری گمانم بود- چند مرتبه طراحها با طیاره ها رفت و آمد کردند و چه قدر- الآن من یادم نیست- خرج این شد، برای اینکه یک پیراهن را درست بکنند! آن وقت خوشمزه این بود که در یکی از گفته هایش این بود که ما بچه هایمان را لباس این را به آن کوچیکه می پوشانیم! این در روزنامه ها بود. این آدمی که سه مرتبه طیاره باید برود و برگردد تا این طرح را درست بکند و چقدر صد و پنجاه هزار تومان- نمی دانم چقدر بود- که برای طرح یک پیراهن درست می کنند، می خواهند چه بکنند! می خواهند شما را خواب کنند. (۴۰۳) ۱۲/۶/۵۸ رواج مد غربی تا این خانمها- شما را نمی گویم. شما توده هستید، آن خانمها را می گویم- تا اینها توجهشان به این است که فلان چیز باید، فلان مد (باید) از غرب به اینجا بیاید، فلان زینت باید از آنجا به اینجا سرایت بکند، تا یک چیزی آنجا پیدا می شود اینجا هم تقلید می کنند، تا از این تقلید بیرون نیاید، نه می توانید آدم باشید؛ و نه می توانید مستقل باشید. اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید. تا در این تقلید هستید، آرزوی استقلال را نکنید. (۴۰۴) ۱۷/۶/۵۸ تباه کردن جوانان ایرانی تمام چیزهایی هم که وسیله قرار داده بودند برای اینکه جوانهای ما را تباه کنند، همه اینها سوغاتهای غرب بود. یعنی بنابراین بود که وسایلی تهیه بکنند که هم زنها و هم مردها را تباه بکنند، نگذارند یک رشد انسانی پیدا بکنند. (۴۰۵) ۲۲/۶/۵۸ جنایت به اسم آزادمردان و آزادزان قلمهای مسموم خطا کار و گفتار گویندگان بی فرهنگ در این نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله کالایی خواستند درآورند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای ذکر آن نیست. هر کس بخواهد شمه ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه ها و مجله ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضاخان از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراخ بگیرد. رویشان سیاه و شکسته باد قلمهای روشنفکرانه آنان. و گمان نشود که آن جنایات با اسم «آزاد زنان و

آزاد مردان» بدون نقشه جهانخوااران و جنایتکاران بین المللی بود. (۴۰۶) ۱۵/۲/۵۹ ترویج فرنگی مآبی یکی از امور دیگری هم که باز من گفته ام این است که ما را جوری بار آورده بودند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سرتاپایش فرنگی مآب است، این معلوم می شود خیلی عالی مقام است و چنانچه مثل سایر مسلمانهاست، این خیلی عقب افتاده است. عقب افتادگی و جلو رفتن را به این می دانستند که فرنگی مآب باشد؛ یعنی، فرض کنید فرم لباسش چه جور باشد. فرم کفشش چه جور باشد، یا- مثلاً- هر چه که از خارج می آید صرف بکند. مصرفی بار آوردند ما را، برای همین جهت، ما را مصرفی بار آورده اند. (۴۰۷) ۱۷/۱۲/۶۰ خیانت به زنان به اسم زن مترقی کسانی که آن زمان را به یاد دارند می دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی وطنش با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریعتر نقشه هایشان چه راههایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده اند به کتابها، شعرها، نوشته ها، نمایشنامه ها، تصنیفها، روزنامه ها، مجله ها و مراکز فحشا و قمارخانه ها و شرابفروشیها و سینماها- که همه یادگار آن عصر بودند- بنگرند و یا از آنان که دیده اند پرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان پرور و آموزگار، چه ظلمها و خیانتهایی در ظاهر فریبنده ای به اسم زن مترقی روا داشتند. (۴۰۸) ۲۵/۱/۶۱ امور مادی، مبنای ارزشها وقتی در قشر توده های مردم نگاه میکردی، در بین زن و مرد (در) هر دو طایفه، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش. هر که بهتر لباس می پوشید و شیکتر بود در لباس، ارزشش پیش مردم بیشتر بود. و هر زنی که آرایش به طرز اروپایی بود و لباسش از آنجا الهام میگرفت، این پیش زنها هم ارزشش زیادتربود، البته پیش اکثر. ارزشها همه به امور مادی بود. (۴۰۹) ۵/۱۰/۶۱ محروم کردن از پیشرفت ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً، و در سده های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً، و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و یا ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستانهای غم انگیز دارد، و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده ها، و دهها از این مصایب حساب شده، برای عقب نگهداشتن کشورهاست. (۴۱۰) ۱۵/۳/۶۸

کشف حجاب

مخالفت روحانیت با کشف حجاب روحانی می گوید این کشف حجاب ننگین یا نهضت با سرنیزه برای کشور ضررهای مادی و معنوی دارد و به قانون خدا و پیغمبر حرام است روحانی می گوید این کلاه لگنی پس مانده اجانب، ننگ کشور اسلام است و استقلال ما را لکه دار می کند و به قانون خدا حرام است. (۴۱۱) مخالفت با قانون خدا آنان که تمدن و تعالی مملکت را به لخت شدن زنها در خیابانها می دانند و به گفته بیخردانه خودشان با کشف حجاب نصف جمعیت مملکت کارگر می شود (لکن چه کاری همه می دانید و می دانیم) حاضر نیستند مملکت با طرز معقولانه و در زیر قانون خدا و عقل اداره شود. (۴۱۲) *** برداشتن حجاب با زور سرنیزه ما می گوئیم دولتی که برخلاف قانون کشور و قانون عدل، یک گروه دیوان آدمخوار را به نام پاسبان شهربانی در هر شهر و ده به جان زنهای عقیف بی جرم مسلمانان بریزد و حجاب عفت را با زور سرنیزه از سر آنها بریاید و به غارت و چپاول ببرد و محترمت بی سرپرست را در زیر لگد و چکمه خورد کند و بچه های مظلوم آنان را سقط کند، این دولت، دولت ظالمانه و اعانت بر آن عدیل کفر است. ما حکومت دیکتاتوری را ظالمانه و عمال آن را ظالم و ستمکار می دانیم شماها در این سخن حرفی دارید بزیند تا رسوایی بیش از این شود. توده ی مظلوم ایران الآن هم چشم ندارند عمال دیکتاتوری آن روز را که با

زنها و اطفال مظلوم آنها آنطور سلوک کرده و آن بی آبرویی و ستمکاریها را کردند بینند و هر کس آنها را محترم بداند از شرف و انصاف بویی ندارد؛ آن روزنامه‌هایی که از اعمال ظالمانه دیکتاتور گریزیا که خانمانسوزترین آن، کشف حجاب زنهاست طرفداری می‌کنند کمک کار به اصول وحشیانه دیکتاتوری می‌کنند و باید اوراق آنها را در میدانها آتش زد. (۴۱۳) راه انداختن فحشای عمومی وقتی مردم می‌بینند به جای آنکه پاسبان حفظ آسایش آنها را بکنند با چکمه و سرنیزه با زنهای مظلوم آنها برای کشف حجاب یا راه انداختن فحشای عمومی و با خود آنها برای گذاشتن کلاه لگنی شرم آور آنطور سلوک کردند باز توقع دارید مالیات را حقوق حقه‌ی دولت بدانند. (۴۱۴) کشف حجاب خیانت بزرگ رضاخان این حیوانهای شهوتران که می‌خواهند با نام ترقی کشور با دخترهای جوان مردم به رقص و عیش و نوش پردازند باز دست از این کشف حجاب ننگین که عفت و درستی عضو جوان حساس ما را به باد داد و از خیانت‌های بزرگ رضاخان به این کشور بود بر نمی‌دارند غافل از آنکه با خواست خدا به همین زودی دینداران با مشت آهنین مغز بیخرد آنها را پریشان خواهند کرد و اساس شهوترانی آنها را به سرشان خراب خواهند نمود. (۴۱۵) *** کشف حجاب عفت سوز پس کو آن نیکبختیها که نصیب این کشور تاکنون شده است. آری از همه نیکبختیها یک کلاه لگنی نیم خورده‌ی دیگران و یک کشف حجاب عفت سوز خانمان به هم زن و چندین خیابان عریض و طویل با رفتن منابع ثروت و فضایل اخلاق، نصیب این کشور شده است. شما از همین خوشبختیها انگاره‌ی دیگر خوشبختیهای خود را بگیرید. (۴۱۶) *** کشف حجاب مفتضح شما ببینید بیست و چند سال است از این کشف حجاب مفتضح گذشته است؛ حساب کنید چه کرده اید؟ زنهارا وارد کردید در ادارات؛ ببینید در هر اداره‌ای که وارد شدند، آن اداره فلج شد. (۴۱۷) ۱۱/۹/۴۱ جشن ۱۷ دی وسیله منفوریت رژیم چرا جشن «هفده دی» را آزاد می‌گذارند؟ اینها وسیله منفوریت ----- ۱. اشاره به مراسمی است که به مناسبت سالروز ۱۷ دی سال ۱۳۱۴، یعنی روز اعلام کشف حجاب توسط رضاخان برگزار می‌گردید. است؛ منفور نکنید سلطان مملکت را. ما نصیحت می‌کنیم این هفده‌ی دی را به وجود نیاورید. ما مفاسد را می‌دانیم؛ حفظ کنید این مملکت را. ترقیات مملکت به هفده دی نیست. (۴۱۸) ۱۱/۹/۴۱ جنایت و خیانت بی حد و اندازه شاه خدا می‌داند که به این ملت ایران چه گذشت در این کشف حجاب. حجاب انسانیت را پاره کردند اینها. خدا می‌داند که چه مخدراتی را اینها هتک کردند و چه اشخاصی را هتک کردند. علما را وادار کردند با سرنیزه که با زنهایشان در مجالس جشن، یک همچو جشنی که با خون دل مردم با گریه تمام می‌شد، (شرکت کنند). مردم دیگر هم به همین ترتیب. دسته دسته اینها را دعوت می‌کردند و الزام می‌کردند که با زنهایشان باید جشن بگیرید. «آزادی زن» این بود که الزام می‌کردند، اجبار می‌کردند با سرنیزه و پلیس مردم محترم را، بازرگانهای محترم را، علما را، اصناف را، به اسم اینکه خودشان جشن گرفتند. در بعضی از جشنها، به اصطلاح خودشان، اینقدر گریه کردند مردم که اینها از آن جشن شاید اگر حیایی داشتند پشیمان می‌شدند. (۴۱۹) دی ۱۳۵۶ برداشتن چادرو روسری به نام آزادی مگر می‌شود یک نفر مسلمان باشد و با این ستور، (با) کشف حجاب مبتدل موافق باشد؟ زنهای ایران هم قیام کردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمی‌خواهیم اینطور چیز را، ما باید آزاد باشیم. و این مردک میگوید آزادی لکن - باید حتماً - آزادی اما باید حتماً بدون چادر و بدون روسری توی مدارس بروید! این آزادی است؟! (۴۲۰) ۲۹/۱۱/۵۶ جنایات رژیم در ۱۷ دی امروز روز ۱۷ دی است. من یادم است، شاید این آقا هم یادشان باشد؛ هرکس سنش به سن ماهاست یادشان است که ۱۷ دی چه شرارتی کرد این آدم؛ چقدر به این ملت فشار آورد، چه اختناقی ایجاد کرد، چه محترماتی را هتک کرد، چقدر سقط جنین شد در ۱۷ دی و این اطراف ۱۷ دی، چقدر مأموران این و دژخیمان این به مردم تعدی کردند و به زنهای تعدی کردند و زنهارا از توی خانه‌ها بیرون کشیدند. این مال پدر شما که من نمی‌توانم شرحش را بدهم. آن کارهایی که او کرده است نمی‌شود شرحش را داد. این در آن عالم معلوم می‌شود، (در) این عالم نمی‌توانیم ما بفهمیم؛ نمی‌توانیم بفهمیم چه جانوری بود. (۴۲۱) ۱۷/۱۰/۵۷ مصیبت در قم شما نمی‌دانید که با بانوان قم چه کردند اینها. یک رئیس نظمی بود - که نمی‌دانم حالا هست یا از بین رفته است - که آنطور با

بانوان عمل می کرد که- از قراری که گفتند- یک روز دماغش خون آمده بود و نشسته بود، خون دماغش داشت می چکید؛ چشمش افتاد به یک زنی که چادر دارد یا روسری دارد؛ اعتنا به خون نکرد و پرید به او! اینطور با (مردم) عمل می کردند. و شما شاهدید که در این آخر اینها با این ملت چه کردند؟ چه کشتارهایی در تمام شهرستانها کردند؛ در خود قم چه مصیبتهایی به بار آوردند. (۴۲۲) ۸/۱/۵۸ سیاه کردن روی تاریخ در شهرها، در دهات، در قصبات. اطلاعاتی که گفتم نیست.... بانوان ما اطلاعاتی داشتند که روی تاریخ را سیاه کرده است. نمی دانید چه قضایایی در اینجا واقع شده است. در همین قم- مرکز روحانیت- نمی دانید چه بساطی اینها درست کردند و زنها را چطور بیرون آوردند که بروند جشن بگیرند! با زور بروند جشن برای کشف حجاب بگیرند. (۴۲۳) ۱/۲/۵۸ کشف حجاب به تبعیت از ترکیه و غرب اساس بر این بود که انحراف درست کنند. اساس بر اصلاحات نبود. اساس این بود که نگذارند یک مملکتی رشد بکند. و لهذا از آن می فهمیم که آن کشف حجابی که رضاخان به تبع ترکیه و به تبع غرب و به (واسطه) مأموریتی که داشت، (انجام داد) برخلاف مصلحت مملکت ما بود. (۴۲۴) ۲۶/۲/۵۸ تحت فشار قرار دادن مردم شما باید بدانید که همه اهالی مملکت ما تحت فشار بود. آن روز؛ آن وقت که به اسم «کشف حجاب» و برای کشاندن ملت به تباهی آن سابقی ۱ اقدام کرد، در همین قم شاید از جاهای دیگر بیشتر فشار آورد. در تهران همین طور. در همه جا. (۴۲۵) ۲۳/۳/۵۸

۱. رضاشاه پهلوی کشف حجاب موجب مصیبت مردم چیزهایی که موجب نارضایتی مردم بود انجام می داد. مثل قضیه کشف حجاب. کشف حجاب شما نمی دانید آن وقت چه مصیبتی برای مردم بود. نمی دانید چه کرد و مأمورها چه کردند با مردم و با زنها، که اسباب نارضایتی عموم مردم بود، منتها قدرت زیاد شده بود، مردم هم هدایت نمی شدند با یک مثلاً قدرتهایی از این جهت نمی توانستند کاری بکنند، لکن عقده ها زیاد بود. (۴۲۶) ۶/۳/۵۸ الزام کردن خانمها به فساد بانوان را الزام کردند به اینکه در مجالس کذایی که داشتند حاضر بشوند. مردها با زنهایشان، با دخترهایشان، در آن مجلسهای فاسد، الزام داشتند که حاضر بشوند. حتی در قم، در قم که مرکز روحانیت بود، در قم هم این مسائل بود؛ و در همه شهرستانها. (۴۲۷) ۱۰/۴/۵۸ اعمال خشونت در مسأله کشف حجاب شاید بسیاری را یادتان نباشد که من یادم است که اینها در زمان رضا خان به اسم اتحاد شکل، به اسم کشف حجاب، چه کارها کردند، چه پرده ها دریدند از این مملکت. چه زورگوییها کردند و چه بچه ها سقط شد در اثر حمله هایی که اینها می کردند به زنها که چادر را از سرشان بکشند. (۴۲۸) ۱۴/۸/۵۸ قتل عام در مسجد گوهرشاد همان سال آخری بود که ۱۵ خرداد بعدش پیش آمد- من شنیدم که زنها می خواهند بروند سر قبر رضاشاه و راجع به همین قضیه کشف حجاب تظاهرات بکنند. رؤسای اداراتی که در قم بود، پیش من آمدند، گفتم که شما هر کدام به وزارتخانه خودتان اطلاع بدهید که اگر این کار را بکنید من به ملت میگویم که عزا بگیرند برای روزی که قتل عام کردید در مسجد گوهرشاد، اینها اطلاع دادند و از این منصرف شدند. در هر صورت آن وضعی که آنها درست کرده بودند درست برخلاف موازینی بود که ملت ما باید انجام بدهد. (۴۲۹) ۱۹/۶/۵۹ کشف حجاب وسیله ای برای اسارت ملت ما قضیه کشف حجاب یک مطلبی نبود که اینها می خواستند زنها را، مثلاً ده میلیون زن را بیاورند در جامعه وارد کنند. اینها یک دستوراتی بود که اینها می گرفتند از خارج و برای اسارت ما اجرا می کردند. قضیه ها، شاید شما هیچ کدامتان یادتان نباشد که آن وقت چه کردند، کوچک بودید. اما من تلخی این کشف حجابی که اینها کردند و اسمشان را بعداً «آزاد زنان و آزاد مردان» پسر رضاخان گذاشت، من تلخی اش باز در ذائقه ام هست. شما نمی دانید چه کردند با این زنهای محترمه و چه کردند با همه قشرها. الزام می کردند هم تجار را، هم کسبه ی جزء را، هم روحانیت را، هر جا زورشان می رسید به اینکه مجلس بگیرید و زنهایتان را بیاورید در مجلس، بیاورید در مجلس عمومی، آن وقت اگر اینها تخلف می کردند، کتک دنبالش بود، حرف دنبالش بود، همه چیزها و حرفها بود. و اینها می خواستند زن را وسیله قرار بدهند از برای اینکه سرگرمی حاصل شود برای جوانها و در کارهای اساسی اصلاً وارد نشود. طریقه های مختلفی اینها داشتند برای اینکه این جوانهای ما را، این دانشگاہیهای ما را، همه این قشرها را نگذارند به فکر خودشان

بیفتند و به فکر مملکتشان بیفتند. از آن طرف همین مسأله کشف حجاب با آن فضاحتی که اینها کردند و با آن رفتاری که با زنهای محترمه کردند و با آن رفتاری که با روحانیون کردند در این مسائل که حتی به مرحوم آقای کاشانی آمدند تکلیف کردند که شما باید وارد بشوید در این مجلس، فرمودند که شما باید مجلس بگیرید، ایشان گفته بودند... را که فرمودند: گفته بودند آن مأمورها، که از بالاها گفته اند. گفته بودند من هم همان را می گویم، حتی به اینها هم آمده بودند پیشنهاد کرده بودند. دیگر در شهرستانها، در دهات و همه جا حتی در قم، یک فضاحتی در قم در آوردند که قابل ذکر نیست. و این هم برای این بود که این جوانها را، جوانهای غافل، زن و مرد را وارد کنند در میدان و سرگرمشان کنند به هم و از اساس مسائل اینها غافل باشند. همچو مراکز فحشایی که اینها درست کردند که از تهران تا آخر تجریش صدها مراکزی بود که مال عشرتکده و امثال ذلک بود، همه اینها دیدید که زنانه بود. لهدا، جوانهای ما، ملت ما اصلاً دیگر توجه به مسائل اساسی که باید بکنند نداشت. نه مردش، نه زنش. (۴۳۰) ۱۹/۶/۵۹

کشف حجاب، توطئه به فساد کشاندن جامعه نقشه این بود که با توطئه کشف حجاب مفتضح در زمان قلمدرِ نافهم، رضاخان، این قشر عزیز را که جامعه را باید بسازند تبدیل کنند به یک قشری که فاسد کنند جامعه را. و این نقشه نه اختصاص به شما بانوان داشت؛ بلکه جوانان و مردان را همین طور بکشاند به مراکز فساد، و آن طور که می خواهند آنها را تربیت کنند که چنانچه کشورشان به دست هر کس بیفتد، بی تفاوت باشند یا مؤید. (۴۳۱) ۲۵/۱۲/۵۹ وضع ناگوار در زمان رضا شاه شمایی ۱ که می گوید زمان رضاشاه بهتر از حالا بود، در زمان رضاشاه، شما چه وضعی داشتید؟ نه شما، مرحوم شیخ ما- رضوان الله علیه- چه حالی داشت؟ در یک قضیه ای، که شاید قضیه کشف حجاب بود، مرحوم شیخ- رحمه الله- مرحوم آقا شیخ عبدالکریم ۲- رضوان الله علیه- یک کاغذی به رضاشاه نوشت و راجع به این معنا تذکری داد. جواب نداد. نخست وزیر گفت؛ به عرض اعلیحضرت رسید، ایشان گفتند؛ شما خوب است که مشغول کار خودتان باشید. (۴۳۲) ۱/۱/۶۱ از بین بردن تمدن بزرگ اسلام شاید من بهتر از دیگران مشکلاتی که بر این مملکت در طول سلطنت این پدر و پسر گذشت شاهد بوده ام، و به اندازه من کمتر کسی از باب اینکه عمرش وفا نکرده است، شاهد این مسائل بود. اکثر شما خانمها آن زمان را یاد ندارید و شاید در بین شما بسیار کم باشد که آن زمان اسفبار را یاد داشته باشد. در آن زمان به اسم اینکه می خواهیم نیمی از جمعیت ایران را فعال کنیم، آن شقی جنایتکار دست به یک جنایت زد و آن جنایت کشف حجاب بود؛ و به جای اینکه نیمی از جمعیت ایران را فعال کند آن نیم دیگری هم که نیمه مردان بود به طور بسیار زیادی از فعالیت انداختند و این عروسکهایی ----- ۱. اشاره به سخنان پاره ای افراد ساده لوح که به بهانه وجود بعضی نارساییها، اساس نظام جمهوری اسلامی را مورد تردید قرار داده بودند. ۲. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم. که درست کردند و در همه ادارات جا دادند و در همه خیابانها راه انداختند، آنهايي که در ادارات بودند، سایر افرادی که در ادارات بودند را هم از کارهای خودشان بازداشتند و آنهايي که در خیابانها رها بودند، جوانهای ما را به فساد کشاندند و فعالیت جوانهای ما را از دست آنها گرفتند. به اصطلاح خودشان می خواستند که تمدن شرق را وارد ایران کنند، و با آن وضعی که درست کردند، تمدن بزرگ اسلامی را هم از بین بردند. (۴۳۳) ۲۲/۱۲/۶۱ برداشتن عفت از جامعه در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد، به مردها آن ظلم نشد. بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است زی خودشان را قرار بدهند، در آن رژیم در زمان رضاشاه به وضعی و در زمان محمدرضا به وضع دیگر. زمان رضاشاه، که من یادم است و خوب است که شماها یادتان نیست، آنچه بر بانوان گذشت قابل توصیف نیست. آن ظلمی که بر این قشر از ملت در آن دوران گذشت نمی شود بیان کرد. آن فشاری که بر اینها وارد شد و آن مصیبتها که اینها تحمل کردند در زمان آن شاه فاسد نمی شود گفت که چه اندازه بود. در زمان محمدرضا آن عصر و آن وضع تبدیل شد به یک وضع دیگری که عمق جنایت زیادتر بوده از زمان او. او با قلدری و فشار و زدن و گرفتن و چادر پاره کردن و دست به گیسهای زنها گرفتن و کشاندن و اینها گذراند، و این اساساً بر خلاف عفت زنها قیام کرد. یعنی بر خلاف همه

چیز ایران، یکیش هم زنهای ایران بودند که اینها با یک وضع خاصی و با یک توطئه خاصی اینها را می خواستند که به فساد بکشند و عفت را از جامعه ما بر دارند. و بحمدالله بانوان ایران مقاومت کردند و جز یک دسته ای که جزء دار و دسته خود آنها بودند و غریزه بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهرها مقاومت کردند. (۴۳۴) ۱۹/۱/۶۳ برداشتن چادر عفت از سر زنهای مسلمان قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زنهای عفیف مسلمان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی گوید. (۴۳۵) ۱۵/۲/ مجبوس کردن خانمها در خانه ها آن وقت به طوری تبلیغ شده بود که زن جرئت نمی کرد که به این صورتی که باید درآید، درآید، مخفی درمی آمدند. آنهایی که می خواستند حفظ کنند خودشان را، یا از خانه در نمی آمدند، یا شبی، یک وقتی مخفیانه از این ور به جای دیگر می رفتند، و هکذا همه ی جهاتی که ما ملاحظه می کنیم. (۴۳۶) ۵/۶/۶۴ ----- ۱. اشاره به زمان نگارش اعلامیه یعنی سال ۱۳۶۳ قمری مصادف با ۱۳۲۵ شمسی است. ۲. اشاره به دولت و کابینه امیراسدالله علم است.

ورود زنان به مجامع و مجالس فرمایشی

معارضه با اسلام دیدیم که از اولی که این دولت ۲ بیسواد و بی حیثیت روی کار آمد، از اول اسلام را هدف قرار داد: در روزنامه ها با قلم درشت نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده اند، لکن شیطنت بود؛ برای انعطاف نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به الغای اسلام و الغای قرآن، درست نیفتد؛ و لهذا، در اولی که اینجا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند با هم برای علاج کار، توجه ما در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه؛ بعد که مطالعه کردیم دیدیم آقا، قضیه، قضیه ی بانوان نیست، این یک امر کوچکی است؛ قضیه معارضه با اسلام است. (۴۳۷) ۱۲/۲/۴۲ نگرانی علما از لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی پس از اهدای تحیت و دعا، به طوری که در روزنامه ها منتشر است، دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی، «اسلام» را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده؛ و به زنها حق رأی داده است. و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است. در خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است. مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگویی ملت مسلمان شود. (۴۳۸) ۱۷/۷/۴۱ *** هشدار امام به شاه درباره انجمنهای ایالتی و ولایتی تهران- جناب آقای اسدالله علم، نخست وزیر ایران در تعطیل طولانی مجلسین دیده می شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس، و مباین صریح قانون اساسی است. مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه ی مجلس شورا برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد. ورود زنها به مجلسین و انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف (است با) قوانین محکم اسلام ۱ که تشخیص آن، به نص قانون اساسی، محول به علمای اعلام و مراجع فتواست، و برای دیگران حق دخالت نیست. و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می دهند. در این صورت، حق رأی دادن به زنها و انتخاب آنها در همه مراحل، مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است. و نیز قانون مجلس شورا، مصوب و موشح ربيع الثانی ۱۳۲۵ قمری، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری از زنها سلب کرده است. مراجعه کنید به مواد هفت و نه قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی، و پانزده و هفده قانون انجمن بلدیة (شهرداری). در این صورت، چنین حقی به آنها دادن، تخلف از قانون است. و نیز الغای شرط «اسلام» در انتخاب کننده و انتخاب شونده، که در قانون مذکور قید کرده، و تبدیل قسم به قرآن مجید را به «کتاب آسمانی» تخلف از قانون مذکور است؛ و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلتاً یا خدای نخواستہ عمداً اقدام به این امر شده است. اکنون که اعلیحضرت درخواست علمای اعلام را به دولت ارجاع فرموده اند و مسئولیت به دولت شما متوجه است، انتظار می رود به

تبعیت از قوانین محکم اسلام و قوانین مملکتی، اصلاح این امر را به اسرع وقت نمایند، و مراقبت کنید که نظایر آن تکرار نشود. و اگر ابهامی در نظر جنابعالی است مشرف به آستانه قم شوید تا هرگونه ابهامی حضوراً رفع شود، و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود. در خاتمه یادآور می شود که علمای اعلام ایران و اعتبار مقدسه و سایر مسلمین، در امور مخالفه با شرع مطاع، ساکت نخواهند ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور مخالفه با اسلام رسمیت نخواهد پیدا کرد. (۴۳۹) ۲۸/۷/۴۱

۱. روشن است که نظر حضرت امام در خصوص حرمت ورود زنان به مجلس در رژیم شاه با توجه به مفسده ها و آن دوران مطرح شده است؛ والا- همچنان که مواضع مکرر امام در این مجموعه نادر زنان در فعالیتهای سیاسی- اجتماعی را نه تنها حرام نمی دانستند بلکه توصیه می فرمودند. مخالفت شدید امام با انجمنهای ایالتی و ولایتی بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم چون دولت آقای علم با شتابزدگی عجیبی، بدون تفکر در اصول قانون اساسی و در لوازم مطالبی که اظهار کرده اند، زنها را در انتخاب شدن و انتخاب کردن به صورت تصویبنامه حق دخالت داده، لازم شد به ملت مسلمان تذکراتی داده شود که بدانند مسلمین ایران در چه شرایطی و با چه دولتهایی ادامه زندگی می دهند. لهذا توجه عمومی را به مطالب ذیل جلب می نماید: ۰۱ آقای وزیر کشور در طرحی که تقدیم آقای نخست وزیر کرده اند می نویسند: «به طوری که استحضار دارند در مقدمه قانون اساسی صریحاً مقرر است که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عمومی، محق و سهیم می باشند. و به موجب اصل دوم قانون اساسی، مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاش و سیاسی وطن خود مشارکت دارند. بنابراین محروم ماندن طبقه نسوان از شرکت در انتخابات، نه تنها در قانون اساسی و متمم آن مجوزی ندارد بلکه با توجه به جمله «افراد اهالی مملکت» در مقدمه قانون اساسی و با توجه به جمله «قاطبه اهالی مملکت» مذکور در اصل دوم، مغایر آن نیز می باشد. و هیأت دولت تصویب نموده اند که بند اول ماده دهم و بند دوم ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورا، و همچنین قید کلمه «ذکور» از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا حذف شود. و وزارت کشور را مکلف کرده اند که پس از افتتاح مجلسین، مجوز قانونی این تصویبنامه را تحصیل نماید». لازم است اشکالاتی که به این چند جمله است بیان شود؛ الف) اگر سهیم بودن زنها در انتخابات، به طوری که آقای وزیر کشور مدعی است و از هیأت دولت نیز ظاهر می شود، موافق قانون اساسی است، تصویب هیأت دولت بيمورد است؛ و درست مثل آن است که شرکت مردان را در انتخابات تصویب کنند. و اگر تصویب صحیح است، معلوم می شود به نظر هیأت دولت شرکت نسوان مخالف قانون اساسی است. ب) اگر سهیم نبودن زنها به عقیده آنها مغایر قانون اساسی است، مکلف کردن هیأت دولت، آقای وزیر کشور را که پس از افتتاح مجلسین مجوز قانونی تصویبنامه را تحصیل نماید، بی اساس است. و اگر مجوز قانونی می خواهد، معلوم می شود به نظر دولت شرکت زنها مغایر قانون اساسی است. آیا بهتر نبود که هیأت دولت با قدری فکر و تأمل تصویبنامه صادر می کرد که این تناقض گوییهای واضح رخ ندهد؟ ۲. مقدمه قانون اساسی غیر قانون اساسی است بلکه کلام شاه وقت است و رسمیت قانونی ندارد. و آقای وزیر کشور آن را بدون تأمل، یا برای اغفال، مورد استدلال قرار داده اند. لکن بهتر بود تا آخر این مقدمه را مطالعه کنند که واضح شود نسوان حق مداخله در انتخابات ندارند. زیرا در همان مقدمه است: «اینک که مجلس شورای ملی بر طبق نیت مقدسه ما افتتاح شده است»؛ پس اگر شرکت نسوان منظور بوده چطور ممکن است مجلس را بدون شرکت زنها «بر طبق نیت مقدسه» افتتاح نمایند؟ این عبارت صریح است به اینکه دوره اول مجلس طبق نیت شاه بوده، و زنها در آن شرکت نداشته اند. پس معلوم می شود که برای زنان حق نبوده است. ۳. از بیان سابق معلوم می شود مراد از «قاطبه ی اهالی مملکت»، که در اصل دوم است، آن نیست که هیأت وزیران فهمیده اند بلکه مراد آن است که وکیل تهران وکیل همه ملت است، و وکیل قم نیز وکیل همه ملت است، نه وکیل حوزه انتخابیه خود. چنانچه در اصل سی ام متمم قانون اساسی به آن تصریح شده است. و دلیل بر این مدعا آنکه بیشتر از ده طبقه حق رأی ندارند، با آنکه جزء قاطبه ی اهالی مملکت هستند. پس باید تصدیق کنند که یا محروم کردن این طبقات مخالف قانون

اساسی است، و یا شرکت نسوان مخالف است. ۴. فرضاً که در تفسیر این اصل خلافی باشد، به موجب اصل بیست و هفتم از متمم قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین از مختصات مجلس شورای ملی است و آقایان وزرا حق تفسیر ندارند. ۵. به نظر هیأت دولت که طایفه نسوان و سایر محرومین به موجب قانون اساسی حق شرکت در انتخابات دارند، از صدر مشروطیت تا کنون تمام دوره های مجلس شورا برخلاف قانون اساسی تشکیل شده و قانونیت نداشته است، زیرا که طایفه نسوان و بیش از ده طبقه دیگر در قانون انتخابات از دخالت محروم شده اند؛ و این مخالف با قانون اساسی بوده است! در این صورت مفسد بسیاری لازم می آید که ذیلاً تشریح می شود: الف) کلیه ی قوانین جاریه در مملکت، از اول مشروطه تا کنون، لغو و بی اثر بوده و باید باطل و غیرقانونی اعلام شود. ب) مجالس مؤسسان که تشکیل شده، به نظر دولت آقای علم، خلاف قانون اساسی و لغو و بی اثر بوده؛ و این دعوی بر حسب قانون جرم است، و گوینده آن باید تعقیب شود. ج) دولت آقای علم و جمیع دولتهایی که از صدر مشروطیت تا کنون تشکیل شده است غیرقانونی است. و دولت غیرقانونی حق صدور تصویبنامه و غیره را ندارد بلکه دخالت کردن آن در امر مملکت و خزینه ی کشور، جرم و موجب تعقیب است. د) کلیه قراردادهای با دول خارجی، از قبیل قرارداد نفت و غیر آن، به نظر دولت آقای علم، لغو و باطل و بی اثر است و باید به ملت اعلام شود. ۶. حذف بند اول ماده دهم و بند دوم ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شوال ۱۳۲۹ هجری قمری، و حذف قید کلمه «ذکور» از ماده ششم و نهم قانون انتخابات مجلس سنا، مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹، که به استناد مقدمه قانون اساسی و اصل دوم است، غیرقانونی است و برای دولت چنین حقی نیست؛ زیرا مستند چنانچه گفته شد باطل است. به علاوه از برای دولت نیز حق ابطال قانون مصوب در مجلس شورای ملی نیست. و به نص اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی، قوه مجریه از قوه مقننه همیشه ممتاز و منفصل خواهد بود. آنچه مذکور شد جنبه های قانونی تصویبنامه غیرقانونی است. این تصویبنامه با اصل دوم و اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی نیز مخالف است. روحانیت، با هر فشار و مزیقه و اهانتی که دولت بر آن وارد کرده و درصدد وارد کردن است، تکلیف دینی و وجدانی خود را در این تشخیص داده که مصالح و مفاسد را به دولتها و به جامعه مسلمین گوشزد کند؛ و از نصیحت مشفقانه به زمامداران و اولیای امور خودداری نکند؛ و آنچه را برای این ملت بدبخت ضعیف گرسنه بناست پیشامد کند، و آثار و نشانه آن یکی بعد از دیگری نمایان می شود، به جامعه بشر برساند. با این اختناق جانفرسای مطبوعات و سختگیری دستگاه انتظامی، که حتی برای طبع یک ورقه ی مشتمل بر نصیحت و راهنمایی یا پخش آن اشخاصی به حبس کشیده و مورد اهانت و شکنجه واقع می شوند، روحانیت ملاحظه می کند که دولت مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده، و در کنفرانسها اجازه می دهد که گفته شود قدمهایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده. در صورتی که هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها، که جزء احکام ضروری اسلام است، معتقد باشد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است. روحانیت می بیند که پایه های اقتصادی این مملکت در شرف فرو ریختن است؛ و بازار این کشور در حکم سقوط است. چنانکه از پر ونده های مربوط به سفته های بی محل، که هر روز بر قطرش افزوده می شود، این مطلب واضح می شود. و همین طور امر زراعت این کشور در معرض سقوط است. به دلیل اینکه در این مملکت، که باید هر استانش زراعت مورد احتیاج تمام مملکت را بدهد، هر چند وقت به عنوان احتمال خشکسالی یا به عنوان دیگری تصویبنامه وارد کردن گندم صادر می کنند. بلکه چنانچه گفته می شود، اخیراً به صورت آرد می آورند که آسیاهای ایران نیز از کار بیفتند. با این وضع رقتبار به جای آنکه دولت درصدد چاره برآید، سر خود و مردم را گرم می کند به امثال دخالت زنان در انتخابات، یا اعطای حق زنها، یا وارد نمودن نیمی از جمعیت ایران را در جامعه. و نظایر این تعبیرات فریبنده، که جز بدبختی و فساد و فحشا چیز دیگری همراه ندارد. آقایان نمی دانند که اسلام مراعات بانوان را در تمام جهت بیش از هر کس نموده؛ و احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی آنها موجب شده است که از این نحو اختلاط مخالف با عفت و تقوای زن جلوگیری کند؛ نه آنکه خدای نخواستہ آنان را مانند محجورین و محکومین قرار داده. مگر فقط علامت عدم محجوریت آن است که در این مجلسها وارد شوند؟!

اگر چنین است، باید اول نظام بری و بحری، و صاحب منصبان و اجزای امنیه و نظمیه، و شاهزادگان بلافصل، و اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند، از محجورین و محکومین باشند! روحانیون تمام این پیشامدها را که اکنون می بینید و بعد خواهید دید پیش بینی کرده بودند، و با صراحت در اعلامیه های دو- سه ماه قبل ذکر نموده اند؛ و حالا نیز خطرهای بالاتر و بیشتری را اعلام می کنند، و از عواقب امر این جهشهای خلاف شرع و قانون اساسی بر این مملکت و استقلال و اقتصاد و تمام حیثیات آن می ترسند؛ و وظیفه خطیر خود را در این شرایط، که همه ملت می دانند و می بینند، ادا می کنند و با صراحت می گویند تصویبنامه خیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است. و با اختناق مطبوعات و فشارهای قوای انتظامی و جلوگیری از طبع و نشر امثال این نصایح و حقایق، اقدام به نشر آن به مقدار مقدور می کنند تا دولتها نگویند ما تصویبنامه صادر کردیم و علما مخالفت نکردند. و به خواست خداوند متعال در موقع خود اقدام برای جلوگیری می کنند. ملت ایران نیز با این نحو تصویبنامه ها مخالف است؛ به دلیل آنکه در دو- سه ماه قبل که فشار و ارعاب قدری کمتر بود، تبعیت خودشان را از علمای اسلام به وسیله تلگرافات و مکاتیب و طومارها از اطراف و اکناف ایران اعلام نموده، و لغو تصویب نامه غیرقانونی دولت را راجع به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی خواستار شدند. و دولت نیز قبول درخواست ملت را کرده و احاله به مجلس نمود. اینک که به وسیله حبس و زجر و اهانت به طبقات مختلفه ملت- از روحانیین و متدینین- تسلط خود را بر ملت احراز نموده، بدون اعتنا به قوانین اسلام و قانون اساسی و قانون انتخابات، دست به کارهایی زده که عاقبت آن برای اسلام و مسلمین خطرناک و وحشت آور است. خداوند ان شاءالله دولتهای ما را از خواب غفلت بیدار کند، و بر ملت مسلمان و مملکت اسلام ترحم فرماید. **اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا - صَيَلْمَاؤُتْكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ - وَعِيَّةٌ وَّلَيْتْنَا و كَثْرَةٌ عِدُوْنَا و قَلَّةٌ عَدَدِنَا و شِدَّةٌ الْفِتْنِ بِنَا و تَظَاهُرُ الزَّمَانِ عَلَيْنَا. فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ، وَاَعِنَا عَلٰى ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهٗ وِبِضْرٍ تَكْشِفُهٗ و نَصْرٍ تُعِزُّهٗ و سُلْطَانٍ حَقِّ تَظْهِرُهٗ. فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهٖ رَاٰجِعُوْنَ.** مرتضی الحسینی اللنگرودی، احمد حسینی الزنجانی، محمدحسین طباطبائی، محمد الموسوی الیزدی، محمدرضا الموسوی الگلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، روح الله الموسوی الخمینی، هاشم الآملی، مرتضی الحائری. (۴۴۰) اسفند ۱۳۴۱ مخالفت با فحشا و کارهای غلط این «مملکت مترقی»! چه می گویی؟ چه می گویند شماها؟ مگر با الفاظ می شود؟ مگر با چهار تا زن فرستادن (به) مجلس، ترقی حاصل می شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زنهایتان ترقی (درست کنند)؟ ما می گوئیم اینها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست. شما بعد تجربه کنید ببینید بعد از ده سال، بیست سال، سی سال دیگر، اینها را بفرستید، به خیال خودتان، ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید؟ ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم. (۴۴۱) ۲۶/۱/۴۳ بوج بودن شعار ملت مترقی آقایان در کاخهای خود نشسته اند می گویند «ملت مترقی»! «ملت مترقی» از گرسنگی می میرد؟! امیر اسلام، علی- علیه السلام- نان جو می خورد. برای مهمانی که به افتخار اربابان خود ترتیب می دهند، پانصد هزار تومان، یک میلیون تومان، یا بیشتر خرج کنند و مرتب دم از بر نامه «مترقی» می زنند! می گویند کشور ما در ردیف کشورهای طراز اول است! مگر با رفتن چند زن به مجلس، مملکت مترقی می شود. مملکت با برنامه های اسرائیل درست نخواهد شد. (۴۴۲) ۲۱/۱/۴۳

ادعای تساوی حقوق زنان

تجاوز به احکام اسلام دستگاه حاکمه ی ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرد، و به احکام مسلمه ی قرآن قصد تجاوز دارد. نوامیس مسلمین در شُرُفِ هتک است. و دستگاه جابره با تصویبنامه های خلاف شرع و قانون اساسی می خواهد زنها را عقیف را ننگین و ملت ایران را سرافکننده کند. ----- ۱. رژیم شاهنشاهی. تجاوز به احکام اسلام دستگاه جابره در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند. یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد، یعنی

دخترهای هجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه‌ها بکشد، یعنی با زور سرنیزه دخترهای جوان عقیف مسلمانان را به مراکز فحشا ببرد. (۴۴۳) ۲۲/۱۲/۴۳ پایمال کردن احکام ضروری اسلام تساوی حقوق من جمیع الجهات. تساوی حقوق من جمیع الجهات، پایمال کردن چند تا حکم ضروری اسلام است، نفی کردن چند تا حکم صریح قرآن است. بعدش باز دیدند که مصادف شد با یک ناراحتیها و یک حرفها و یک چیزهایی؛ حاشا کردند؛ وزیرشان یک جا حاشا کرد، امیرشان یک جا حاشا کرد. در روزنامه‌ها به صراحت لهجه نوشتند که بردن بانوان به سربازی، تصویبش در دست تنظیم است؛ لکن بعد از آنکه دیدند که خیلی فضاحت بار آمد (و) مردم ناراحت شدند، همان نوکرهای ارباب، به حسب واقع هم ناراحت شدند؛ وقتی دیدند (مردم) ناراحت شدند، گفتند: اکاذیب است. پرونده سازی خواستند بکنند؛ پرونده سازیهای بچگانه مضحک بکنند. (۴۴۴) ۱۲/۲/۴۲ ایستادگی علما، عامل عقب نشینی رژیم بد شد امسال ۱ برای اینکه این مطالب واقع شد؛ و خوب شد برای اینکه شما آقایان زنده کردید اسلام را، ایستادید در مقابل ظلم؛ ----- ۱. سال ۱۳۴۱ هـ ش ایستادید، اگر نایستاده بودید خدا می داند که حالا رفته بودند تا آن آخر. ایستادگی شما اسباب این شد که حاشا کردند مطالبشان را؛ گفتند: «خیر، طلاق به دست مرد است؛ کی ما گفتیم؟» تساوی حقوق این است؟ د مردک از «حزب مردم» است. ... که داد زد که «تساوی حقوق من جمیع الجهات» تساوی حقوق من جمیع الجهات، از این طرف می گویند؛ از آن طرف می گویند: کی ما گفتیم طلاق به دست زن باشد؛ نخیر طلاق به دست مرد است. از آن طرف می گویند؛ نخیر کی ما راجع به ارث گفتیم؛ نخیر ارث هم همان طوری است که خدا گفته. از آن طرف هم می گویند: کی ما گفتیم زنها برونند به نظام وظیفه. تو روزنامه هایتان هست آقا! این روزنامه هایی که دیکته می کند سازمان امنیت، و می نویسند. (۴۴۵) ۱۲/۲/۴۲ ملعبه قرار دادن مذهب رسمی کشور دولت مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده، و در کنفرانسها اجازه می دهد که گفته شود قدمهایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده. در صورتی که هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها، که جزء احکام ضروری اسلام است، معتقد باشد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است. (۴۴۶) اسفند ۱۳۴۱ اهانت به اسلام و قرآن لازم است توجه حضرات آقایان را جلب کنم به اعمال گذشته و حاضر دستگاه جبار؛ در گذشته به اسلام و قرآن اهانت کرد و خواست قرآن را در ردیف کتب ضاله قرار دهد. اکنون با اعلام تساوی حقوق، چندین حکم ضروری اسلام محو می شود. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود شرط اسلام و ذکوریت را از شرایط قضات لغو کرده. (۴۴۷) اردیبهشت ۱۳۴۲ زدن ضربه نهایی به اسلام دستگاه جبار گمان کرده با زمزمه تساوی حقوق می تواند راهی برای پیشرفت مقاصد شوم خود، که آن ضربه نهایی به اسلام است، باز کند. نمی داند که در آن صورت مواجه با چه عکس العملی خواهد شد. (۴۴۸) ۱۲/۲/۴۲ تغییر احکام قرآن لازم است به آقایان محترم تذکر دهم؛ به طوری که از قراین ظاهر می شود دستگاه جبار در صدد تصرف در احکام ضروریه اسلام است؛ بلکه شاید - خدای نخواستہ - بخواهند قدمهای بلندتری بردارند. کراراً در نطقهای مبتذلشان تصریح به تساوی حقوق زن و مرد در تمام جهات سیاسی و اجتماعی کرده اند که لازمه اش تغییر احکامی از قرآن مجید است. و چون با عکس العملی از طرف مسلمین مواجه شدند، مُزورانه انکار نمودند و عذر بدتر از گناه خواسته اند. غافل از آنکه ما آنها را خوب می شناسیم، و به گفتار آنها اعتماد نداریم. (۴۴۹) ۱۲/۲/۴۲ تبعیت از بهاییها یک حقایقی در کار است. شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهاییها مراجعه کنید؛ در آنجا می نویسند: تساوی حقوق زن و مرد، رأی عبدالبهاء است؛ آقایان از او تبعیت می کنند. آقای شاه هم نفهمیده می رود بالای آنجا، می گوید: تساوی حقوق زن و مرد. آقا این را به تو تزریق کردند که بگویند بهایی هستی، که من بگویم کافر است؛ بیرونت کنند. نکن اینطور. (۴۵۰) ۱۳/۳/۴۲ هیدم اسلام شواهدی در دست است که دستگاه جبار، به حکم الزام و خبائث ذاتی، در صدد هدم اسلام است. حمله مسلحانه به مرکز فقاقت و هتک مراجع و فقهای اسلام و حبس و زجر شاگردان مکتب اسلام و اهانت به قرآن کریم و سایر مقدسات مذهبی، نمونه بارز آن است. اعلام به تساوی حقوق زن و مرد از هر جهت، الغای اسلام و رجولیت از منتخب و منتخب و الغای اسلام و

رجولیت از شرایط قضات، نمونه ظاهر دیگری است. (۴۵۱) ۱۶/۲/۴۲ نه‌راسیدن و مقاومت کردن از سخط خدای تعالی به‌راسید. اگر به واسطه سکوت شماها ۱ به اسلام لطمه ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَلِلْعَالَمِ أَنْ يُظَهَرَ عِلْمُهُ، وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. ۲ از تساوی حقوق اظهار تنفر کنید؛ و از دخالت زنها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بشمار است، ابراز انزجار، و دین خدا را یاری کنید. و بدانید إِنْ تَصَيَّرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. ۳ از اخافه و ارعاب سازمانها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید. آنها نیز مثل شما ملزم و مجبورند؛ و بسیاری از آنها با شما همراه و از دستگاه بیزارند. (۴۵۲) ۲۸/۲/۴۲ ----- ۱. علمای اسلام ۲. اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۴، «کتاب فضل العلم». ۳. محمد/۷

سربازی بردن دختران

خیانت به نوامیس مسلمین دخترهای جوان گول خورده را به سربازخانه‌ها نبرید؛ به نوامیس مسلمین خیانت نکنید. آیا این حقیقت تلخ را که قبلاً انکار کردید و گوینده آن را مستحق تعقیب دانستید، حالا هم که عمل کردید انکار می‌کنید؟ آیا فجایع جشن بیست و پنجمین سال را و بی‌فرهنگیها که در آن کردید منکر هستید؟ (۴۵۳) ۲۶/۱/۴۶ دست زدن به تشبثات مضحک دخترها را به «سپاه دانش» دعوت یا تشویق می‌کنند. و خودشان تصریح می‌کنند که باید قبلاً به سربازی بروند. و چون مواجه با نفرت عمومی می‌شوند، به انکار برمی‌خیزند. و در مطبوعات تصریح می‌شود که تصویبنامه سربازی دخترها در دست تنظیم است؛ با این وصف آن را انکار می‌کنند و به تشبثات مضحک دست می‌زنند. (۴۵۴) ۱۲/۲/۴۲

اختلاط زن و مرد

از بین بردن عفت جوانان خوب است وقت یاد گرفتن مسائل و آداب خداپرستی را بسنجید با وقتهایی که در مجلسهای سینما و تئاتر و رقص و شنای دختر و پسر و امثال آن، که پرده‌ی عفت عضو جوان مملکت ما را پاره کرده و روح تقوا و شجاعت را در آنها خفه کرده تا معلوم شود شما چه کارهایی را تلف وقت تشخیص دادید و چه کارهایی را کار می‌دانید. (۴۵۵) *** وضعیت آسف آ ور مدرسه سپهسالار را که به نام دانشکده معقول و منقول تأسیس کردند، نتیجه معکوس از آن گرفتند؛ محصلین آنجا را که روحانی دوره بعد می‌خواستند بشوند و تهذیب اخلاق و روح نسل آتیه کنند در صف دخترهای برهنه به مشق و رقاصی وادار کردند. اکنون هم مدارس تا به دست دولت و عمال دولت است روزگارش همان وضعیت آسف آور است. (۴۵۶) *** مخالفت روحانیت با مدرسه‌های مختلط روحانی می‌گوید این مدرسه‌های مختلط از دخترهای جوان و پسرهای جوان شهوت پرست، عفت و ریشه‌زندگی و قوه جوانمردی را می‌کشد و برای کشور ضررهای مادی و معنوی دارد و به فرمان خدا حرام است. (۴۵۷) *** مراعات حیثیت بانوان در تمام جهات اسلام مراعات بانوان را در تمام جهت بیش از هر کس نموده؛ و احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی آنها موجب شده است که از این نحو اختلاط مخالف با عفت و تقوای زن جلوگیری کند؛ نه آنکه خدای نخواستہ آنان را مانند محجورین و محکومین قرار داده. (۴۵۸) اسفند ۱۳۴۱ نفوذ روحانیت موجب تودهنی دولت اگر نفوذ روحانین باشد نمی‌گذارد که مجلس با سرنیزه درست بشود تا این فصاحت از آن پیدا بشود. اگر نفوذ روحانین باشد نمی‌گذارد که دختر و پسر با هم در آغوش هم کشتی بگیرند- چنانچه در شیراز شده است! اگر نفوذ روحانین باشد نمی‌گذارد که دخترهای معصوم مردم زیر دست جوانها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانین باشد نمی‌گذارد که زنها را در مدرسه مردها ببرند، مردها را در مدرسه زنها ببرند و فساد راه بیندازند. اگر نفوذ روحانین باشد توی دهن این دولت می‌زنند! توی دهن این مجلس می‌زنند، و وکلا را از مجلس بیرون می‌کنند. (۴۵۹) ۴/۸/۴۳ ترویج فساد به جای اقتصاد هیأت حاکمه به جای اینکه برای اقتصاد ایران، برای جلوگیری از ورشکستگیهای بازرگانان محترم، برای نان و آب فقرا و مستمندان، برای زمستان سیاه بی‌خانمانها، برای پیدا

کردن کار برای جوانان فارغ التحصیل و سایر طبقات بیچاره، فکری بکنند، به کارهای مخرب، مثل آنچه گفته شد و نظایر آن، دست می‌زند؛ از قبیل استخدام زن برای دبیرستانهای پسرانه و مرد برای دبیرستانهای دخترانه، که فساد آن بر همه روشن است) و اصرار به آنکه زن‌ها در دستگاههای دولتی وارد شوند، که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است. (۴۶۰) ۴/۸/۴۳ آزادی بی بند و باری به نام تمدن اسلام جلوی شهوات را می‌گیرد؛ اسلام نمی‌گذارد که لخت برونند توی این دریاها شنا کنند. پوستشان را می‌کند! با زن‌ها لخت برونند آنجا، و بعد زن‌ها لخت بیایند توی شهرها! مثل کارهایی که در زمان طاغوت می‌شد. همچو کاری اگر بشود، پوستشان را مردم می‌کنند. مسلمانند مردم. نمی‌گذارند زن‌ها و مرد‌ها با هم داخل هم بشوند و توی دریا بریزند و به جان هم بیفتند. «تمدن» اینها این است! اینها از تمدن این را می‌خواهند. اینها از آزادی این را می‌خواهند! آزادی غربی می‌خواهند. و آن این است زن و مرد با هم لخت بشوند و برونند توی دریا (یا) برونند توی - نمی‌دانم - جاهای دیگر شنا کنند! این تمدنی است که آقایان می‌خواهند! این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد، که بعد از اینکه می‌رفتند زن و مرد در دریا، زن‌ها همان طور لخت و همان طور لخت می‌آمدند توی شهر! مردم هم جرأت نمی‌کردند حرف بزنند. امروز اگر یک همچو چیزی بشود، اینها را ما خواهیم تکلیفشان را معین کرد. و دولت هم معین کرد. البته دولت (به) طوری که وزیر کشور گفتند، گفتند ما جلوی ما گرفتیم. اگر نگیرند، مردم می‌گیرند. مگر مازندرانها می‌گذارند یا رشتیها می‌گذارند که باز کنار دریاشان مثل آن وقت باشد؟ مگر بندر پهلوی ای‌ها مرده اند که زن و مرد با هم در یک دریا برونند و مشغول عیش و عشرت بشوند! مگر می‌گذارند اینها را؟ تمدنهای اینها این است. آزادی ای که آنها می‌خواهند همین. این جور آزادی! برونند قمار بکنند و با هم لخت بشوند و با هم (سرگرم عیش و نوش) بشوند. (۴۶۱) ۷/۴/۵۸ تمدن شاهنشاهی الآن باز آن قلمهایی که قلم اجیر است و مزد می‌گیرد تا جوانهای ما را منحرف کند الآن هم در کار هستند، نطقها می‌کنند و قلمها را به کار می‌اندازند حتی این مسأله اطراف دریا را که با آن فضاحت انجام می‌گرفت، در بعضی از مطبوعات نوشتند جلوگیری از این «ارتجاع» است! که تمدن عبارت از این است که زن و دختر و پسر با هم در دریا به هم ور برونند، اگر این نباشد ارتجاع است! تمدن این است که هر جوانی که در سینما چند روز برود و دیگر زندگیش همان بشود؛ تمام آمال و آرزویش همان بشود. (۴۶۲) ۵۸/۴/۳۰ توطئه جهت جلوگیری از رشد طبیعی جوانها تابستان است، دریاچه‌ها درست کردند و دریا و اجتماعات جوانها با هم، زن و مرد داخل هم و می‌کشیدند اینها را به اطراف دریا، و برایشان هم همه وسائل را درست می‌کردند. و مفت و مجانی می‌رفتند آنجا و هر کاری دلشان می‌خواست می‌کردند. مسأله این نبود که طبعاً این شده باشد. مسأله این بود که یک برنامه خاص و یک توطئه ای در کار بود که نگذارند این جوانها رشد طبیعی خودشان را، و انسانی خودشان را بکنند؛ سرگرمشان کنند به همین مسائل. (۴۶۳) ۳۰/۴/۵۸ به تباهی کشاندن جوانان موقعی که مردم به دریا رومی آورند، یکی از اموری که آنها دامن به آن می‌زدند همین اختلاطی بود که بین جوانها و زن و مرد بود. و این نه از باب این بود که اینها می‌خواستند به جوانهای ما مثلاً خوش بگذرد، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند. (۴۶۴) ۴/۵۸/۳۰ جلوگیری از اختلاط زن و مرد اختلاط زن و مرد در اطراف دریا از همان نقشه‌ها بوده است، باید مردم جدیت کنند خودشان جلو بگیرند. و دستگاههای انتظامی و حکومتها و اینها جلوگیری بکنند، خود مردم جلو گیری بکنند. رادیو این معنی را تبلیغ بکند که نباید این طور بشود، مفسادش را به آنان بگوید. (۴۶۵) ۳۰/۴/۵۸ اختلاط زن و مرد به نام تمدن این اطراف دریا و آن فضاحت. اطراف دریا را یک مرد - نمی‌دانم، حالا - من که نمی‌شناسم - در مجله گفته: جدا بودن زن‌ها از مردها «ارتجاع» است! «تمدن» این است که پسرها و دخترها تو دریا به هم ور برونند! این تمدن است؟! (۴۶۶) ۳۱/۴/۵۸ مخالفت روحانیت با مشروب خانه‌ها و قمارخانه‌ها نمی‌گذارند این آخوندها، زن‌ها و مرد‌ها را با هم توی دریا برونند بغلظند! این آخوندها نمی‌گذارند که این جوانهای ما آزاد باشند برونند در مشروبخانه‌ها و در قمارخانه‌ها و در فحشا فرو برونند. (۴۶۷) ۱۷/۶/۵۸

اغفال ملت مسلمان دستگاه جبار که برای احدی از افراد ملت آزادی قائل نیست و سالهاست سلب آزادی از ملت را وسیله مقاصد خود قرار داده، گمان کرده به اسم آزادی بانوان می تواند ملت مسلمان را اغفال کند تا مقاصد شوم اسرائیل را اجرا کند. من به شما- ای ملت مسلمان- کراراً اعلام خطر کردم و می کنم! (۴۶۸) ۱۲/۲/۴۲ آزاد مرد و آزاد زن با لفظ درست نمی شود مگر مردها آزادند که زنها می خواهند آزاد باشند؟ «آزاد مرد» و «آزاد زن» با لفظ درست می شود؟ مردها آزادند؟ در این مملکت الآن مردها آزادند؟ در چه چیز آزادند؟ (۴۶۹) ۲۶/۱/۴۳ آزادی مسخره در کشوری که مردمش در این پنجاه سال حکومت جائزانه پهلوی روی آزادی ندیده اند، دم زدن از آزادی زنها مسخره و اغفال است. (۴۷۰) ۲/۱۱/۵۶ ----- ۱. رژیم طاغوت پامال ساختن آزادی رژیم شاه است که با غرق کردن آنها در امور خلاف اخلاق، می کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند. اسلام شدیداً معترض به این امر است. رژیم آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پامال ساخته است. زنان مانند مردان زندانهای ایران را پر کرده اند. در اینجا است که آزادی آنها در معرض تهدید و در خطر قرار گرفته است. ما می خواهیم که زنان را از فساد، که آنان را تهدید می کند، آزاد سازیم. (۴۷۱) ۴/۲/۵۷ مظلومیت زن مع الأسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است؟ یکی در جاهلیت. در جاهلیت، زن مظلوم بود، و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله ی جاهلیت مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات- بلکه پایینتر از او (می شمردند). زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد؛ و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق؛ به اسم اینکه زن را می خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن، ظلمها کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند به اسم آزادی آزاد زنان و آزاد مردان. آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زنها و جوانان ما را فاسد الاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می گفت زن باید «فربیا» باشد! البته با آن نظر حیوانی که او داشت؛ با آن نظر جسمانی، مادی، حیوانی پست که او داشت، زن را نظر می کرد. باید «فربیا» باشد! از مقام انسانیت، زن را فرو کشید به مرتبه یک حیوان؛ به اسم اینکه برای زن می خواهد مقام درست کند زن را از مقام خودش پایین آورد. زن را مثل یک عروسک درست کرد. (۴۷۲) ۲۶/۲/۵۸ به انحطاط کشاندن مقام انسانی زن شاه از آزادی زنان صحبت می کند. آزادی کدام زن؟! در ایران زنان با شخصیت که خواستار حقوق انسانی خود هستند و اکثریت زنان ایرانی را تشکیل می دهند، امروز همه علیه شاهند و سرنگونی او را خواستارند و همه آنان امروز می دانند که آزادی زن در منطق شاه یعنی به انحطاط کشاندن زن از مقام انسانی او و در حد یک وسیله با او رفتار کردن. آزادی زن در منطق شاه، یعنی پرکردن زندانها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستیهای اخلاقی شاهانه تن بدهند. (۴۷۳) ۲۴/۹/۵۷ منحنط کردن مقام زن زن را در این دوره رضاخان و محمدرضا خان منحنط کردند از مقام خودش. مرد را هم منحنط کردند. جوانها را هم منحنط کردند. مراکز فحشا الی ماشاءالله برای جوانهای ما درست کردند به اسم «آزادی»، به اسم «پیشرفت»، به اسم «تمدن»! جوانهای ما را به فحشا کشیدند. به اسم آزادی، همه آزادیها را از ماها سلب کردند. آنهایی که زمان رضاخان را درک کرده اند می دانند چه می گویم. آنها دیدند که چه کردند با ما، و چه کردند با زنها محترم ما. آنها که زمان محمدرضا را درک کردند، آنها هم می بینند. با اسمهای فریبنده، با الفاظ بزک کرده مملکت ما را رو به خرابی بردند. بالاتر از همه جوانهای ما را فاسد ----- ۱. سال ۱۳۵۷ کردند. نیروی انسانی ما را به عقب نشانندند. زن در زمان محمدرضا و رضا پهلوی عنصر مظلومی بود، و خودش نمی داند. آنقدر که ظلم در این دو زمان شد در زمان جاهلیت معلوم نیست شده باشد. آنقدر که انحطاط برای زنها در این قرن شد معلوم نیست که در قرن جاهلیت شده باشد. در هر دو قرن مظلوم بوده اند زنها؛ آن وقت اسلام آنها را از اسارت بیرون آورد، و در این زمان هم امیدوارم که اسلام باز دست آنها را بگیرد و از غرقاب ذلتها و مظلومیتها نجات بدهد. (۴۷۴) ۲۶/۲/۵۸ آزادی در فساد اینها نمی خواستند

که بانوان را آزاد کنند؟ برای اینکه مردها هم در زمان اینها آزاد نبودند؛ نه بانوان آزاد بودند، نه مردها. آنها آزادی را در چیزهای دیگر می دیدند، که در آن همه اش فساد بود. (۴۷۵) ۱۰/۴/۵۸ محروم کردن جمعیت از آزادی آنها مدعی بودند که ما نیمی از جمعیت را آزاد کردیم. با اسم آزادی نیمی از جمعیت، تمام جمعیت را از آزادی محروم کردند! (۴۷۶) ۱۲/۴/۵۸ از بین بردن نیروی جوانی جوانهای ما، نیروی جوانی ما را از بین بردند، با اسمهای مختلف. با یک اسمای خیلی فریبنده، با یک بساط. ما می خواهیم «آزادمردان»، «آزادزنان» مملکت حالا دیگر همه آزاد شدند! این دهقانها دیگر، ----- ۱.

سلسله پهلوی حالا دهقان است، دیگر رعیت نیست! (۴۷۷) ۱۶/۴/۵۸ از بین بردن مملکت به نام آزادی آن آزادی ای است که شماها می خواهید آن آزادی است که می خواهید جوانهای ما را بی تفاوت باریاورید، هر چه هر جا بشود و هر که هر کاری بکند؛ دولتهای بزرگ، تمام منافع ما را ببرند و آنها مشغول عسرت باشند. عشرتخانه ها درست کرده اند، بارها درست کردند، سینماها درست کردند، دامن زدند به آن، مخلوط کردند جوانهای زن و مرد را با هم و به فساد کشیدند هر دو را با اسم «آزادی». مملکت ما را بردند، و اینها که آزاد بودند و به آزادی عمل کردند بی تفاوت بودند. (۴۷۸) ۲/۶/۵۸ آزادی در ایجاد مراکز فساد اینکه طرح می کردند که بله، ما «آزادزنان و آزادمردان»! ما آزاد کردیم؛ مثلاً پانزده میلیون زن را آزاد کردیم! آن آزادی که آنها می خواستند چه بود؟ مردها آزاد بودند تا زنها آزاد باشند؟ آزادمردان و آزادزنان در چی؟ شما آزاد بودید در چی؟ ما آزاد بودیم در چه؟ مردها آزاد بودند؟ بله، در یک چیزهایی آزاد بودند و آنها هم دامن به آن می زدند در اینکه یک مراکز فساد درست بکنند. آن زنها که سنخ خودشان هست و آن جوانها که سنخ آنها هستند در آن مراکز فساد، آزاد بودند بروند هر کاری دلشان بخواهد بکنند. در این کنار دریاها، که شماها می دانید که چه خبر بود، همان جا آزاد بودند! «آزاد زن» و «آزاد مرد» اینطوری بود! و الا یکی از مطبوعات ما در آن زمان آزاد بود که یک کلمه بگویند؟ یکی از شما آزاد بودید که یک صحبت بکنید؟ اینکه آزاد نبودید. آنی که آنها می خواستند آزاد باشند همانی بود که فساد بود و فسادآور بود؛ رنج بود و رنج آور بود؛ زحمت بود و زحمت آور بود. به باد داد این قشر جوان ما را در این چند سال و از بین برد این قشر را. (۴۷۹) ۲۶/۶/۵۸ آزادی وارداتی وقتی که ملاحظه می کنیم، خانمها را از آن وضعی که سابق می خواستند برایشان پیش بیاورند به اسم اینکه «آزاد زنان و آزاد مردان» فهمیدند همه اش حقه است و بازی. نه مردها آزاد بودند در زمان ایشان؛ نه زنها، و نه مطبوعات، و نه رادیو، و نه هیچی. آزادی در کار نبود. اسم، صحبتش و تبلیغاتش زیاد بود. آن آزادی هم که آنها می خواستند برای مملکت ما - حالا - هم بعضی از نویسندگان های ما پیشنهاد همان را دارند! - آن آزادی است که هم جوانهای پسر ما را و هم جوانهای دختر ما را به تباهی می کشند. آن آزادی را آنها می خواهند. که من از این تعبیر می کنم به آزادی وارداتی، «آزادی استعماری»؛ یعنی یک آزادی که در ممالکی که می خواهند وابسته به غیر باشد این آزادیها را سوغات می آورند. (۴۸۰) ۲۶/۶/۵۸ مخالفت روحانیت با بی بندوباری، روحانیت با ترقی مخالف نیست؛ با ترقی محمدرضایی ۱ مخالف است. با این تمدن، «دروازه تمدن» مخالف است. این «دروازه تمدنی» -----

۱. محمدرضا شاه نه با ترقی که همه چیز ما را به باد داد. با این آزادی «آزاد زنان و آزاد مردانی» که ایشان می گویند مخالفند؛ نه با آزادی. آزادی سر جای خودش، اما بی بند و باری؟ آزادی یعنی هر که دلش می خواهد هر کاری بکند! (۴۸۱) ۲۶/۶/۵۸ آزادی استعماری آن مقدار از آزادی که برای مملکت ما در این زمانها بود این آزادیهای تباهی آور بود. آزادند که شرب خمر کنند! آزادند قمار کنند! آزادند لب دریا زن و مرد با هم بریزند به جان هم! آزادند در این مراکز فساد بروند. اینها آزادند. آنی که آزاد نبود؟ آزاد نیستند که یک قلم بر خلاف آنها و بنا بر مصلحت مملکت بنویسند؛ آزاد نیستند یک کلمه راجع به او ۱ بگویند. این «آزاد زنان و آزاد مردان» درست می گفت، اما آزادی چی بود؟ آن بود که آنها می خواستند، که من از آن تعبیر می کنم به «آزادی وارداتی»، «آزادی استعماری». اینها نقشه بوده است. (۴۸۲) ۲۸/۶/۵۸ آزادی فحشا در زمان این رژیم که فریاد می کردند که «آزادزنان و آزادمردان» چه فعالیتی زنها داشتند؟ فعالیتی که ما از زنها می دیدیم این بود که چندتایشان جمع

باشوند، با آن وضع فزایش، بروند سر قبر رضاخان، آنجا تشکر کنند از اینکه ما را آزاد کردید! چه جور آزاد کرد؟ چه کرد؟ فکر این نیستند که چه آزادی اینها به آنها اعطا کردند، و تا چه اندازه اینها می خواستند زنها یا مردها آزاد باشند. بله، آنها یک آزادی را ---

۱. محمد رضا پهلوی، شاه ایران می خواستند- حالا هم این اشخاصی که قلم دستشان است و بر ضد اسلام و بر ضد روحانیت چیز می نویسند همین آزادی را می خواهند - و آن آزادی است که دیکته شده است از غرب برای به فساد کشیدن جوانهای ما. زن و مردشان را اینها می خواهند که آزاد باشند! زنها برای اینکه در مجالس آن طوری که تشکیل می دادند و داشتند بروند آنجا و با آن وضع در حضور چشمهای ناپاک مردها آن وضع را درست کنند. این نحو آزادی می خواهند که هم خواهرهای ما را به فساد و تباهی بکشند؛ و هم جوانهای ما، مردهای ما را به تباهی بکشند. اینها می خواهند که همه فحشا آزاد باشد. آزادی زمان ایشان، که آزاد زن و آزاد (مرد، کی) توانست راجع به مسائل روز یک کلمه بگوید؟ و کدام مرد توانست که راجع به گرفتاریهایی که ملت ما از دست اجانب و از دست داخلها داشتند یک کلمه بنویسد؟ کدام مطبوعات ما آزاد بودند؟ کجا رادیو- تلویزیون آزاد بود؟ و مردم، جوانها، دانشگاهیها، و طلباب علوم دینی، کجا آزاد بودند؟ در این پنجاه سال، که من شاهد قضایا بودم، آزادی واقعی مفید برای جامعه مسلوب بود. هیچ نداشتیم؛ یعنی زنها آزاد نبودند که راجع به مسائل جامعه فعالیت بکنند، یا حرف بزنند راجع به گرفتاریهای ملت. راجع به گرفتاریهای ملت به دست شرق و غرب هیچ آزادی نبود. راجع به گرفتاری این ملت از دست دولتهای دست نشانده یک کلمه آزاد نبودند که صحبت کنند. (۴۸۳) ۸/۷/۵۸ آزادی غیر مفید ما دو قسم آزادی داریم که یک قسم مفیدش در غیر زمان این دو جنایتکارا بود، و در زمان اینها این قسم از آزادی بکلی ممنوع بود. و آن آزادی آنها می خواستند که زنها آزاد باشند که هر جوری بَرک بکنند و بیایند توی خیابانها و با جوانها خدای نخواستہ چه بکنند! آن را آزادی قرار داده بودند. و حالا- هم الآن آنها می خواستند اسلام نباشد، دلشان برای این آزادی می سوزد. (۴۸۴) ۸/۷/۵۸ آزادی ایجاد مرکز فحشا آنها آزادی را در یک جبهه نگه داشته بودند، و فریاد هم می زدند؛ «آزاد زنان و آزادمردان!» همینها مقصودشان بود که اینها آزادند هر کاری می خواهند بکنند؛ به هر مرکز فحشایی می خواهند بروند. اختناق در یک جبهه دیگر بود؛ برای قلمهایی که اگر می خواست کسی یک کلمه راجع به مصالح اسلام بنویسد، راجع به مصالح اسلام بنویسد، اینها آزاد نبود و اختناق بود. (۴۸۵) ۴/۸/۵۸ عمل برخلاف عفت زنهایی که تظاهر کرده اند همان زنهایی بودند که از تمه آن مسائل بودند. آنها می بودند که شاه آنها را به عنوان «آزاد زنان» به میدان آورده بود و آنها را به تباهی کشیده بود. آنها هم چون از این وضعی که آن تباهیها آن آزادیهایی که آنها می خواستند، می خواستند که با جوانها آزاد باشند که هر کاری می خواهند بکنند و می خواستند با تباهیها هم آغوش باشند. می خواستند کارهای برخلاف عفت بکنند. و می دیدند که اسلام با کارهای خلاف عفت، با کارهایی که مملکت را به --- ۱. رضا شاه و محمد رضا پهلوی تباهی می کشد و ملت را به عقب می راند موافق نیست. آنها بودند که آمدند در خیابانها و با آن صورتهایی که مردم دیدند تظاهر کردند. (۴۸۶) ۵/۹/۵۸ آزادی در جهت عقب راندن نیروی جوانها چه هیاهویی اینها درست کردند برای اینکه «آزاد زنان» و «آزادمردان»! چه بساطی خودشان و آن انگلهایی که در مجالس شورای سلطنتی نه ملی و سنا، مأمورهای سازمان امنیت و مأمورهای خود این شاه چه هیاهویی درست کردند، برای اینکه دیگر مملکت ما آزاد شد! آزاد زنان و آزادمردان و شما در طول سلطنت این پدر و پسر ۱ و خصوصاً پسر که یک یادگار خلفی بود برای آن پدر و از او هم جلو افتاد. شما دیدید در طول تصدی این دو تا جنایتکار، آزادی برای هیچ کس نبود. هیچ کس آزاد نبود که یک کلمه حقی بگوید. آزادی در آن جهت بود که آزاد کنند تا هر فحشایی می خواهند ایجاد کنند برای عقب راندن نیروی جوانهای ما. اینها آن قدر که به نیروی انسانی این کشور ضرر زدند به آن ذخایر آن قدر ضرر زدند. انسانها را فلج کردند. جوانهای ما را از بین بردند. جوانهای ما که باید خدمت بکنند به این کشور، کشاندند به یک جاهایی که در آنجاها جز اینکه افکارشان فلج بشود و نتوانند خدمت بکنند به این مملکت، چیز دیگری نبود. تمام مراکز فحشا را اینها درش را باز کردند

و با بوق و کرنا ترویج کردند و کمک کردند که این جوانهای ما بروند در این مراکز فحشا و فلیج بشوند. همانجا دفن بشود جوانیشان. جوانی این جوانهای ما را از آنها گرفتند. فلجشان کردند. این خواهرهای محترمی که در دام اینها افتادند و در دام ترویجهای آنها افتادند و در دام تبلیغات آنها افتادند، از آن وظیفه انسانیشان سلب شدند. و ملعبه ی دست جنایتکاران شدند. برای اشخاصی که غیرتمندند، اشخاصی که خوی انسانیشان را از دست ندادند یک تأسف همیشگی هست که این محترمت را اینها چه کردند به اسم آزادی. (۴۸۷) ۲۵/۹/۵۸ *** ----- ۱. رضا شاه و محمدرضا شاه پهلوی.